



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



می شود زیبا مرد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

می شود زیبا مرد

نویسنده:

مرجان درستی مطلق

ناشر چاپی:

گلبهار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	می شود زیبا مرد
۹	مشخصات کتاب
۹	فهرست مطالب
۱۵	پیشگفتار
۱۷	مقدمه
۲۰	بخش اول: حیات و مرگ
۲۱	اشاره
۲۳	حیات و مرگ در روایات
۲۵	تلاش شیطان برای ربودن ایمان در دم مرگ (فلسفه شهادتین)
۲۷	راه حل های ارائه شده در روایات و سخن بزرگان:
۲۹	رویدادهای هنگام مرگ
۲۹	۱. حضور فرشتگان
۳۰	۲. حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام)
۳۳	۳. حضور چهارده معصوم (علیهم السلام)
۳۴	۴. وداع اعضاء بدن با همدیگر
۳۴	۵. شنیده شدن بعضی نداها
۳۵	سخت ترین حالت برای مجرم
۴۰	عذاب قبر، فشار قبر
۴۳	علل عذاب قبر
۴۳	۱. نماز بی وضو _ عدم یاری ضعفا
۴۴	۲. سخن چینی
۴۵	۳. غیبت
۴۵	۴. عدم اجتناب از بول

- ۴۶ ۵.دوری کردن از همسر
- ۴۶ ۶.بستگی در نماز
- ۴۷ ۷.کفاره تضييع نعمتها
- ۴۷ ۸.سخت گیر بودن و دیر راضی شدن
- ۴۷ ۹.بد اخلاقی
- ۴۹ ۱۰.ضد ولایت بودن _ هر چند فقط در مورد یک امام باشد
- ۵۰ ۱۱.از روی غفلت خنده های مستانه کردن
- ۵۰ ۱۲.عدم برآوردن حاجت مؤمن
- ۵۲ حقیقت فشار قبر
- ۵۲ عوامل رافع عذاب قبر
- ۶۹ سوغاتی های مرگ
- ۷۱ توبه از گناهان
- ۷۲ با حقیقت نمی شود شوخی کرد
- ۷۴ کی به زیارت مردگانمان برویم؟
- ۷۵ کی مرده به زیارت می آید؟
- ۷۸ برزخ
- ۸۰ چرا بدن نمی پوسد؟
- ۸۴ بدن برزخی
- ۸۵ آیا می فهمد مرده است؟
- ۸۶ مهمانی های برزخ
- ۸۷ پاره ای از تجسمات مردم در برزخ
- ۹۴ روایات
- ۹۶ برهوت
- ۹۷ بخش دوم: احتضار
- ۹۷ اشاره
- ۹۹ احتضار

- ۱۰۳ پس اندازی برای لحظه احتضار و شب اول قبر خودمان
- ۱۰۵ برخی از عوامل سخت جان دادن
- ۱۰۵ عوامل راحت جان دادن
- ۱۱۱ کفن
- ۱۱۴ حنوط
- ۱۱۴ غسل میت
- ۱۱۸ غسل مست میت
- ۱۱۹ نماز میت
- ۱۲۱ فرشتگان و نماز بر میت
- ۱۲۲ تشییع
- ۱۲۴ دفن
- ۱۳۲ قبرستان
- ۱۳۵ آنچه باید در قبرستان رعایت شود
- ۱۳۷ بخش سوم: گذری به برزخ
- ۱۳۷ اشاره
- ۱۳۹ گذری به برزخ
- ۱۴۴ بهشت
- ۱۴۵ بخش چهارم: آری، به راستی می شود زیبا مرد
- ۱۴۵ اشاره
- ۱۴۸ امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»
- ۱۵۰ شهید محراب آیه الله مدنی
- ۱۵۱ آیه الله صالحی مازندرانی
- ۱۵۲ شیخ بهائی
- ۱۵۳ شهید دستغیب
- ۱۵۵ شهید شیخ عبدالله میثمی
- ۱۵۷ آیه الله شیخ حسنعلی نخودکی

- آیه الله سید علی قاضی ۱۵۹
- آیه الله بهاءالدینی ۱۶۰
- حکیم هیدجی ۱۶۳
- شیخ مرتضی طالقانی ۱۶۴
- شهید ثالث ملا محمدتقی برغانی قزوینی ۱۶۶
- فهرست منابع ۱۶۹
- درباره مرکز ۱۷۲

مشخصات کتاب

سرشناسه: درستی مطلق، مرجان، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: می شود زیبا مرد/اثر م- درستی.

مشخصات نشر: اصفهان: گلبهار، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۷۳ص.: مصور.

شابک: ۲۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۶۹۱-۱۵۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۷۰-۱۷۳.

موضوع: قرآن. برگزیده ها

موضوع: مرگ -- جنبه های قرآنی

موضوع: مرگ -- احادیث

موضوع: مرگ

موضوع: معاد

رده بندی کنگره: BP۲۲۲/۲۲/۹م۴د ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۷۴۴۶۳

ص: ۱

فهرست مطالب

عنوان صفحه

پیشگفتار ه

مقدمه ز

بخش اول: حیات و مرگ در روایات

حیات و مرگ در روایات ۳

تلاش شیطان برای ربودن ایمان در دم مرگ (فلسفه شهادتین) ۵

رویدادها ی هنگام مرگ ۹

سخت ترین حالت برای مجرم ۱۵

عذاب قبر، فشار قبر ۲۰

علل عذاب قبر ۲۳

حقیقت فشار قبر ۳۲

عوامل رافع عذاب قبر ۳۲

سوگاتی های مرگ ۴۹

توبه از گناهان ۵۱

با حقیقت نمی شود شوخی کرد ۵۲

کی به زیارت مردگانمان برویم؟ ۵۴

کی مرده به زیارت می آید؟ ۵۵

برزخ ۵۸

چرا بدن نمی پوسد؟ ۶۰

بدن برزخی ۶۴

ص: ۲

آیا می فهمد مرده است؟ ۶۵

مهمانی های برزخ ۶۶

پاره ای از تجسمات مردم در برزخ ۶۷

روایات ۷۴

برهوت ۷۶

بخش دوم: احتضار

احتضار ۷۹

پس اندازی برای لحظه احتضار و شب اول قبر خودمان ۸۳

برخی از عوامل سخت جان دادن ۸۵

عوامل راحت جان دادن ۸۵

کفن ۹۱

حنوط ۹۴

غسل میت ۹۴

غسل مسّ میت ۹۸

نماز میت ۹۹

فرشتگان و نماز بر میت ۱۰۱

تشییع ۱۰۲

دفن ۱۰۴

قبرستان ۱۱۲

آنچه باید در قبرستان رعایت شود ۱۱۵

ص: ۳

بخش سوم: گذری به برزخ

گذری به برزخ ۱۱۹

بهشت ۱۲۴

بخش چهارم: آری، به راستی می شود زیبا مرد

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه» ۱۲۸

شهید محراب آیه الله مدنی ۱۳۰

آیه الله صالحی مازندرانی ۱۳۱

شیخ بهائی ۱۳۲

شهید دستغیب ۱۳۳

شهید شیخ عبدالله میثمی ۱۳۵

آیه الله شیخ حسنعلی نخودکی ۱۳۷

آیه الله سید علی قاضی ۱۳۹

آیه الله بهاءالدینی ۱۴۰

حکیم هیدجی ۱۴۳

شیخ مرتضی طالقانی ۱۴۴

شهید ثالث ملا محمدتقی برغانی قزوینی ۱۴۷

فهرست منابع ۱۴۹

مرکز پخش: قطبی ۰۹۱۹۲۹۶۹۴۶۲

ص: ۴

پیشگفتار

آنچه امروز پیش می فرستیم، اسباب زندگی فردای ماست.

و خداوند عزوجل چنین فرمود که همه زندگی بعضی ها در فردای قیامت، حسرت است و ندامت، و شعارشان اینکه: «یا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي» (۱)، چرا که امروز دنیایشان، سر در پیش افکنده بی آنکه نگاهی به فردایشان داشته باشند. به چریدن در مرغزار دلفریب دنیا مشغول شدند؛ «قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا» (۲) بگو به این اندک خوشی گذرا دلخوش و مشغول باشید «فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ» (۳) بزودی زود خواهید دید که حیات نوشین ابدی از آن چه کسانی خواهد شد و شما چگونه از همه چیز محروم می مانید و به یاد فرصتی که داشتید و مهلتی که از دست دادید، در حسرت و تأسف از دست دادن خوشبختی بزرگ و حیات گوارا خواهید سوخت.

قبل از آنکه مهلت به سر آید و نوای الرحیل به گوش ها رسد، به فکر فردایی که ناگزیر از پی امروز خواهد آمد باشید که خداوند متعال از زبان سوختگان به آتش حسرت و ندامت در قیامت می فرماید: «لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ» (۴) اگر شنونده پیام خداوند یا اهل تفکر و تعقل بودیم اکنون در شمار معذبان به جهنم سوزان نبودیم.

«رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ» (۵)

۱- سوره فجر، آیه ۲۴.

۲- سوره زمر، آیه ۸.

۳- سوره انعام، آیه ۱۳۵.

۴- سوره ملک، آیه ۱۰.

۵- آل عمران، آیه ۱۹۲.

بار پروردگارا! جز این نیست که هر کس در آتش فروزان وارد شود به مذلت و خواری گرفتار آمده است و کسی فریادرس ظالمان نخواهد بود و هیچ یآوری نخواهند یافت.

پس ای آمرزنده خطاپوش ما را به رحمت کریمانه خود داخل ساز به درستی که رحمت تو به بندگان نیکوکار نزدیک و مغفرت تو سایه افکن امان بر گنهکاران پشیمان است.

بارالها! ای رفیق اعلی!

مولی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، جوانمرد بی هماورد حق، مولود فرید بیت الله و زاده ایام الله رجب، که سلام و درود بی پایان و بی شمار تو بر او باد، به دلدادگان خویش مژده داد:

«فَمَنْ يَمْتِ يَرْنِي»

هر آن کس که بمیرد مرا خواهد دید.

به خاطر همین مژده شور آفرین است که زیباترین و خواستنی ترین امور نزد اهل دل، تجربه پرشکوه دیدار حضرت در لحظه مرگ است؛ پس در آن لحظه جدایی از دنیا که بر مولایمان مولی الموحدین امیرالمؤمنین (علیه السلام) وارد می شویم، با لبخند رضایت و محبت او به ما آرامش رحمانی و سرور جاودانی بخش.

«إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

روز شهادت امام علی الهادی (علیه السلام)

ماه رجب ۱۴۲۹.

مرگ عبارت است از نوشیدن عصاره حیات که برای مؤمنان بسیار گوارا، لذت بخش و نشاط آور است و برای کافران رنج آور، اسفبار و اندوهناک.

مدتی که بشر روی کره خاکی به زندگی در عالم دنیا سپری می کند آنقدر کوتاه است که پروردگار متعال از آن تعبیر به درنگ و توقفی کوتاه می کند. چنان که در سوره مؤمنون می فرماید توقف و درنگ در مورد کسی به کار می رود که در حال طی یک مسیر طولانی است و در بین راه توقفی و درنگی دارد و سپس مسیر طولانی خود را ادامه می دهد.

حضور انسان در عالم دنیا، درنگی بیش نیست و سپس سفرش را به عالم حقایق بالا ادامه می دهد.

از امام هادی (علیه السلام) روایت شده است که فرمودند: «از پدرم سؤال شد چرا این جماعت مسلمان از مرگ ناراحتند و آن را خوش نمی دارند؟»

حضرت فرمودند: چون به حقیقت مرگ جاهلند لذت مرگ را ناخوش می دارند و اگر آنها مرگ را بشناسند و از اولیاء خدا باشند مرگ را بسیار دوست می دارند چون می دانند آخرت برای آنها بهتر از دنیا است.

سپس حضرت به کسی که سؤال کرده بود فرمودند: ای بنده خدا! چرا کودک

و آدم دیوانه از خوردن داروئی که برای سلامت بدن او مفید است خودداری می کنند و از استعمال دوائی که درد و رنج آنها را بر طرف می کند اجتناب می ورزند؟

عرض کرد: چون کودک و دیوانهی بیمار، از منافع و خواص دارو آگاه نیستند.

حضرت فرمودند: سوگند به خدائی که محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را حقاً برای مقام پیامبری برگزید فایده مرگ برای کسی که خود را آماده مردن کند بیشتر است از منفعت دارو برای این شخص مریض. مردم اگر بدانند که به واسطه مرگ به چه نعمت های بزرگی می رسند مرگ را دوست خواهند داشت بیش از حد علاقه ی فرد عاقل محتاطی که داروی سلامت بخش و بیماری زدای خود را دوست می دارد.» (۱)

از امام جواد (علیه السلام) در مورد حقیقت مرگ سؤال شد. حضرت فرمودند: «مرگ همین خوابی است که هر شب به سراغ شما می آید با این اختلاف که مدتش طولانی است و انسان تا روز قیامت از این خواب بر نمی خیزد. انسان ها در حال خواب، یا انواع خواب های شادی بخش می بینند و به انواع سرورها که به وصف و حد در نمی آید شادمان می شوند یا به انواع وحشت ها و ترس ها که قابل توصیف و حد و اندازه نیست مبتلا می شوند. همین گونه که در حال خواب شادی و سرور یا وحشت و اضطراب را حس می کنند

[در حالی که ظاهراً برای بدن هیچ اتفاقی نمی افتد و آرام در گوشه ای افتاده

است] مرگ و احوالات آن نیز به همین صورت است، پس برای مرگ آماده شوید.» (۱)

در اینجا لازم به نظر می‌رسد نکته‌ای را خدمت خوانندگان محترم و متدبران در آیات و روایات نقل شده در این کتاب، یادآوری کنیم و آن این است که مضمون بسیاری از روایات مذکور مجمل هستند و درصدد بیان تمام شرایط و لوازم حکم و داوری خداوند در مورد عملی که انجام شده یا می‌شود نمی‌باشند. مثلاً اینکه از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می‌شود که با گفتن جمله‌ای (۲) عذاب تا قیامت از قبری برداشته می‌شود چه بسا لوازمی دارد از جمله معتقد بودن صاحب قبر به محتوای مطالب و قدرت او بر اداء شهادتین در هنگام مرگ و شروط و قیود دیگری که ما در متن کتاب اشاره‌ی جداگانه‌ای به آنها نداشته‌ایم و برای دانستن بخشی از آنها کافی است که همه‌ی مطالب کتاب هم‌زمان مد نظر قرار گیرد تا دچار غرور باطل و محاسبات غلط در شیوه رفتار و عملکرد خود نشویم. در چاپ جدید کتاب به پیشنهاد برادر بزرگوار جناب حجه الاسلام ابوالفضل شاکری، بخش پایانی به آن افزوده شده و به نمونه‌هایی از مرگ‌های زیبای علما و شهداء و صالحان اشاره گردیده است.

انشاء الله که خداوند متعال این مطالب را اسباب روشنایی دل و تمامیت ایمان و عافیت دنیا و آخرت ما قرار دهد.

۱- معانی الاخبار ص ۲۸۹.

۲- معانی الاخبار ص ۳۹.

ص: ۱۰

ص: ۱

بخش اول: حیات و مرگ

حیات و مرگ در روایات

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «انسان از دو شأن دنیا و آخرت خلق شده است. هنگامی که خداوند این دو شأن را با هم گرد آورد، حیات انسان در زمین مستقر می گردد زیرا حیات از شأن آسمان به شأن دنیا نزول کرده است و هنگامی که خداوند بین آن دو شأن مفارقت ایجاد کند آن مفارقت موت است و در آن حال شأن آخرت به آسمان باز خواهد گشت. بنابراین حیات در زمین است و موت در آسمان و این بدان خاطر است که در هنگام موت بین روح و جسد تفرقه ایجاد می گردد، روح به قدس اولی باز گردانده می شود و جسد در همان زمین باقی می ماند زیرا که از شأن دنیا است.» (۱)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «از ملک الموت پرسیده شد چگونه در یک لحظه ارواح را قبض می کنی در حالی که بعضی از آنها در مغرب هستند و بعضی در مشرق؟

پاسخ داد: من این ارواح را به خود می خوانم و آنها اجابت می کنند.» (۱)

از امام صادق (علیه السلام) راجع به این آیات سؤال شد: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (۲) و «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ» (۳) و

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ» (۴) و «الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُم الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ» (۵) و «تَوَفَّاهُ رُسُلُنَا» (۶) و «وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ» (۷).

سؤال این بود که چگونه ممکن است این آیات صحیح باشد با اینکه می دانیم گاهی در سرتاسر دنیا در یک لحظه واحد آنقدر می میرند که شمارش آنها به جز از جانب خود خداوند ممکن نیست؟

حضرت پاسخ فرمودند: «خداوند تبارک و تعالی برای ملک الموت، دستیارانی از ملائکه قرار داده است که آنان ارواح را قبض می کنند همان گونه که رئیس نگهبانان برای خود دستیارانی دارد و آنان را برای حوائج مختلف به کار می گیرد. بنابراین ملائکه این اشخاص مختلف را توفی (۸) می کنند و ملک الموت علاوه بر آنهایی که خود قبض روح می کند، افرادی را که ملائکه‌ی دستیارش توفی کرده بودند تحویل می گیرد و خداوند عزوجل نیز

۱- توحید صدوق.

۲- سوره زمر، آیه ۴۲، «خداوند روح انسان ها را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند.»

۳- سوره سجده، آیه ۱۱، «بگو فرشته مرگ که بر شما گمارده شده، جانتان را می ستاند.»

۴- سوره نحل، آیه ۳۲، «فرشتگان جانشان را در حالی که پاکیزه اند می ستانند.»

۵- سوره نحل، آیه ۲۸، «همانا که فرشتگان جانشان را در حالی که ستمگر بر خویشند بستانند.»

۶- سوره انعام، آیه ۶۱، «فرستادگان ما جانش را می گیرند.»

۷- سوره انفال، آیه ۵۰، «کاش می دیدی آن دم که فرشتگان جان کافران را می ستانند.»

۸- توفی: به تمام و کمال ستاندن روح

آنها را از ملك الموت دریافت می نماید.» (همه این ها در طول هم و هم زمان است.)

در توحید صدوق، از حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) عین همین مطلب نقل شده است و در پایان چنین افزوده است: «این طور نیست که هر عالم به علمی بتواند آن علم را برای همه مردم تفسیر کند چه اینان ضعیف و قوی دارند، و علم هم یک جور نیست: بعضی علوم را می شود تحمل کرد و بعضی دیگر را طاقت تحمل نیست مگر اینکه خداوند برای اولیاء خاصش آنها را سهل گرداند و آنها را در تحصیل چنان علمی یاری دهد. برای تو تنها کافی است که بدانی خداوند مُحیی، مُمیت نیز هست و اینکه او نفس ها را به دست هر که بخواهد چه ملائکه و چه غیرملائکه توفی خواهد کرد.» (۱)

درباره ی این سؤال که «غیر ملائکه» چه کسانی هستند، دو فرض مطرح است:

(۱) بعضی اولیاء مقرب که از لحاظ رتبه از ملائکه بالاترند.

(۲) خود خداوند متعال.

تلاش شیطان برای ربودن ایمان در دم مرگ (فلسفه شهادتین)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هرگاه مرگ کسی فرا رسد، ابلیس از میان شیاطین دستیارش، افرادی بر می انگیزد تا او را به کفر فرمان دهند و در دینش به تردید اندازند تا زمانی که روحش از بدن جدا گردد. حال اگر کسی مؤمن باشد آن شیاطین بر او نمی توانند چیره شوند بنابراین وقتی نزد

محتضرانتان حاضر می گردید شهادت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسِيْلُ اللَّهِ» را به آنان تلقین کنید تا اینکه دار فانی را ترک گویند.» (۱)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هرگاه مرگ یکی از دوست داران ما فرا رسد شیطان از چپ و راست بر او حاضر می گردد تا اینکه او را از آنچه بر آن است (عقیده‌های که به آن معتقد است) بازدارد و خداوند مانع آن می شود. این همان گفته خداوند است که «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ.» (۲)

انسان هنگام مرگ به شدت تشنه می شود. شیطان از این فرصت برای گرفتن ایمان او استفاده می کند و ظرف پر از آب سرد و گوارایی را در دست گرفته و بر بالین انسان می ایستد و ظرف را حرکت می دهد. محتضر در حالی که شیطان را نمی شناسد به او می گوید مقداری از این آب را به من بده تا بیاشامم.

شیطان می گوید: اگر مایل به آشامیدن آبی و می خواهی به تو آب دهم بگو خدایی در عالم وجود ندارد.

اگر جواب او را نداده رویش را برگرداند، شیطان از طرف پا ظاهر می شود و آن ظرف را حرکت می دهد. مؤمن باز در خواست آب می کند.

شیطان می گوید: اگر می خواهی به تو آب دهم بگو محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پیامبر من نیست.

۱- کافی

۲- تفسیر عیاشی. ذیل سوره ابراهیم، آیه ۲۷. «خداوند کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن و اعتقاد استوار ثابت می گرداند.»

اگر ایمان آن فرد عاریه ای باشد آن جمله را می گوید و بدین وسیله ایمان خود را به شیطان می دهد و کافر از دنیا می رود. در این هنگام آن ملعون آب را روی زمین می ریزد و ظرف را می شکند و می گوید: من کار خود را کردم و احتیاجی به تو ندارم، اما اگر ایمانش ثابت و محکم باشد کلام شیطان را رد می کند و به او توجهی نمی نماید.» (۱)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «شیطان ممکن است به صورت جد و پدر انسان درآید و بگوید: از مذهب و ایمان خود دست بردار زیرا من هم بر این دین بودم و اکنون مرا به واسطه آن عذاب می کنند.

سپس فرمودند: از این جهت خویشان محتضر باید شهادتین را به او تلقین کنند و اعتقادات را به وی تذکر دهند زیرا شیطان دشمنی آشکار برای انسان است.» (۲)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هرگز مرده های خود را تنها نگذارید زیرا شیطان با آنان بازی می کند، و به اندرونشان ضرر می رساند.» (۳)

راه حل های ارائه شده در روایات و سخن بزرگان:

۱. شخص در نماز شب از خدا بخواهد ایمانش را کامل کند و شیطان را از او دور کند.

۲. خواندن دعای عدیله

۳. مواظبت بر نماز و وقت آن

۴. قرآن خواندن بر بالین محتضر و تلقین شهادتین به او

۱- لئالی، ج ۵، ص ۷.

۲- روضه المتقین، ج ۱، ص ۳۴۲.

۳- من لایحضره الفقیه، چهار جلدی ها، ج ۱، ص ۲۰۰.

۵. هدایای مختلفی توسط خود فرد یا افراد دیگر برای لحظات مرگ و شب اول قبر (ختم قرآن، ذکر صلوات، اذکار و ادعیه های دیگر) هدیه شود.

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که از نمازهای خود مواظبت کند و آنها را با شرایطش انجام دهد هنگامی که شیطان برای گرفتن ایمانش نزد او حاضر می شود ملک الموت آن ملعون را می راند و دور می کند و شهادتین را به او تلقین می کند.»

رویدادهای هنگام مرگ

۱. حضور فرشتگان

الف) شیخ مفید نقل می کند: نام دو فرشته ای که شب اول قبر بر مؤمنان وارد می شوند بشیر و مبشر و نام دو فرشته ای که بر تبهکاران وارد می شوند نکیر و منکر است. دو تایی اول میّت را به نعمت بشارت دهند و دو تایی دیگر به عذاب، زیرا او در دنیا منکر فرمان خدا بود. (۱)

ب) وقتی انسان در بستر مرگ قرار گرفت سه فرشته بر بالین او حاضر می شوند و هر کدام از آنان گزارش مأموریت خود را به این شرح بیان می کنند:

یکی خطاب به محتضر می گوید: «من موکل روزی تو بودم از زمان تولدت تا به الآن روزی تو را می رساندم. امروز تمام خزانه های جهان را گشتم و شرق و غرب را کاویدم اما به عنوان غذای تو دانه گندمی هم پیدا نکردم. آنچه سهمیه ی غذا و روزی تو بود به اتمام رسیده است.»

دیگری می گوید: «من موکل رساندن آب به تو از زمان تولدت تا الآن بودم، این زمان همه اقیانوس ها، دریاها و رودهای دنیا را گشتم و آبی برای تو نیافتم، سهم آب آشامیدنی ات تمام شده است (تو همه روزی مقررّت را دریافت کرده ای).»

سومی می گوید: «من موکل نفّس های تو بودم، اکنون همه جهان را

گشتم دیگر نفّسی برای نیافتم. تعداد نفّس هایی که برایت نوشته بودند تمام

شده و این دلیل فرا رسیدن مرگ توست.» (۲)

۱- علم الیقین، ج ۲، ص ۱۰۷۱.

۲- محجّه البیضاء، ج ۸، و بحار، ج ۶.

ج) حضور فرشتگان رحمت نزد مؤمنان: با زیباترین چهره و بسیار شاد با طبق‌هایی از گُل در حالی که مبشّر هستند و مؤدب، اذن ورود می‌گیرند.

د) رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «وقتی خداوند از بنده مؤمن خود راضی شد به ملک الموت می‌گوید: روح فلان بنده مرا پیش من آورید زیرا وی را آزمایش کردم و او را آن طور که خواستم یافتیم. ملک الموت با پانصد فرشته که همه آنان لباس‌های سبز پوشیده‌اند و به دست هر کدام شاخه‌های گُل و زعفران است نزد او می‌آیند و هر کدام او را بشارتی می‌دهد غیر از بشارتی که دیگران به او داده‌اند، می‌گویند برای خارج کردن روح این بنده مؤمن آماده شوید.» (۱)

ی) حضور فرشتگان غضب نزد کفار و فاجران: با چهره‌ای که زشت‌ترین است، همراه با دادن وعده‌ی عذاب، جایش را در جهنم نشان می‌دهند. (۲)

۲. حضور پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام)

ایشان حاضر می‌شوند تا بر کارهای او شهادت داده او را به ملک الموت معرفی کنند. (۳) عقبه روایت می‌کند: خدمت ابا عبدالله امام صادق (علیه السلام) شرفیاب شدم، حضرت فرمودند:

«ای عقبه! خداوند روز قیامت از بندگان نمی‌پذیرد مگر این امری را که شما بدان پایبند هستید (اعتقاد به ولایت) و بین شما و دیدن آنچه چشم بدان خنک و روشن می‌شود فاصله‌ای

۱- بحار، ج ۶، ص ۱۷۲، ب ۶. ح ۵۲ به نقل از دعوات راوندی

۲- _سوره انعام/ ۹۵ (تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی، ج ۴، ص ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۱۲)

۳- کافی، ج ۳، ص ۱۲۹.

نیست مگر جان به اینجا برسد. سپس با دست خود به گردنشان اشاره کردند و بعد به پشت تکیه دادند. معلی همراه من آمده بود، به من اشاره کرد که از حضرت در این باب سؤال کنم و توضیح بخواهم، بنابراین پرسیدم: یابن رسول الله! آنگاه که جان به اینجا رسید، این افراد چه چیزی را می بینند؟ سؤالم را مکرر کردم تا آنجا که نزدیک به ده مرتبه از امام پرسیدم چه چیزی را می بینند؟ و امام هر بار در پاسخ من فقط می فرمودند: «می بینند»، و کلامی بر آن نمی افزودند.

سرانجام حضرت، صاف نشستند و فرمودند: ای عقبه! گفتم: سراپا آم_اده اج_ابت ف_رمان شمایم. فرمودند: معلوم است که می خواهی حتماً جواب را بدانی.

پاسخ دادم: بله یابن رسول الله! دی_ن م_نت_ابع دین شماست، پس اگر دینم از دست برود چه کنم! این جملات را در حالی که اشک می ریختم به زبان آوردم، پس از آن حضرت بر من رقت آوردند و فرمودند: به خدا قسم آن دو نفر را می بینند.

سؤال کردم: پ_در و م_ادرم ب_ه ف_دایت، آن دو نفر کیستند؟

حضرت فرمودند: آنها رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) هستند. ای عقبه! هیچ مؤمنی نمی میرد مگر حتماً آن دو را می بیند.

پرسیدم: آیا پس از این دیدار، مؤمن دوباره به دنیا باز می گردد؟

فرمودند: خیر، به ای_ن دو نگاه ک_رده دنبالش_ان راه می افتد.

سؤال كـردم: آیـا پیامبـر (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) چیـزی به مؤمن می گویند؟

پاسخ دادند: بله، هـر دو لحظه مـرگ بالاى سـرش حاضر می شوند، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نـزد سـرش و علی (علیه السلام) کنار پاهایش می نشینند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خود را روی بدن او می افکند، او را در آغوش می کشد و در همان حال می فرماید: «ای ولی الله! بشارت بده، من رسول خدا هستم، من از همه آنچه از دنیا ترک کردی برایت بهتـرم، سپس رسول خـدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بـرم یـخی زد، امیرالمؤمنین (علیه السلام) بدن مؤمن را در آغوش می گیرد و به او می فرماید: ای ولی خدا! بشارت بده، من علی بنابیطـالب هستم، همـان كـه دوستش می داشتی، مـن قطعاً در حقت سودرسان هستم.» سپس امام فرمودند: «این مطلب در کتاب خداست. خداوند در سوره یونس می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ كَانُوا يَتَّقُونَ. لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.» (۱)

در روایت یـدی گـر آمـده كـه رسـول خـدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بـه امیـرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: یا علی! دوستان و شیعیان تو در سه مکان وقتی تو را ببینند خوشحال می شوند:

۱- کافی ج ۳ ص ۱۳۹؛ یونس، ۶۴-۶۳ «آنان که ایمان آوردند و همواره تقوی می ورزند، برای ایشان در زندگی این دنیا و در آخرت بشارت است. کلمات خداوند تغییر نمی پذیرد این است آن کامیابی بزرگ.»

۱. هنگامی که روح از بدن آنها خارج می شود و تو شاهد بر ایشان باشی.

۲. هنگام سؤال نکیر و منکر در قبر در حالی که تو آنان را تلقین می کنی.

۳. هنگامی که وارد بر خدا می شوند (و در کنار پل صراط) در حالی که تو آنان را می شناسی. (۱)»

۳. حضور چهارده معصوم (علیهم السلام)

همراه با پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) چهارده معصوم نیز بر سر بالین محتضر حاضر می شوند تا به اعمال فرد شهادت دهند و او را به ملک الموت معرفی کنند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: هیچکس نیست که مرگش فرا رسد مگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) همگی نزد او حاضر می شوند به طوری که آنان را می بیند. اگر محتضر مؤمن باشد با دیدن آنها احساس علاقه و محبت کرده به آنها عشق می ورزد، اگر مؤمن نباشد هنگام ملاقات، آنان را دشمن می دارد و به دیدارشان بی علاقه و از آن ناخشنود است. (۲)

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: یا علی! دوستان و شیعیانت، تو را در سه جا می بینند و خوشحال می شوند:

الف) وقتی که روح از بدن آنها خارج می شود در حالی که تو بر حال آنان شاهد و ناظری.

۱- بحار الانوار، ج ۶، ص ۲۰۰.

۲- من لا یحضر الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۹.

ب) وقتی که نکیر و منکر در قبر از آنان سؤال می کنند در حالی که تو (جواب را) به آنان تلقین می کنی.

ج) وقتی که بر خدا وارد می شوند (و کنار پل صراط) در حالی که تو آنان را شناسایی می کنی. (۱)

۴. وداع اعضاء بدن با همدیگر

در حدیثی آمده است: «وقتی بنده در سكرات موت قرار گیرد اعضاء بدن او بعضی با بعضی وداع کنند و گویند: «عَلَيْكَ السَّلَامُ تُفَارِقُنِي وَ أَفَارِقُكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (۲) با تو وداع می کنم که ما از هم جدا می شویم تا روز قیامت فرا رسد.

۵. شنیده شدن بعضی نداها

وقتی روح از بدن خارج شد، سه ندا از جانب آسمان می شنود:

«ای پسر آدم! تو دنیا را ترک کردی یا دنیا تو را؟! تو دنیا را جمع کردی یا دنیا تو را؟! تو دنیا را کُشتی یا دنیا تو را؟!»

زمانی که میت را به غسل خانه می برند، سه ندا می شنود: «ای پسر آدم! کجا رفت آن زبان فصیح و گویای تو، چرا ساکت مانده ای؟! کجایند دوستان و رفقای تو، چرا تنها مانده ای؟!»

زم_انی ك_ه میت را در كف_ن گ_داشتند: «ای پسر آدم! بی توشه و زاد به سفری دور می روی، از منزلت خارج می شوی و دیگر به آن بر نمی گردی، به سوی خانه هولناک و پر خطری می روی که راه بازگشتی نداری.»

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۰۰.

۲- بحار، ج ۶، ص ۱۵۰.

زمانی که میت را به سوی قبرستان حمل کنند: «خوشا به حالت اگر عملت نیک باشد، خوشا به حالت اگر همنشین تو رضایت خدا باشد، وای به حالت اگر همنشین تو خشم خداوند جبار باشد.»

زم_انی که جن_ازه را کن_ار قب_ر گذاشتن_د، س_ه ن_دا از قب_ر می آی_د:

«ای پسر آدم! بر پشت من خندان بودی ولی در دل من گریان خواهی شد، بر پشت من فرحناک و خوشحال بودی ولی در دل من غمگین خواهی شد، بر پشت من گویا بودی اما در شکم من ساکت و خاموش خواهی بود.»

زمانی که جنازه را درون قبر گذاشتند و آن را پوشاندند و مردم به سمت خانه های خود حرکت کردند خداوند متعال به او خطاب می کند و می فرماید: «ای بنده من! تنها و بی کس ماندی، دوستان و رفقای تو را در تاریکی قبر تنها گذاشتند و رفتند در حالی که تو به خاطر آنان مرا نافرمانی می کردی و از من اطاعت نمی کردی ولی امروز رحمت و کرامت من است که چندان شامل حالت شود که همه خلایق از آن تعجب کنند. من امروز از مادر نسبت به فرزندش به تو مهربانترم.» (۱)

سخت ترین حالت برای مجرم

□ عایشه نقل می کند: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمودند: کدام حالت برای میت از همه حالات سخت تر است؟

عایشه گفت: خدا و رسول آگاه ترند.

حضرت فرمودند: ای عایشه! تو بگو.

گفت: سخت ترین حالت وقتی است که می خواهند میت را از خانه اش بیرون ببرند، اولادش اطرافش را گرفته و فریادشان بلند است و می گویند: «وَأَبْنَا وَ أَبْنَا».

حضرت فرمودند: «سخت تر از آن وقتی است که میت را در لَجْدِ بگزارند و خاک رویش بریزند و او را تسلیم خدا کنند، دوستان از کنار قبرش برگردند و او را تنها گذارند.» حضرت ادامه دادند: آیا از این سخت تر هم هست؟

عایشه گفت: یا رسول الله! شما بفرمایید.

ایشان فرمودند: «از همه سخت تر برای میت وقتی است که غسل برای غسل دادن وارد خانه او شود، انگشتر جوانی را از دست و پیراهن دامادی را از بدنش در آورد و عمامه را از سر علما و فقها بردارد. (نشان از اینکه غرور جوانی و غرور علمی همه می رود.)» (۱)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: می دانید آیه «فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا» (۲) درباره چه کسی نازل شده؟

عایشه گفت: خدا و رسولش داناترند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «درب_اره_ع_ذاب_قب_ر_کاف_ر، حقتعالی بر او ۹۹ اژدها مسلط می کند که هر یک نُ_ه_س_ر دارد و تا روز قیامت او را می گ_زند و ب_ه_بدنش سم وارد می کنند.» (۳)

۱- انسان از مرگ تا برزخ، نعمت الله صالحی حاجی آبادی، به نقل از لثالی ج ۵، ص ۱۵

۲- سوره طه، آیه ۱۲۴ «هر که از یاد من روی بگرداند، بی تردید زندگی سختی خواهد داشت.»

۳- علم الیقین، ج ۲، ص ۱۰۷۴.

اینکه چرا ۹۹ اژدها، شاید به این دلیل که، حقتعالی ۹۹ اسم دارد که هر که آنها را بشمرد وارد بهشت می شود. و یا شاید به این دلیل که، حقتعالی ۹۹ رحمت دارد که بوسیله آنها بندگانش را در قیامت مورد مرحمت قرار می دهد.

□ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: وحشتناک ترین مراحل زندگی انسان سه موقع است (که بیشترین احساس تنهایی و بی پناهی را می کند).

□ هنگام تولد که تازه چشم به دنیا می گشاید.

□ وقت مرگ که دنیای دیگر و اهل آن را می بیند.

□ روز قیامت که از قبر برمی خیزد و اوضاع تازه ای را مشاهده می کند. (۱)

□ ام_ام سج_اد (علیه السلام) فرمودند: «سخت ترین ساعت ه ای زندگی انسان، این لحظات است:

□ هنگام دیدن ملک الموت

□ هنگام حرکت از قبر (نفخه صور)

□ ساعتی که در برابر خداوند می ایستد تا فرمان رفتن به بهشت یا جهنم صادر شود.» (۲)

□ روزی امام رضا (علیه السلام) به عیادت یکی از یاران خود که در بستر مرگ افتاده بود، رفتند. حالش را پرسیدند، او از شدت درد و رنج ناشی از دست و پنجه نرم کردن با مرگ سخن گفت.

۱- نصابیح، ص ۱۵۲، ح ۳۱۱.

۲- نصابیح، ص ۱۵۳.

امام فرمودند: این ها مقدمه مرگند نه خود مرگ، برخی با مرگ به آسایش می رسند و بعضی آسایش را از دست می دهند. ایمان به خدا و ولایت را مجدداً اقرار کن تا از آسایش یافتگان باشی، وی چنین کرد. سپس گفت: «ی_ابن رسول الله! فرشتگان الهی را می بینم که با هدایا در محضر تان ایستاده سلام می کنند، اجازه دهید تا بنشینند.» حضرت اجازه فرمودند، سپس به او فرمودند: از آنان پرس آیا به ایشان دستور داده اند که نزد من در حال قیام و ایستاده باشند؟

وی گفت ایشان می گویند: «اگر همگی نزد شما بیایند، تا اجازه نشستن ندهید ایستاده خواهند ماند.» سپس چشمانش را بست و گفت: خ_داحافظ ی_ابن رسول الله! اکنون شما و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و همه امامان، نزد من حاضر شده اید، سپس جان به جان آفرین تقدیم کرد. (۱)

در انتهای این بخش، به قسمتی از کلام امام صادق (علیه السلام) دل می سپاریم:

«اکنون ای مؤمن! در حال خود نظر و اندیشه کن اگر وضعیت خود را چنین می یابی که برای فرود آمدن مرگ آماده هستی و به مرگ خویش رضامندی، خدا را برای این توفیق و این بازداشتن تو از تعلقات غیرالهی شاکر باش، اما اگر دیدی که راضی به مرگ خویش نیستی، از مرگ می ترسی و نگران اعمال و افعال خود و نتیجه آن در عالم آخرتی، پس از این حال خود خارج شو و به حالتی وارد شو که در آن عزم جدی و استوار بر ترک معاصی داشته باشی و بدان که این حال نشان از آن است که عمرت را تاکنون در غفلت از آخرت گذرانده ای.

پس با پشیمانی بر این غفلت، آن را تدارک کن و از خداوند یاری بطلب که گناهانی را که از تو ظاهر گشته است پاک کند و عیوبی را که در باطن خود پنهان کرده ای پاکیزه و برطرف سازد، و این همه غفلت را از قلبت بزدای و آتش شهوتی را که در درونت شعله می کشد خاموش ساز و البته اگر غفلت، قلع و قمع شود و شعله های شهوت مهار گردد و گناهان متراکمی که ظاهر و باطن را آلوده کرده است از جان و روان انسان تصفیه و تطهیر شود، آن وقت تـرس بی جـا از مـرگ از بین خواهد رفت و زمینه برای بهره گیری مفید از عمر فراهم خواهد شد.» (۱)

عذاب قبر، فشار قبر

گاهی وقتی از گذر عمر و عوالم برزخ و قیامت، سخن گفته می شود عده ای ناراحت می شوند، اما آخر مگر نباید به مسافر گفت که انتهای مسیرش کجاست؟ آیا نباید گفت که چه توشه ای بردارد که گرسنه و تشنه نماند؟ راهنمایان راه یافته و مهربان ما، گوشه ای از حقایق این امر مهم را برای ما گوشزد کرده اند تا طریق دشوار پیش رویمان را به سلامت طی کنیم.

□ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «از عذاب قبر بپرهیزید همانا قبر آن چنان انسان را در هم می فشارد که دنده های انسان در هم فرو می رود.»

در توضیح کلام حضرت باید گفت: عذاب قبر با فشار قبر فرق می کند. ظاهراً فشار قبر برای همه هست بـه استثنای چه ارده معصوم (علیهم السلام)، اما عذاب قبر برای همه نیست، فشار قبر حتی برای بعضی شهدا و بعضی اصحاب رسول خدا هم هست. اگر اوضاع و احوال کسی بسیار خراب باشد فشار قبر و عذاب قبر را توأم دارد و اگر مؤمن باشد ممکن است فقط فشار قبر داشته باشد.

با خواندن نماز و دادن صدقه در فشار قبر تخفیف داده می شود اما کاملاً برداشته نمی شود، مگر اینکه فرد، انسان بسیار خوب و دارای سلامت قلب کامل باشد، یعنی کسی در ردیف سلمان و ابوذر.

□ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فشار قبر برای مؤمن از دو جهت است؛ یا برای کفاره و از بین بردن گناهان اوست یا برای بی توجهی به نعمت ها در دنیا و ضایع کردن آنها.» (۱)

و نیز از سخنان و مناجات های ایشان است که فرمودند:

«أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ قَبْرِی» (۱) خداوندا! از عذاب قبرم به تو پناه می برم.

□ امیرمؤمنان (علیه السلام) در نامه ای به محمدبن ابی بکر چنین مرقوم فرمودند: «ای بندگان! برای کسی که خدا او را نیامرزد آنچه پس از مرگ است سخت تر از مرگ است، بنابراین از تنگی، سختی و تنهایی قبر بر حذر باشید.

قبر هر روز می گوید: من خانه غربتم، من خانه وحشتم، من خانه کرم هایم، قبر بوستانی از بوستان های بهشت یا گودالی از گودال های جهنم است.

وقتی بنده مؤمن از دنیا برود و او را دفن کنند، زمین به او می گوید:

((خوش آمدی، از کسانی بودی که دوست داشتم بر روی من راه بروی اکنون که به من سپرده شدی خواهی دید چگونه با تو رفتار می کنم، سپس قبرش به قدر دید چشم وسعت می یابد.))

و هرگاه کافر دفن گردد زمین به او گوید:

((خوش نیامدی و اهلّیت نداری، از کسانی بودی که دوست نداشتم بر رویم راه بروی، خواهی دید چگونه با تو رفتار می کنم، سپس او را چنان فشار می دهد که دنده هایش می شکنند و درهم فرو می رود.))

همانا زندگی سختی که خداوند دشمنانش را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خداوند نود و نه افعی را در قبر بر کافر مسلط می کند که گوشتش را پاره کنند و استخوان هایش را در هم شکنند و تا روز قیامت با او همنشین شوند. اگر یکی از آنها در زمین بدمد در اثر حرارت و آتش دهانش دیگر، گیاهی روی زمین نخواهد رویید. پس ای بندگان خدا! جان های ناتوان شما و بدن های لطیف و نرمتان که با کمترین عذاب از پا در می آید توان تحمل این همه عذاب را ندارد، اگر می توانید جان و تن خود را از آنچه قدرت تحملش را ندارید برهانید، به آنچه خدا دوست دارد عمل کنید و آنچه را که او دوست ندارد، واگذارید.» (۱)

آیا عذاب برای جسم و روح، هر دو است؟

ابوبکر خوارزمی از ابن عباس نقل می کند: جسد میت در پیشگاه الهی در مقام مناظره و مخاصمه با روح عرض می کند: «پروردگارا! مرا مثل مار خلق کردی؛ در حالتی که نه دستی دارم که با آن چیزی را بگیرم و بدهم و عملی انجام دهم، نه پایی دارم که به واسطه آن آمد و شد کنم، نه چشمی دارم که با آن اشیاء را ببینم، نه گوشی دارم که با آن صداها را بشنوم مگر این که روح داخل من شود. چون روح داخل شد زبانم گویا، گوشم شنوا، چشمم بینا، دستم گیرا و پایم پویا گردید. بار خدایا! عذاب را حواله روح کن و مرا از آن خلاصی ده.»

بعد از آن روح عرضه می دارد: «بار خدایا! مرا خلق کردی در حالی که مانند باد بودم، برای من دست، پا، چشم و گوش قرار ندادی، حرکت نکنم مگر به واسطه ی آلات و اجزایی که در بدن است و سکونت نیابم مگر به واسطه ساکن شدن آنها (همه عملیاتم به واسطه ی آنهاست)، پس جرم من کدام است و جنایت من چیست؟ خدایا! عذاب را حواله‌ی جسد کن و مرا رهایی ده.» (۱)

علل عذاب قبر

۱. نماز بی وضو _ عدم باری ضعفا

□ صفوان بن مه_ران از ام_ام صادق (علیه السلام) ای_ن ط_ور نقل می کند: «کسی مُرد و او را دفن کردند، پس از دفن، ملائکه او را در قبرش نشانند و گفتند: ما مأموریت داریم صد تازیانه به تو بزَنیم.

مرد گفت: طاقت ندارم.

گفتند: پنجاه تازیانه.

گفت: طاقت ندارم.

گفتند: ده ضربه.

گفت: طاقت ندارم.

تعداد ضربات مرتب کاهش یافت تا به یک ضربه رسید.

گفتند: «چاره ای نیست باید یک ضربه را به تو بزَنیم.»

۱- انسان از مرگ تا برزخ نعمت الله صالحی حاجی آبادی، ص ۱۲۲.

مرد سؤال کرد: چرا باید یک ضربه را بزیند؟

ملائکه پاسخ دادند: «زیرا روزی نماز بدون وضو خواندی و دیگر اینکه بر ضعیفی گذشتی در حالی که قادر بر یاریش بودی اما او را یاری نکردی، پس او را تازیانه ای زدند که در اثر آن قبرش پر از آتش شد.» (۱)

۲. سخن چینی

□ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «عذاب قبر به جهت سخن چینی و نمامی به وجود می آید.» (۲)

ابن عباس نقل می کند: ثلث عذاب قبر به جهت نمامی است. (۳)

□ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمودند: «یا علی! از نمامی پرهیز زیرا باعث عذاب قبر است.» (۴)

□ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: شبی که مرا به آسمان ها بردند زنی را دیدم که سرش سرخوک و بدنش مانند الاغ بود و با هزارهزار نوع عذاب او را مجازات می کردند.

اصحاب پرسیدند: عمل او در دنیا چه بوده است؟

حضرت پاسخ دادند: سخن چینی و دروغگویی. (۵)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر که به قصد سخن چینی میان دو نفر گام بردارد خداوند آتشی را بر او مسلط می سازد که از هنگام دفن تا روز

۱- بحار، ج ۶، ص ۱۲۱.

۲- بحار، ج ۵، ص ۲۶۴.

۳- بحار، ج ۶، ص ۲۴۵.

۴- بحار، ج ۶، ص ۶۷ و ۷۷.

۵- بحار، ج ۷۵، ص ۲۶۴.

قیامت او را بسوزاند و چون در قیامت از قبر خود بیرون آید ازدهایی را بر او مسلط می کند که پیوسته بدنش را نیش بزند تا وارد دوزخ شود.» (۱)

این روایت با این مضمون آمده: ... ازدهایی را بر او مسلط می کند که پیوسته گوشت بدنش را به دندان بکشد تا وارد دوزخ شود. (۲)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هیچ کس عذاب قبر نبیند جز برای یکی از سه گناه: غیبت، سخن چینی و آلودگی به بول.» (۳)

۳. غیبت

ابن عباس این طور نقل می کند: «غیبت، باعث عذاب می شود و ثلث عذاب قبر به سبب غیبت است.» (۴)

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «در شب معراج بـه قـومی برخوردیم که ناخن های آنها از مس بود، سینه و صورت های خود را با آنها می خراشیدند.»

از جبرائیل پرسیدم: اینان کیستند و عملشان چه بوده است؟

پاسخ گفت: «غیبت می کردند و گـوشت مـردم را به وسیله غیبت می خوردند و آبروی آنها را هتک می کردند.» (۵)

۴. عدم اجتناب از بول

حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «اجتناب نکردن از بول و ترشحات آن باعث عذاب و فشار قبر می شود.» (۶)

۱- عقاب الاعمال، ص ۶۵۵.

۲- بحار، جلد ۷، ص ۲۱۴ و منازل الاخره ص ۸۴

۳- نصابیح، ص ۱۰۹، ح ۵۸.

۴- بحار، ج ۶، ص ۲۴۵.

۵- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۳۳.

۶- بحار، ج ۶، ص ۲۴۵.

□ جاب_ر_ب_ن_ع_ب_د_الله نقل می کنَد: همراه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) عبور می کردیم تا به کنار دو قبر رسیدیم. حضرت فرمودند: «صاحبان این دو قبر اکنون عذاب می شوند، عذاب یکی بدان جهت است که در دنیا غیبت مردم را می کرد و عذاب دیگری بدان علت است که از پاشیدن قطرات بول به بدنش پرهیز نمی نمود.» (۱)

۵. دوری کردن از همسر

هم خوابگی نکردن با زن موجب عذاب و فشار قبر می شود.

□ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: «دوری کردن مرد از همسر خود موجب عذاب قبر می شود.» (۲)

۶. سستی در نماز

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی که در نماز سستی کند، در قبر به غصه شدید و تاریکی، تنگی قبر و عذاب قبر تا قیامت و محرومیت از بشارت ملائکه رحمت مبتلا می شود، حشر او در محشر بصورت الاغ خواهد بود نامه عملش را به دست چپ می دهند و حسابش طولانی می شود.» (۳)

□ پیامب_ر_اک_رم (صلی الله علیه و آله و سلم) ضمن حدیثی در باب احوالات برزخی مردم فرم_ودند: «... پس از آن ب_ر جمعیتی گذشتم که سر و صورت هایشان را با سنگ شکسته و له می کردند. از جبرائیل پرسیدم: آنها کیستند؟ گفت: جمعی

۱- محجه البیضاء، ج ۵، ص ۲۳۵.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۲۲.

۳- نصابیح، ص ۱۰۸، ح ۵۲.

از امت تو هستند که نماز عشاء را نخوانده، از روی غفلت و اهمیّت ندادن به نماز آن را ترک کرده اند.» (۱)

۷. کفّاره تضييع نعمتها

□ امام صادق (علیه السلام) از قول رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «صَغَطَةُ الْقَبْرِ الْمُؤْمِنِ كَفَّارَةٌ لِمَا كَانَ مِنْهُ مِنْ تَضْيِيعِ النِّعَمِ.» (۲)، فشار قبر مؤمن کفّاره ی گناه تضييع نعمت از ناحیه اوست.

۸. سخت گیر بودن و دیر راضی شدن

کسی که دیر راضی می شود، مثل آدمی که در حقش کوتاهی شده و با وجودی که از او عذرخواهی می کنند حاضر به بخشش نیست، مبتلا به عذاب قبر می شود.

۹. بد اخلاقی

از جمله چیزهایی که باعث عذاب و فشار قبر می شود بد اخلاقی است.

صبح روزی که سعد بن معاذ از دنیا رفت و به شهادت رسید، جبرائیل نازل شد و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عرض کرد: یا رسول الله! چه کسی از امت تو از دنیا رفته است که فرشتگان آسمان روح او را به یکدیگر مژده می دهند؟ وقتی مردم خبر شهادت سعد را به حضرت رساندند، حضرت همراه جماعتی از اصحاب خود با عجله به طرف منزل «سعد» حرکت کردند. وقتی به منزل سعد رسیدند، کنار در نشستند و در حالی که به در تکیه داده بودند امر کردند تا «سعد» را غسل دهند، دفعتاً مردم دیدند حضرت زانوهای خود را جمع کرد،

۱- لثالی، ج ۵، ص ۸۸.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۲۱، ترجمه امالی شیخ صدوق.

علت را جویا شدند؟ فرمودند: «ده هزار فرشته برای تشییع جنازه او آمده اند، برای آن ها جا باز کردم.» وقتی غسل به پایان رسید جنازه را حنوط و کفن کرده و به سوی قبرستان بقیع حمل نمودند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با پ_ای ب_رهنه و ب_دون رداء، بدن سعد را تشییع می کرد، گاهی طرف راست و گاهی جانب چپ تابوت او را می گرفت تا سرانجام پیکر سعد را کنار قبر بر زمین گذاشتند.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) داخل قبر شد و برای سعد، لحد معین کرد و او را در لحد گذاشت. خشت ها را یکی یکی پهلوی هم چید و فرمودند: سنگ و گل بدهید و با آنها میان خشت ها را پر کرد.

وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از کار خود فارغ شد، مردم روی بدن «سعد» خاک ریختند و قبر را پر کردند. این کار با دقت و استحکام انجام شد و حضرت فرمودند: می دانم که حرکت و تلاش ما به سوی دیار نیستی و قبر است و نیز می دانم که پوسیدگی به این قبر می رسد، لیکن پروردگار دوست دارد بنده خدا وقتی کاری انجام می دهد، آن را مستحکم و درست به انجام رساند.

پس از آنکه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) چون از تسویه قبر فارغ شد و مردم خاک بر آن ریختند، مادر «سعد» گفت: ای «سعد»! بهشتی که بدان داخل می شوی، بر تو گوارا باد.

حضرت نگاهی به او کرده فرمودند: ای مادر سعد! حکم جزمی بر خدا نکن، چون الآن قبر، بدن «سعد» را به سختی فشار داد!

مردم به همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از اتمام اعمال، مراجعت کردند، آنجا بود که برخی سؤال کردند: یا رسول الله! ما امروز درباره سعد کارهایی از

شما مشاهده کردیم که تا به حال ندیده بودیم در مورد کس دیگری انجام دهید، شما بدون رداء و کفش به دنبال جنازه «سعد» حرکت کردید!

فرمودند: دیدم هفتاد هزار فرشته از آسمان بدون کفش و رداء به تشییع جنازه «سعد» آمده اند من هم به آنها تاسی نمودم. (۱)

(در بعضی روایات ذکر شده، آمدن هفتاد هزار فرشته به جهت مداومت او به خواندن سوره توحید بوده است.)

گفتند: شما گاهی جانب راست و گاهی جانب چپ سریر را می گرفتید! فرمودند: دست راست من در دست جبرائیل بود او از هر جا شروع می کرد و می رفت من از همان جا شروع می کردم و می رفتم.

عرض کردند: شما دستور دادید که «سعد» را غسل دهند و خود بر جنازه اش نماز خواندید و برای او لحد قرار دادید و اما بعد از این همه ، فرمودید که قبر، بدن سعد را فشار داد!

حضرت فرمودند: آری، چون «سعد» با اهل منزلش بد اخلاقی می کرد و فشار قبر نتیجه ی خُلق بد او بود. (۲)

۱۰. ضد ولایت بودن _ هر چند فقط در مورد یک امام باشد

علی بن ابی حمزه بطائنی از فرقه واقفیه بود و از نمایندگان سابق حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) ب_ه حساب می آمد. زم_ان حیات حضرت، سی هزار دینار و جواهرات شرعی از مردم گرفته بود، پس از شهادت حضرت گفت: موسی بن جعفر (علیه السلام) در زندان از دنیا رفته و کسی را بعد از خود تعیین

۱- به نقل از قاموس الرجال، ج ۴، ص ۳۴۳.

۲- کتاب انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۳۶ الی ۱۳۹.

نکرده است که وجوهات را به او تحویل دهم. (با این کار امامت رضا (علیه السلام) را انکار کرد و بر همین روال بود تا مُرد.)

پس از مرگش امام رضا (علیه السلام) از وضع او چنین خبر داد: «ملائکه شب اول قبر در مورد امامان از او پرسیدند: همه را جواب داد تا وقتی نوبت به من رسید امامت مرا منکر شد، ملائکه ضربه ای به او زدند که آتش از قبرش زبانه کشید و تا قیامت گرفتار آن خواهد بود.» (۱)

۱۱. از روی غفلت خنده های مستانه کردن

□ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: از خنده ی زیاد بپرهیز که خنده ی زیاد دل ها را می میراند.

۱۲. عدم بر آوردن حاجت مؤمن

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هر مؤمنی برادر مؤمنش از او حاجتی بخواهد و او بتواند بر آورد و بر نیآورد حقتعالی در قبر بر او مار عظیمی به نام "شجاع" مسلط کند که پیوسته انگشتان او را بگزد. در روایت دیگر آمده است: تا روز قیامت، خواه آمرزیده شده یا معذب باشد او را می گزد.» (۲)

دنباله حدیث در حدیث دیگری چنین آمده: ... و بعد از آنکه از قبر خارج گردد و داخل عرصات و قیامت شود خداوند خودش حاکم است و اختیار به دست اوست، اگر بخواهد او را عفو می کند و اگر بخواهد عذابش می کند.

□ و نیز از امام صادق (علیه السلام) روایت است که فرمودند: «اگر فردی از شیعیان ما بتواند حاجت و مشکل برادر مسلمان خود را بر آورد و کوتاهی

۱- بحار، ج ۶، ص ۲۶۲.

۲- منازل الاخره، بحار، ج ۷۵، ص ۱۷۴.

نماید، خ_داوند او را مبت_لا می کند ب_ه این ک_ه حاجت دشمنی از دشمنان ما را برآورد و به همین جهت در عالم قبر و روز قیامت او را عذاب می کنند.» (۱)

□فرات بن احنف از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که ایشان فرمودند: «اگر مؤمنی قدرت داشته باشد که خدمتی به برادران ایمانی خود بکند و چیزی را که آنان محتاجند به آنان برساند ولی ممانعت کند و به آنان نرساند و از خدمت دریغ کند خداوند در قیامت او را برمی انگیزد در حالی که صورتش سیاه و چشم های او زشت و کبود و دستانش با غل و زنجیر به گردنش بسته شده است و منادی فریاد می زند و او را معرفی می کند به طوری که اهل محشر همه او را می شناسند.

منادی می گوید: این شخص کسی است که به خدا و رسولش «خیانت ک_رده»، بع_د از آن دستور می دهد او را داخل آتش کنند.» (۲)

۱- بحار، ج ۷۵، ص ۱۷۵.

۲- بحار، ج ۷۵، ص ۱۷۴.

حقیقت فشار قبر

فشار قبر مطلبی مادی و فیزیکی نیست. ممکن است فشار قبر بدین دلایل باشد:

□ علت اول: ورود به عالمی کاملاً ناشناخته و جدید.

□ علت دوم: سفری بسیار خسته کننده به عالمی دیگر و دور، خسته کننده از آن جهت که دلبسته دنیا، موقع ترک دنیا مثل معتادی است که مواد را از او گرفته اند.

به هر چیزی که معتاد و دلبسته بشویم، زنده هم که هستیم، اگر دلبستگی هایمان را از ما بگیرند حالتی نزدیک به شدت شب اول قبر را در همین دنیا حس خواهیم کرد.

در برزخ صبحگاه و شامگاه برزخی هست اما چون ماده نیست زمان دنیایی هم نیست. عذاب ها اگر دشوار و طولانی است بـهـ خـاطـر عـظـمـت نسبـی آنـهـ است آن چـنـان کـه هـگـو یا میلیاردها سال طول می کشد.

عوامل رافع عذاب قبر

۱. عمل صالح، اصل مطلب است.

۲. جریدتین:

یعنی دو چوب تر از نخل یا سدر یا انار یا هر چیز دیگر که برگش را کنده باشند، با اندازه ی حدود نیم متر، و الا یک وجب، و الا چهار انگشت، در کنار میت دفن شود.

□ از امام باقر (علیه السلام) پرسیدند: وقتی انسان می میرد چرا جریدتن را با او دفن می کنند؟

حضرت فرمودند: «زیرا تا زمانی که آن دو چوب، تر باشد عذاب از میت برداشته می شود و از او حسابرسی نمی کنند زیرا عذاب قبر و حساب در یک روز و یک ساعت می باشد و آن هم از وقتی است که میت را داخل قبر می کنند تا موقعی که بستگان از سر قبر او برمی گردند اما بعد از خشک شدن آن دو چوب، دیگر میت را عذاب نمی کنند.» (۱)

□ رسول اکرم (علیه السلام) از قبرستانی عبور کرد. دید صاحب قبری را عذاب می کنند، فرمودند: دو چوب تر بیاورید، وقتی آوردند یکی را بالای سر میت و دیگری را پایین پای میت دفن کرد.

از ایشان سؤال شد چرا این کار را انجام دادند؟

حضرت پاسخ فرمودند: «برای اینکه عذاب او تخفیف پیدا کند و تا وقتی این دو چوب، تر باشد او را عذاب نمی کنند.» (۲)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ج_ری_دین که با انسان دفن می شود هم برای مؤمن نفع دارد و هم برای کافر.» (۳)

۳. مرگ در شب و روز جمعه

هر شیعه ای که از ظهر پنجشنبه تا ظهر جمعه از دنیا برود خدا او را از عذاب قبر امان می دهد. شاید فلسفه اش این باشد که در این ایام شیعه منتظر

۱- بحار، ج ۶، ص ۲۱۶.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۱۶.

۳- بحار، ج ۶، ص ۲۱۶.

ظهور دولت عدل است لذا مانند شهید است و عذاب قبری برای او نیست. (بعضی روایات می گویند: کلاً مرگ در روز جمعه چنین حکمی دارد.)

□ ابان بن تغلب از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمودند: «از ظهر پنجشنبه تا ظهر جمعه هر که بمیرد خداوند عذاب و فشار قبر را از او برطرف می کند و برای او برات آزادی از فشار قبر را مقرر می گرداند.» (۱)

□ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «کسی که شب جمعه بمیرد خداوند نامه آزادی و برات از آتش را به او کرامت می نماید و کسی که روز جمعه بمیرد، از آتش جهنم نجات پیدا می کند. و فرمودند: کسی که شب یا روز جمعه بمیرد عذاب قبر از او برداشته می شود.» (۲)

۴. تلقین به میت

وقتی میت را داخل قبر گذاشتند، اگر قبل از آن که بر او خاک بریزند او را تلقین کنند، یکی از دو ملکی که برای حسابرسی آمده اند به دیگری می گوید: «برگرد و داخل قبر نشو زیرا او را تلقین کردند و چیزهایی که می خواستیم از او سؤال کنیم به او یاد دادند و او را آگاه کردند.» (۳)

۵. ریختن آب بر قبر

قبل از گذاشتن سنگ قبر، اگر روی قبر آب بریزند مادامی که خشک نشده عذاب قبر نیست.

□ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اگر آب روی قبر بپاشند تا زمانی که خاک قبر رطوبت داشته باشد صاحب آن را عذاب نمی کنند.»

۱- بحار، ج ۶، ص ۲۳۰.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۲۰.

۳- لئالی، ج ۵، ص ۲۵ و ۲۶.

بعید نیست آب پاشیدن روی قبر تا چهل روز یا چهل ماه مستحب باشد. (۱)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) دستور می دادند روی قبرها آب بپاشند و این سنت زمان حضرت، عملی می شد.

(۲)

□ شیخ عباس قمی نقل می کند: «پاشیدن آب روی قبر هر وقت و هر زمان باشد نیکوست.» (۳)

۶. قرآن خواندن

□ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «کسی که هر روز یا شب جمعه

"سوره نساء" را بخواند از فشار قبر در امان باشد.» (۴)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «یاسین قلب قرآن است، هر کس آن را قبل از خواب یا قبل از غروب آفتاب بخواند از

فشار قبر در امان است.» (۵)

□ ایشان در حدیث دیگری فرمودند: «کسی که به خواندن "سوره زخرف" مداومت کند خداوند او را از فشار قبر و

جانوران زمین ایمن کند.» (۶)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «کسی که هنگام خواب "سوره تکاثر" را بخواند از سختی قبر ایمن گردد.»

(۷)

۱- عروه الوثقی، ص ۱۶۴.

۲- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۰۰.

۳- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۷.

۴- ثواب الاعمال، ترجمه شده، ص ۲۳۵.

۵- ثواب الاعمال، ص ۲۵۰.

۶- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۷.

۷- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۷.

□ خواندن مداوم "سوره الذاریات."

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که "سوره قلم" را در نماز واجب یا مستحب خود بخواند، خداوند او را از فشار قبر ایمن کند.» (۱)

□ خواندن "سوره ملک" بالای قبر میت موجب رفع عذاب از میت می شود. (۲)

□ بهت راست بعد از دفن میت، او را تنها نگذارند، از وصایای زهراى اطهر (سلام الله علیها) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی این بود که فرمودند: «وقتی مرا دفن کردی سر قبرم بنشین و برایم قرآن بخوان.»

میت در آن لحظه سخت به قرآن و ادعیه نیازمند است بخصوص اگر "سوره یس و تبارک" در کنار بدن و قبرش، توسط همه به ویژه نزدیکان او، قرائت شود.

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس در قبرستان "سوره یس" را برای مرده ای بخواند خدا به تعداد تمام قبرهایی که در آن قبرستان است برایش حسنه و امان از عذاب قبر می نویسد.»

"سوره تبارک" نیز سوره ای است که مستقیم و به سرعت به دست مرده می رسد و برای همین هم روح سریعاً احساس آرامش می کند.

۷. نماز وحشت

مستحب است شب اول قبر دو رکعت نماز وحشت به این شکل بخوانند: در رکعت اول بعد از حمد یک بار آیه الکرسی، در رکعت دوم بعد از

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۷.

۲- اقبال الاعمال، ص ۶۵۱.

حمد ۱۰ بار سوره قدر و پس از سلام نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ (۱)»

این نماز را در هر موقع از شب اول قبر می توان خواند. افضل، اول شب بعد از نماز عشا است.

□ سید بن طاووس از حذیفه نقل کرده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «برای میت ساعتی سخت تر از شب اول قبر نیست، پس با دادن صدقه به مردگان خود رحم کنید و اگر چیزی ندارید هر یک از شما دو رکعت نماز برای میت بخوانید.

بعد از آن ساعت، خداوند هزار فرشته که با هر یک از آنها حله ای بهشتی است می فرستد و قبرش را تا روز قیامت توسعه می دهد و به تعداد آنچه خورشید بر آن طلوع می کند به نماز گزار حسنه می دهد و تا چهل درجه او را بالا می برد.» (۲)

ملافتحعلی سلطان آبادی نقل می کند: «از مرگ هر که آگاه می شدم بدون اینکه به دیگران اطلاع دهم دو رکعت نماز شب اول قبر برای آن فرد می خواندم، تا یک روز یکی از دوستانم برایم تعریف کرد: دیشب در خواب، فلان دوستم را که دیروز مُرد دیدم، حالش را پرسیدم گفت: از مرگ تا الآن در شدت سختی بودم تا اینکه ملافتحعلی برایم هدیه ای فرستاد و مرا از آن سختی و ناراحتی که داشتم نجات داد و هدیه اش دو رکعت نماز و دعای خیر

۱- به جای کلمه فلان نام میت ذکر شود.

۲- انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۴۸.

و طلب رحمت و آمرزش برایم بود. سپس دوستم از من سؤال کرد آن چه نمازی بود؟ گفتم: «نماز وحشت» (۱).

۸. نماز خواندن

□ روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از کنار قبری که روز قبل جنازه ای را در آن دفن کرده بودند عبور کردند، دیدند بستگانش در کنار قبر گریه می کنند. به آنها فرمودند: «دو رکعت نماز خفیف که شما آن را کوچک می شمارید برای صاحب قبر با ارزش تر از همه دنیا است.» (۲)

□ عمر بن یزید از امام صادق (علیه السلام) پرسید: می شود برای میت نماز خواند؟

حضرت پاسخ دادند: «بله گاهی میت در فشار و عذاب قبر است و به خاطر نمازی که شما برای او هدیه می کنید در رفاه و امنیت قرار می گیرد و به او گفته می شود: این تخفیف عذاب و رفاه به جهت نمازی است که فلان برادر ایمانی برای تو هدیه کرد.»

وی سؤال کرد: یا بن رسول الله! می شود دو رکعت نماز برای دو میت خواند؟

حضرت فرمودند: «بلی، همان گونه که زنده ها با هدیه شاد می شوند اهل قبرستان و برزخیان با ترحم و استغفاری که نسبت به آنان می شود شاد می شوند.» (۳)

۱- انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۴۸.

۲- مجموعه ورام، ص ۴۵۳.

۳- محجه البیضاء، ج ۸، ص ۲۹۲.

هر شخصی می تواند برای قبر خود این نماز را بخواند و هدیه کند ، ((شب جمعه دو رکعت نماز بخواند در هر رکعت یک بار سوره حمد و ۱۵ بار سوره زلزال قرائت کند.))

□ مداومت بر خواندن نماز جماعت.

۹. دعا

□ نقل است از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که فرمودند: «نزد قبر میّت وقتی که دفن شود سه بار بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَيِّتَ (هذه الميّتة).» خداوند عذاب را از او تا روز دمیده شدن در صور به واسطه ایمنی دادن برمی دارد.»

۱۰. نماز شب

□ امام رضا (علیه السلام) فرمودند: «کسی که نماز شب بخواند و در قنوت وتر ۷۰ بار استغفار کند از عذاب قبر نجات یابد.»

(۱)

نماز شب نوری است در قبر و میزان.

۱۱. رکوع صحیح

□ امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «هر که رکوع نمازش را درست و صحیح انجام دهد و در آن عجله نکند و توجه قلبی به آن داشته باشد خداوند او را از وحشت و عذاب قبر دور می دارد.» (۲)

۱۲. آگاه کردن مردم

□ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «کسی که مستضعفان فکری و دینی را تقویت کند و آنها را در برابر مخالفان ما عالم و آگاه کند در عالم برزخ مورد

۱- بحار، ج ۸۷، ص ۱۶۱.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۴۴.

لطف و رحمت خداوند قرار می گیرد و عقاید حقه را به او تلقین می کنند و قبر او را به صورت بهترین باغ های بهشت در می آورند و عذاب قبر را از او برطرف می کنند.» (۱)

۱۳. یاد دادن و یاد گرفتن خیر

□ حدیث قدسی: «أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى: يَا مُوسَى! تَعَلَّمِ الْخَيْرَ وَ عَلَّمَهُ النَّاسَ فَإِنِّي مُنَوِّرٌ لِمُعَلِّمِي الْخَيْرِ وَ مُتَعَلِّمِيهِ قُبُورَهُمْ حَتَّى لَا يَسْتَوْحِشُوا بِمَكَانِهِمْ.» (۲)

خداوند متعال به موسی (علیه السلام) وحی کرد: ای موسی! خیر را بیاموز و آن را به مردم بیاموزان، من نورانی کننده ی قبر تعلیم دهندگان و تعلیم گیرندگان خیر و خوبی هستم تا در آن جایگاه وحشت نکنند.

۱۴. حج

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که چهار مرتبه حج انجام دهد هرگز فشار قبر به او نرسد.» (۳) و ایشان در حدیث دیگری فرمودند: «آرزوی کسی که در قبر آرمیده آن است که کاش به جای دنیا و آنچه در دنیاست، یک حج برای او بود.» (۴)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «زائران بیت الله (از حیث بهره بردن از حج خود) سه گروهند:

(۱) گروهی که نصیب و بهره این ها از همه بیشتر است؛ "برای همیشه" از آتش جهنم آزاد می شوند و از عذاب قبر در امانند.

۱- بحار، ج ۶، ص ۲۸۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۴۷۴.

۳- خصال صدوق، ج ۱، ص ۴۶.

۴- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۵.

(۲) کسانی که گناهان گذشته آنها بخشیده می شود، ولی نسبت به آینده باید مواظب خود باشند.

(۳) گروهی که نصیب این ها از همه کمتر است؛ در اهل و مال خود محفوظ می مانند (اما سود اخروی نمی برند).» (۱)

۱۵. با فقر و بدخلقی شوهر ساختن

□ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «سه طایفه از زنان امت عذاب و فشار قب ر ن دارند و در قیامت ب ا حضرت زه را (سلام الله علیها) محشور می شوند: «زنی که با فقر شوهرش بسازد و توقع بی جا از او نکند، زنی که با بدخلقی شوهر و تندی او بسازد و صبرش را از دست ندهد، زنی که برای رضای خدا مهریه خود را به شوهر ببخشد.» (۲)

۱۶. صبر

وقتی کسی مُرد و در قبر گذاشته شد اعمالش به سراغش می آیند. صبر گوشه ای می ایستد و نظر می کند که اعمال فرد برای میت چه کاری می توانند بکنند، آیا می توانند او را نجات دهند؟ سپس صبر، به نماز و دیگر اعمال می گوید: «این میت را به شما می سپارم او را حفظ کنید و اگر نتوانستید من او را نگاه می دارم.» (۳)

۱۷. صدقه دادن برای سكرات و لحظه مرگ و شب اول قبر

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «میت در قبر هم چون انسانی است که در حال غرق شدن است و هر لحظه منتظر رسیدن کمکی به خود است. میت

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۶۲.

۲- مواظظ العددیه، ص ۷۵.

۳- انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۵۱.

چشم به صدقه و دعای زنده ها دارد همین که می بیند شخصی برای نجات او دعای خیر و استغفار کرد یا صدقه داد شادتر می شود از اینکه همه دنیا را به او بدهند.»

و فرمودند: « برای میت سخت تر از شب اول قبر نیست، پس بر مردگان خود، بواسطه صدقه دادن و هدیه فرستادن برای آنها، رحم کنید.» (۱)

و نیز فرمودند: «اگر کسی برای میت صدقه دهد خداوند به جبرائیل امر می کند همراه با هفتاد هزار فرشته که در دست هر کدام طبقی از نور باشد بر قبر میت وارد شوند و بگویند: سلام و درود بر تو ای دوست خدا! این هدیه ای از فلان شخص به سوی توست، و قبر او پر نور می شود.»

همچنین فرمودند: «صدقَه ای کَه انسان ب_رای ام_وات می دهد ملک_ی از جانب خ_دا آن را می گی_رد و در طبقی از ن_ور می گذارد، سپس کنار قبرستان می آید و ف_ریاد می زن_د: سلام ب_ر شما، بازماندگانِتان برایتان ه_دی_ه فرستاده اند، ام_وات هم آن طب_ق را می گیرند و داخل قبر خود می کنند و به این وسیله قبرشان وسیع و پر نور می شود.»

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ارواح مؤمنان هر شب جمعه اطراف خانه های خود می آیند و با هزار حسرت و ان_دوه ف_رزندان و خویشان خود را می خوانند و می گویند: ای فرزندان و عزیزان! ای دوستان و خویشان! بر ما شفقت و رحمت کنید زیرا ما در زندانی محکم و استوار، و در غم و محنت سخت گرفتاریم، اگر می توانید برای ما هدیه ای بفرستید و صدقه ای زیبا دهید. آنچه اکنون در دست شماست پیش از این در دست ما بوده است، ما برخویشتن رحم نکردیم و برای درماندگی خود چیزی از پیش نفرستادیم و

الآن محتاج شما شده ایم، ما را نا امید نکنید تا خداوند شما را از رحمت خود محروم نفرماید. اگر کسی ب_رای ایشان خیرات و صدقات فرستد خوشحال می شوند و اگر توجهی به آنها ننماید با ناامیدی و حسرت باز می گردند.» (۱)

□ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «ب_رای م_ردگان خ_ود ه_دیه بفرستید.

پرسیدند: چه هدیه ای بفرستیم؟

حضرت فرمودند: «صدقه و دعا»، ارواح مؤمنین هر جمعه به آسمان دنیا می آیند، مقابل منزل های خود می روند و هر کدامشان با گریه و صدای غمناک فریاد می زنند: «ای اهل من! ای پدر و مادر و خویشان من! بر ما مهربانی کنید به آنچه در دست ما بود و اکنون عذاب و حساب آن بر ما و نفعش برای غیر ماست. و هر یک با فریاد، خویشان خود را صدا می زنند که بر ما به درهمی یا قرص نانی یا جامه ای ترحم کنید که خداوند شما را از جامه بهشت بپوشاند»، پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گریست و ما هم گریستیم و آن جناب از فرط گریه قدرت سخن گفتن نداشت. سپس فرمودند: این ها برادران دینی شماست که بعد از سرور و نعمتی که داشتند در خاک پوسیده شدند. پس ندا می کنند: وای بر ما! اگر آنچه که در دست ما بود در راه طاعت و رضای خدا انفاق می کردیم دیگر به شما محتاج نبودیم، پس بر می گردند به آن حسرت و پشیمانی، در حالی که فریاد می زنند برای مردگان صدقه بفرستید.

۱۸. شهادت به نفع میّت

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اگر چهل نفر بر جنازه ای وارد شوند و بگویند: «اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا» خداوند در جواب می فرماید: شهادت

شما را درباره بنده خود قبول کردم و آنچه که خود درباره گناهان او می دانستم همه را بخشیدم و او را عفو کردم.» (۱)

۱۹. اولاد صالح

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «عیسی بن مریم (علیه السلام) در مسیر خود به کنار قبری رسید، فرمود: خدایا! سال قبل دیدم صاحب این قبر را عذاب می کردند اما الآن دیگر عذاب نمی شود، چرا؟»

پاسخ آمد: یا عیسی! اولاد صالحی از او باقی مانده بود، امسال او بزرگ شده و جاده ای را اصلاح و تعمیر کرده و یتیمی را پناه داده است. خداوند گناهان پدر او را به واسطه اعمال صالح فرزندش که انجام داده بود بخشید و عفو نمود.» (۲)

□ در روایت دیگری علت عدم عذاب قبر پدری را چنین بیان فرمودند: که وقتی معلمی بسم الله گفتن را به کودکش یاد داد خداوند متعال فرمود: «خجالت کشیدم او را عذاب کنم در حالی که آن کودک روی زمین اسم مرا به زبان جاری کرده است.» (۳)

۲۰. زیارت امام حسین (علیه السلام)

□ استمرار بر خواندن زیارت عاشورا.

□ تأکید بر زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در هر شب جمعه.

□ عبید بن کعب نقل می کند: دیدم حسین (علیه السلام) در دامن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نشسته و حضرت او را می بوسد و می بوید، عرض کردم: یا رسول الله! حسین را خیلی دوست دارید؟

۱- انسان از مرگ تا برزخ، حکایات در این باب، ص ۱۵۶.

۲- بحار، ج ۶، ص ۱۲۰.

۳- لئالی الاخبار، ج ۴، ص ۲۶۹. انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۵۸.

فرمودند: «اهل آسمان حسين را بيش از اهل زمين دوست دارند، عزت، عظمت، شأن حسين، نفوذ و سلطنت او و ساير ائمه (عليهم السلام) در عالم قبر و برزخ و قيامت آشكار مي گردد.» (۱)

۲۱. محبت و زيارت اهليت (عليهم السلام)

□ امام رضا (عليه السلام) فرمودند: «از مواردی که به زیارت زائرم می آیم شب اول قبرست.»

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «محبت به من و اهلیتم در هفت موقف بسیار هولناک، نجات بخش است:

۱. هنگام مرگ و حضور فرشته مامور قبض روح.

۲. هنگام بازجویی در برابر فرشتگان مسئول برزخ در شب اول قبر.

۳. هنگام زنده شدن مردگان در قیامت.

۴. هنگام باز شدن پرونده عمل در برابر انسان در قیامت و یا زمانی که پرونده عمل هر شخصی را به دستش می دهند.

۵. هنگام حساب و حضور در دادگاه عدل الهی.

۶. هنگام سنجش افکار و اعمال انسان با معیارهای حق و الگوهایی که در آن روز است.

۷. هنگام عبور از صراط و پلی که بر روی دوزخ نهاده شده است.» (۲)

۱- برزخ، دستغیب، ص ۱۳۳.

۲- بحار، ج ۷، ص ۲۴۷.

۲۲. صلوات بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)

ابن علقمه گوید: «روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نماز صبح را با ما به جا آوردند، سپس متوجه ما شدند و فرمودند: دیشب عمویم حمزه و پسر عمویم جعفر را در خواب دیدم ... از آنان پرسیدم: کدام عمل در عالم برزخ و آخرت از همه اعمال با فضیلت تر است؟»

گفتند: یا رسول الله! پدر و مادرمان به فدای شما باد، بهترین عمل در اینجا سه عمل است:

□ درود و صلوات فرستادن برای شما،

□ آب دادن به مردم تشنه و رفع تشنگی از آنها کردن،

□ دوستی علی بن ابیطالب را در دل داشتن. (۱)»

حضرت عزرائیل روزی پنج نوبت به هر خانه ای سر می زند. (ظاهراً اشاره به پنج نوبت نمازهای واجب است.) اگر صلوات به حضرت عزرائیل هدیه کنید سبب دوستی او با شما خواهد شد و در لحظه مرگ بر شما آسان می گیرد.

□ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «بـر مـن زیـاد صلوات بفرستید، زیرا صلوات فرستادن بر من سبب نور در قبر و صراط و نور در بهشت می شود.» (۲)

سه چـیز در نـامه اعمـال انسان سنگین تـرین است: «تسبیحات اربعه، صلوات، مرگ فرزند عزیز و صالحت که در جوانی آن را از دست داده باشی.»

۲۳. دفن در نجف

□ از حضرت علی (علیه السلام) پرسیدند: اگر کسی در جوار شما دفن شود عذاب قبر دارد؟

۱- دارالسلام نوری، ج ۱، ص ۶۳.

۲- بحار، ج ۷، ص ۲۴۸.

حضرت پاسخ دادند: «کدام ملک است که جرأت دارد از مهمانی که در جوار من خوابیده سؤال و جواب کند.»

□ روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وادی السلام نگاه کردند و فرمودند: «چه نیکوست منظره ات و چه خوشبوست درونت، خدایا! قبر مرا در آنجا قرار بده.» (۱)

۲۴. خواندن این دعا

□ رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس هر روز ده بار این دعا را بخواند حقتعالی چهار هزار گناه کبیره ی او را بیامزد و او را از سکرات مرگ و فشار قبر و صد هزار هول قیامت نجات دهد و از شر شیطان و لشگریان او محفوظ ماند و قرضش ادا و غمش زایل گردد.»

«أَعَدَدْتُ لِكُلِّ هَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لِكُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لِكُلِّ نِعْمَةٍ أَلْحَمِدُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ رِخَاءٍ الشُّكْرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ أَعْجُوبَةٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَسْتَغْفِرُ لِلَّهِ وَ لِكُلِّ مُصِيبَةٍ أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَ لِكُلِّ ضَيْقٍ حَسِبِي اللَّهُ وَ لِكُلِّ قَضَاءٍ وَ قَدَرٍ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لِكُلِّ عَدُوٍّ إِعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ وَ لِكُلِّ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.» (۲)

۲۵. شاد کردن قلب مومن، و از جمله دادن لباس به او

۲۶. ذکر

□ روزی صد بار «لا اله الا الله الملك الحق المبين»

□ خواندن آیه الکرسی

۱- الانسان، ص ۱۵. انسان از مرگ تا برزخ، حکایت ص ۱۶۴.

۲- مفاتیح الجنان، دعای اهل قبور.

۲۷. خدمت به مساجد

□ از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمودند: بر در ششم بهشت نوشته است: لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، هر کس می خواهد قبرش وسیع باشد به مسجدها رفت و آمد کند، هر کس می خواهد بدنش در قبر طعمه کرم ها نشود مسجد را جارو کند، هر کس می خواهد لحدش تاریک نباشد مسجد را روشن کند، هر کس می خواهد بدنش در گور تازه بماند برای مسجد فرش تهیه کند. (۱)

۲۸. عبور عالم از شهری

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اگر عالم یا طالب علمی از یک ده یا شهر اسلامی عبور کند خداوند چهل روز عذاب از قبور آنها برمی دارد هر چند از یک طرف وارد و از طرف دیگر خارج شود و از طعام و شراب آنها هم نخورد.» (۲)

۱- نصایح، ص ۲۷۶.

۲- نصایح، ص ۷۲، ح ۱۱۰.

سوگاتی های مرگ

مردی خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: اجازه می فرمایید من آرزوی مرگ کنم؟

حضرت فرمودند: «مرگ چاره ای ندارد اما مسافرت درازی است که

هر کس خواست برود باید ده تحفه با خود ببرد.»

پرسید: چه تحفه هایی؟

فرمودند: «برای عزرائیل، قبـر، نکـیـر و منکـر، میـزان، پـل صراط، دربان دوزخ، دربان بهشت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، جبرائیل و خداوند متعال؛

□ برای عزرائیل چهار چیز: رضایت ذوی الحقوق، قضای نمازها، اشتیاق به خدا، آرزوی مرگ.

□ برای قبر چهار چیز: ترک سخن چینی، استبراء از بول (۱)، تلاوت قرآن، نماز شب.

□ برای نکیر و منکر چهار چیز: راستگویی، ترک غیبت، حق گویی، فروتنی برای همه.

□ برای میزان چهار چیز: فرو خوردن خشم، تقوای راستین، رفتن به جماعت ها، دعوت مردم به کارهای خیر.

□ برای صراط چهار چیز: اخلاص، خوشخوئی، ذکر زیاد، تحمل آزار دیگران.

□ برای دربان دوزخ چهار چیز: گریه از خوف خدا، صدقه مخفی، ترک گناه، خوش رفتاری با پدر و مادر.

۱- یعنی خود را از ترشحات ادرار، پاکیزه کردن.

□ برای دربان بهشت چهار چیز: صبر در ناملايمات، شکر نعمت، صرف مال در راه خدا، رعایت امانت در مال وقف.

□ برای پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چهار چیز: دوستی پیغمبر، پیروی از سنت او، محبت اهلیت او، عفت زبان.

□ برای جبرائیل چهار چیز: کم خوری، کم خوابی، ادامه ی شکر (چهارمین مطلب افتاده است).

□ برای خداوند چهار چیز: امر به معروف، نهی از منکر، خیرخواهی برای مردم، مهربانی با همه. (۱) «

توبه از گناهان

پیرزنی خدمت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و سؤال کرد: یا رسول الله! احوال ما در قبر چگونه خواهد بود، از کثرت گناه چه کنیم؟

حضرت پاسخ دادند: «بازگشت از گناه و به سوی خدا روی آوردن که به این وسیله خداوند انسان را می آمرزد و از خطای او صرف نظر می کند و از عذاب قبر نجات می دهد.»

خداوند در قرآن می فرماید: «وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا» (۱)

پرسید: یا رسول الله! گناه_ان_م_را در نامه اعمالم نوشته و ثبت کرده اند و راه فراری از آنها ندارم چه_ه_کنم؟

فرمودند: ناراحت نباش، خداوند آنها را محو و نابود می کند «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (۲)

گفت: ی_ا_رسول_الله! مک_انی_که_ه_در_آن_گناه_ک_رده_ام_فردای_قیامت_علیه_من_گواهی_می_دهد_آن_را_چه_کنم؟

فرمودند: زمین را به زمین دیگر بدل کنند «يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ» (۳)

پرسید: یا رسول الله! آسمانی که بر سرم سایه انداخته فردای قیامت در حق من و علیه من شهادت می دهد، با آن چه کنم؟

۱- سوره فرقان، آیه ۷۱. «و هر کس توبه کند و نیکوکاری کند، البته به نزد خدا باز می گردد.»

۲- سوره رعد، آیه ۳۹. «خدا آنچه را خواهد محو می کند و [آنچه را خواهد] تثبیت می کند، و اصل کتاب نزد اوست.»

۳- سوره ابراهیم، آیه ۴۸. «روزی که زمین به زمین دیگر مبدل شود.»

فرمودند: فردای قیامت آسمان را مثل طومار می پیچند. «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ». (۱)

پیرزن گفت: بـا شرم و حیایی که در چشم_انم دارم چه کنم که از عهده آن نمی توانم برآیم؟

وقتی حضرت این سخن را شنیدند گریستند و فرمودند: «حیاء واقعی حیای از خداوند است. پیرزن هم گریست». (۲)

از دید قرآن و روایات، «برزخ» و «قبر» یک چیزند که گاهی از آن به «عالم قبر» و گاهی به «جهان برزخ» یاد می شود.

بنابراین اگر میّت را دفن نکنند باز هم برزخ و سؤال و جواب قبر دارد. (۳)

با حقیقت نمی شود شوخی کرد

جابر بن عبدالله انصاری از امام سجاد (علیه السلام) نقل می کند: «ما نمی دانیم با مردم چگونه رفتار کنیم؛ اگر آنچه از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به ما رسیده برای آنها بگوییم می خندند و اگر ساکت بمانیم طاقت نمی آوریم.» ضمیره بن سعید وقتی سخن آقا را شنید با اصرار گفت: آنچه به شما رسیده است برای ما بگو. امام (علیه السلام) فرمودند: «آیا می دانید وقتی دشمن خدا را روی سریر (تابوت) گذاشته و برای دفن به سمت قبرستان می برند چه می گوید؟»

ضمیره پاسخ داد: خیر.

۱- سوره انبیا، آیه ۱۰۴. «روزی که آسمان را چون طومار نوشته ها در هم می پیچیم.»

۲- انسان از مرگ تا برزخ، ص ۱۶۶.

۳- تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی، ج ۴، ص ۲۲۲.

حضرت فرمودند: «دشمن خدا به حاملان جنازه اش می گوید: آیا شکایتی را که اکنون من از شیطان به شما می کنم نمی شنوید؟ دشمن خدا مرا گول زد و در مهالک و مخاطر وارد کرد و دیگر دست مرا نگرفت و بیرون نیاورد. از شما و برادرانی که با آنها براساس برادری رفتار کردم ولی آنها مرا مخدول و بی یاور گذاردند شکایت دارم، از خانه ای که تمام اموال خود را دادم و آن را تهیه کردم و اینک مسکن دیگران شده است شکایت دارم پس مدتی با من مدارا کنید و این طور با عجله مرا نبرید.»

ضمهره (به مسخره) گفت: اگر مرده ای که حمل می کنند چنین سخن می گوید ممکن است به حاملین خود حمله کند و برگردن آنها سوار شود!

امام سر بر آسمان برداشتند فرمودند: «پروردگارا! اگر ضمهره این سخن را از روی استهزاء و تمسخر به حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گفت او را به دست غضب خود بگیر.» جابر نقل می کند: بعد از آن ضمهره چهل روز بیشتر زنده نماند و پس از مرگش یکی از غلامان شرکت کننده در تشییع جنازه او خدمت امام سجاد رسید و نشست.

امام سجاد (علیه السلام) پرسیدند: «فلانی، از کجا آمده ای؟» پاسخ داد:

«از تشییع جنازه ضمهره، همین که قبر را از خاک پر کردند صورت خود را روی قبر نهادم قسم به خدا صدایش را شنیدم با همان لهجه و لحنی که در دنیا داشت می گفت: وای بر تو ای ضمهره! امروز تمام دوستان تو را رها کردند و تنها گذاردند و عاقبت مسیر تو به سوی جهنم شد. آنجا مسکن و خوابگاه شب و استراحتگاه روز تو خواهد بود.»

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: «ما از خداوند طلب عافیت می کنیم، این است سزای کسی که حدیث رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را مسخره کند.» (۱)

کی به زیارت مردگانمان برویم؟

۱) عبدالله بن سلیمان از امام باقر (علیه السلام) سؤال کرد: «آیا به زیارت اهل قبور بروم؟»

حضرت پاسخ دادند: «بله، چون روز جمعه شود آنان را زیارت کن، زیرا هر کدام از آنان در تنگی و ناراحتی باشند در بین الطلوعین گشایش می یابند در این موقع هر کس به زیارت آنها رفته باشد آنها بدان علم و اطلاع پیدا می کنند ولی وقتی آفتاب طلوع کرد دیگر قادر به توجه به امور دنیا و زیارت اهل خود نیستند.»

پرسید: «آیا آنان از کسانی که به زیارت قبورشان می روند آگاه می شوند و از دیدن آنها خوشحال می شوند؟» حضرت پاسخ فرمودند:

«آری و نیز از بازگشت زائرین به محل و خانه خود وحشت می کنند و ناراحت می شوند.» (۲)

۲) در روایات آمده است: پیامبر اسلام و ائمه معصومین (علیهم السلام) هر پنجشنبه شب با جمعی از مردم به زیارت مردگان می رفتند و در قبرستان بقیع

و وادی السلام برای اموات دعا و طلب آمرزش می کردند. (۳)

۱- معاد شناسی، ج ۲، ص ۲۹۳.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۵۶.

۳- انسان از مرگ تا برزخ، صالح آبادی، ص ۷۶.

۳) روزهای شنبه، دوشنبه، پنجشنبه و جمعه بین الطلوعین ارواح هم سلام را می شنوند و هم بدان پاسخ می دهند، آفتاب که طلوع کرد سلام را می شنوند اما جواب نمی دهند. (۱)

کی مرده به زیارت می آید؟

□ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «پس از جدا شدن روح از جسد و دفن جنازه، میت سه روز بعد، از خدا می خواهد: «خدایا به من اجازه بده بروم دیداری از جسدم داشته باشم و بینم چه بر سرش آمده است»، پنج روز بعد باز اذن ملاقات می گیرد، سپس هفت روز بعد، سپس یک ماه بعد، می آید، تا یک سال اطراف قبر می گردد و نگاه می کند چه کسانی برای او طلب استغفار می کنند، چه کسانی برای او محزون و ناراحتند، پس از اتمام یک سال روح به جایی که همه ارواح در آنجا اجتماع کرده اند می رود تا روزی که در صور دمیده شود و همه مردگان دوباره زنده شوند.» (۲)

□ حفص بن بختری از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: «بعضی مؤمنان هفته ای یک بار، روز جمعه به زیارت و ملاقات اهل خود می آیند، بعضی دیگر بر حسب مقدار عملشان می توانند آنان را ملاقات و زیارت کنند.» (۳)

□ ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: «هیچ روح مؤمنی و کافری نیست مگر آنکه در هنگام ظهر به دیدار اهل خود می رود اگر دید

۱- نشان از بی نشان ها، ص ۵۱۶.

۲- لئالی، ج ۴، ص ۲۵۳.

۳- بحار، ج ۶، ص ۲۵۶.

اهلش به اعمال نیک مشغول است، حمد و سپاس خدای را بر این نعمت به جای می آورد. (اگر کافر باشد برایش موجب حسرت و ندامت می شود.)» (۱)

اسحاق بن عمار از موسی بن جعفر (علیه السلام) درباره ارواح گذشتگان سؤال کرد که آیا آنها اهل خود را ملاقات می کنند؟

حضرت فرمودند: بله

اسحاق پرسید: چند وقت یک بار؟

حضرت پاسخ فرمودند: «در هر جمعه و در هر ماه و در هر سال یک بار به حسب مقام و منزلت مؤمن.»

سؤال کرد: به چه صورتی؟

حضرت در پاسخ فرمودند: «به صورت پرندگان لطیفی که خود را به دیوارها می زنند و از اهل خود آگاه می شوند پس اگر آنها را در خیر و خوبی مشاهده کنند خوشحال می شوند و اگر در حال بد و حاجتمندی و اندوه بنگرند غمناک و ناراحت می گردند. (همان طور که پرندگان روی دیوار خانه تان می نشینند و به آسانی رفت و آمد می کنند روح مؤمن هم به خانه خود سرکشی می کند.)»

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وقتی روز جمعه یا عید قربان یا عید فطر شود حقتعالی به رضوان (ملک بهشت) می فرماید: روح مؤمنان و اولیاء را که در غرفه های بهشت ساکنند صدا بزنند که خداوند شما را مرخص فرموده که به زیارت دوستان خود از اهل دنیا بروید... سپس به صحرای نجف اشرف رسند و از آنجا هر یک به شهر و دیار خود روند و یاران خود را ببینند و چند

ملک همراه ایشان هستند که امور مکروه و ناخوشایند را از آنها پنهان می کنند تا از دیدنش غمگین نشوند و نزد قبرهای خود می آیند و آن را زیارت می کنند، و وقتی اهل دنیا از نماز جمعه و عیدها فارغ شده به خانه های خود برمی گردند جبرائیل ندای الرحیل سر می دهد تا روح ها به منازل رفیعه خود برگردند.»

مردی از اهل مجلس گریست و گفت: فدایت شوم! آنچه فرمودی حال مؤمنان است، حال کافران چه؟

حضرت فرمودند: «بدن های ایشان در زیر خاک لعنت شده است و ارواح خبیث آنان معذب است و در وادی برهوت قرار دارد تا قائم آل محمد (عجل الله لولیک الفرج) ظهور کند. آنگاه ارواح خبیث ایشان را به بدن های ملعونشان برمی گردانند و در رجعت گردنشان را می زنند، سپس آنان را به جهنم می برند و تا ابد معذبند.» (۱)

برزخ

برزخ: در لغت یعنی حائل میان دو شیء.

قبر: مرقد، محل قرار و آرام گرفتن و استراحت.

برزخ نسبت به قیامت مثل خواب است نسبت به بیداری، آغاز برزخ از سکر است تا قیامت.

□ برزخ، عالم بازداشتگاه است، در آن عالم انسان بازداشت می شود تا یوم الحساب به حساب او برسند. سؤالات اولیه برزخ سؤالات بازپرسی برای روشن شدن پرونده فرد است.

□ موقع پاسخ به سؤالات ملائکه، استحضار ذهن لازم است، ملک به او نهیب می زند تا او را آماده سؤال و جواب کند، آنچه در صحیفه نفس وی نوشته شده است همه را به خاطرش می آورد. سنخ سؤال و جواب برزخ، از سنخ همان عالم است.

صورت فرشتگان عالم برزخ را نیت و اعمال خود فرد تعیین می کند انسان با عقاید و نیت ها و اعمال خوب و بد خود صورت دو ملک را می سازد.

□ سلاطین عالم برزخ، سه تن هستند: سلطان حس (ملک رومان)، سلطان نفس (ملک فتان)، سلطان عقل (بشیر و مبشر یا نکیر و منکر).

ملک رومان، سلطان حس است، آنچه از حس سر زده محکوم به حکم اوست ولی صورت آن برزخی است. در اینجا به نامحرم نگاه کرده ای، فاصله میان چشم و شیء محسوس، نور است ولی در آن عالم، نار و آتش است، در اینجا میل به نزدیکی و وصال داری اما آنجا جوری کریه المنظر است که آرزو می کنی «یا لیتَ بَینَی و بَینَکَ بَعْدَ المَشرِقَینِ» (۱)

در اینجا مرغ بریان حرام خوردی و تمام حواس بدنت از آن متلذذ بود، در آنجا مرغ بریان، آتش است و تمام حواس معذب. ملک فتان، اعمال قلبی را امتحان می کند و سنگینی و سبکی وجود انسان را نشان می دهد. می بیند این شخص در دنیا دارای ملکه صبر بوده است یا نه، ملکه عفت، حیا، عدالت و ... داشته است یا نه. اگر دارا بود فردی وزین و عظیم الشان است و اگر نه، فردی سبک و بی وزن است.

عظیم ترین سلاطین عالم برزخ، سلطان عقل است که به اعتبار مواجه شدنش با مؤمن که عقاید صحیح و معارف حقه دارد بشیر و مبشر است و به اعتبار مواجه شدنش با منافق و کافر که دارای عقاید باطل و فاسد هستند، نکیر و منکر است.

معلوم می شود مایحتاج ما در عالم برزخ، اعمال صالح، عقاید صحیح و اخلاق حسنه است که در آن عالم، درست و نادرست آنها نمایش داده می شود، ولی چهره ی ملکوتی معارفی که در عبادت و عبودیت است در عالم قیامت کبری، ظاهر خواهد گردید. (۱)

□ تمثالت عالم برزخ برای همه افراد یک جور نیست گاهی اعمال خیر به صورت فردی زیبا و نورانی دیده می شود که از قبر خارج می شود، برای کس دیگر ممکن است جور دیگری باشد.

چرا بدن نمی پوسد؟

نپوسیدن بدن ممکن است به علت های طبیعی و غیرطبیعی باشد:

(۱) علت طبیعی: مومیایی کردن

در این روش هوا از منطقه اطراف بدن تخلیه می شود و این کار مثل ایجاد عایق در اطراف بدن می باشد و نیز وضعیت قبر اگر جوری باشد که باکتری های هوا و خاک روی بدن اثر نداشته باشند، جسد مدت ها در قبر سالم باقی می ماند.

(۲) علت غیرطبیعی: عظمت روح

روح پر عظمت، در زمان حیات دنیائی اش بدن را تابع خود می کرد پس از مرگ نیز هم چنان بدن را تابع خود می کند.

□ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هر کس موفق شود چهل جمعه پشت سر هم غسل کند بدنش در قبر نخواهد پوسید.» (۱)

□ ارواح در عالم برزخ دو روز ملاقات رسمی دارند:

□ عید قربان

□ عید فطر

□ برزخ مرحله آمادگی است برای قیامت که روزی است بس دشوار.

□ غالب مردم پس از مرگ چشم و گوششان باز می شود و بسیاری از رازهای نهان را می بینند و می شنوند. با این وجود اسرار نهفته زیادی نیز وجود دارد (سیر قدر، اسماء الحسنی، آنچه مربوط به قیامت کبری است...) که در برزخ روشن نمی شود و وقتی انسان وارد صحنه قیامت کبری شد،

هویدا می گردد. قیامت «یوم تبلی السرائر» است؛ روزی که اسرار عیان می شود.

یکی از فرق های نظام برزخ با قیامت همین است که موقف برزخ مرحله شهود محض نیست.

□ برزخ تتمه دنیا است. آثار اعمال آنجا به انسان می رسد. برخی از مستضعفان در دین و عقاید نیز که از دنیا رحلت کرده اند اگر معاند نباشند در برزخ به مرور به تکامل می رسند و تحت تعلیم قرار می گیرند.

در برزخ ولایت انسان را کامل می کنند و افراد ناقص و اولاد مؤمنانی که سقط شده یا در سن کودکی از دنیا رفته اند را به تکامل می رسانند، پاره ای از کمبودهای تعلیم و تربیت افراد مؤمن هم جبران می شود.

□ امام کاظم (علیه السلام) به حفص فرمودند: «ماندن در دنیا را دوست داری؟»

گفت: بله

حضرت سؤال کردند: چرا؟

گفت: برای خواندن قل هو الله احد

امام لحظه ای سکوت فرمود، سپس فرمودند: «ای حفص! هر که از دوستان و شیعیان ما بمیرد و قرآن را خوب یاد نگرفته باشد فرشتگان آن را در قبر به او یاد می دهند و او را در خواندن قرآن کامل می گردانند. خداوند می خواهد به این وسیله درجات شیعیان را بالا ببرد چون درجات بهشت برابر با آیات قرآن است.

در قیامت به انسان گفته می شود قرآن بخوان و بالا برو، او نیز قرآن می خواند و در درجات بهشت بالا می رود.» (۱)

□ مرحوم محمدشوشتری، در عالم خواب به دوست عالم خود می گوید: وقتی من از دنیا رفتم، ملک الموت روح مرا با کمال محبت به سوی خاندان عصمت و طهارت برد. در همان لحظات اول متوجه شدم روحم از نظر کمالات ناقص است و هنوز بعضی از صفات رذیله و پست در من وجود دارد و نباید به خود اجازه دهم با داشتن آن صفات در میان خوبان باشم. حال من چونان کسی بود که بخواهد با لباس چرکین و دست و صورت آلوده به مجلس بزرگان وارد شود و همنشین آنان شود. به مجرد آنکه در خود احساس شرمندگی کردم، یکی از اولیاء خدا، نظافت و تزکیه روح مرا به عهده گرفت و از آن روز مانند شاگردی که به مدرسه می رود پیش او مشغول تحصیل کمالات روحی شدم. قرار شد اول خودم را با راهنمایی آن ولیّ خدا از صفات رذیله پاک کنم سپس اعتقاداتم را تکمیل نمایم و خود را به کمالات روحی برسانم تا لیاقت معاشرت با ائمه اطهار (علیهم السلام) را پیدا کنم. در این بین گفت: ای کاش! این کارها را در دنیا انجام داده بودم که دیگر اینجا معطل نمی شدم زیرا انسان تا لذت مجالست با خاندان عصمت را نچشد نمی تواند بفهمد که چقدر معاشرت با

آنها ارزش دارد. وقتی لذت معاشرت با ایشان را احساس کرد به او می گویند باید مدت ها از ما دور باشی تا خودت را تمیز و اصلاح کنی آن وقت فراق از آنان عذابی بس دردناک است.

دوست مرحوم می گوید: اینجا آقای شوشتری شروع کرد به گریه کردن و گفت: به شما توصیه می کنم هر چه زودتر نفس خود را تزکیه کنید و خود را به کمالات روحی برسانید تا اینجا راحت باشید. (۱)

□ میزبان انسان در قبر، عقیده، صفات و اعمال خود اوست. انسان میزبانش را با خودش به خانه قبر می برد.

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وقتی آدمی وارد قبر و برزخ شد برزخیان به دیدار او می شتابند و اندکی او را آرام می گذارند تا به خود آید زیرا از هول بزرگی گذشته و گردنه خسته کننده قبر، سؤال و فشار را پشت سر نهاده است، سپس به او نزدیک شده از حال دوستان و یاران پرس و جو می کنند. اگر در پاسخ بگوید فلانی هنوز در دنیاست امیدوار می شوند که بعد از مرگ به آنان پیوندند و اگر گفت قبلاً در گذشته، گویند: سقوط کرد (یعنی گرفتار عذاب الهی شد) و اگر نه او را نزد ما می آوردند.» (۲)

□ عمر بن یزید از امام صادق (علیه السلام) پرسید: برزخ چیست؟

فرمودند: «الْقَبْرُ مِنْذُ حِينَ مَوْتِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (۳)، «همان قبر است از زمانیکه میمرد تا روز قیامت».

۱- عالم عجیب ارواح، ص ۲۱۳.

۲- بحار، ج ۶، ص ۲۴۹.

۳- نورالثقلین، ج ۳، ص ۵۵۴.

از هنگام مرگ انسان وارد برزخ می شود خواه او را در زمین دفن کنند یا وی را با آتش بسوزانند یا غذای درندگان شود یا در دریا غرق گردد.

بدن برزخی

بدن برزخی از یکسو متناسب است با عقیده، اخلاق و اعمال و از سوی دیگر، با عالم برزخ تناسب دارد.

□ یونس بن ظبیان از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: «هرگاه خداوند روح مؤمنی را قبض کند روحش را در قالبی همگون قالب دنیوی او قرار میدهد و هر گاه کسی بر ارواح مؤمنین وارد گشت، او را به همان صورتی که در دنیا داشته است می شناسند.» (۱)

□ ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره ارواح مؤمنان می پرسد: که اینان پس از مرگ کجا هستند؟ فرمودند: «فِي رَوْضَةٍ كَهَيْئَةِ الْأَجْسَادِ» در بهشت به همان صورت و هیأت اجسادشان نمودار هستند. (۲)

□ ابو ولاد حنّاط از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: ارواح مؤمنان پس از مرگ در کجا استقرار می یابند؟

حضرت پاسخ دادند: «فِي أَسْفَلِ الْأَرْضِ» در بدن هایی مثل بدن های دنیوی. (۳)

□ امام علی (علیه السلام) فرمودند: «ارواح در عالم برزخ گروه گروه در شکل جسدهای خویش گرد هم آمده به گفتگو می پردازند.» (۴)

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۳۴؛ و تفسیر موضوعی ج، ص ۴، ص ۲۲۳.

۲- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴۵.

۳- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۴۴.

۴- اربعین، ص ۲۵۱ و ۲۶۱.

آیا می فهمد مرده است؟

مرگ برای برخی بهت ناگهانی می آورد مثل کسی که دچار شوک شده و تا مدتی وضعیت خود را نمی فهمد «فَتَبْهَتُهُمْ بَعْتَهُ».

این گروه یک دفعه می بینند صحنه عوض شد اما نمی فهمند مرده اند. مدت ها می گذرد تا این را بفهمند، برای همین به میت تلقین داده می شود.

در جریان مرگ کسانی که روحشان به کمال رسیده و انتقال و هجرت خود را تحت اشراف علمی خویش قرار می دهند، انتقال خود را به عالم آخرت می فهمند اما کسانی که از هجرت ها و انتقالات خود غافلند نمی فهمند که به عالم آخرت سفر کرده اند مگر وقتی که تمام تعلقات دنیایی رخت بر بندد و کاملاً صحنه برزخ برای آن ها شناخته شود. در این موارد پس از مرگ، مدت ها طول می کشد تا فرد بفهمد که مرده است. درست مثل حالت خواب، که شخص وقتی می خوابد و خواب می بیند نمی داند که در حال خواب دیدن است. کما اینکه موارد قلیلی برای برخی افراد پیش می آید که در حال خواب متوجه اند که خواب می بینند.

در تلقین میت می گوئیم: بدان «إِنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ». او نمی داند در چه شرایطی به سر می برد مُلَّقِنٌ با تلقین دادن، به میت اینگونه آگاهی و تسلی می دهد که مرگ، اصلی است که باید بپذیری، ما هم می میریم. در عین حال تلقین میت موعظه ای برای زنده ها هم هست.

در وقت خروج نفس، انسان بدن خود را می بیند و به دنبال او تا قبر می رود.

مهمانی های برزخ

مؤمنین صالح هفت روز هفته را در عوالم برتر مهمان هستند.

روز شنبه مهمان حضرت آدم (علیه السلام) ابوالبشر هستند. حضرت آدم (علیه السلام) در «جنه الخلد» از مؤمنین و صالحین پذیرایی می کند.

روز یکشنبه مهمان حضرت نوح (علیه السلام) شیخ المرسلین هستند که در «جنه النعیم» از آنان پذیرایی می کند.

روز دوشنبه مهمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) خلیل الرحمان هستند در «جنه المأوی».

روز سه شنبه مهمان حضرت موسی (علیه السلام) کلیم الله هستند در «دارالسلام».

روز چهارشنبه مهمان حضرت عیسی (علیه السلام) روح الله هستند در «جنه العدن».

روز پنجشنبه مهمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم الانبیاء هستند در «سدره المنتهی».

روز جمعه مهمان خدا هستند. در آن روز همه به مهمانی قرب دعوت می شوند، در آن مهمانی نور تازه ای به آنان افزوده می شود و خداوند بدون واسطه با آنان سخن می گوید، آن قدر به آنان خوش می گذرد که دیگر حاضر نیستند مهمانی را ترک کنند و برگردند، از خداوند می طلبند که در آنجا بمانند ولی خداوند می فرماید: بروید تا جمعه دیگر فرا رسد.

پاره ای از تجسمات مردم در برزخ

۱. گروهی هستند که قلاب های آتشین در بینی آنها فرو برده و میان جهنم معلقشان کرده اند: «اینان کسانی هستند که خداوند مال حلال روزی آنان کرده ولی دنبال حرام رفته حرام خواری می کنند.» (۱)
۲. گروهی در سفره گسترده مقابلشان، هم گوشت های پاک هست، هم گوشت های آلوده و گندیده، ولی گوشت های گندیده را می خورند: «اینان کسانی هستند که در دنیا غذای حلال را رها کرده حرام می خورند.»
۳. عده ای سر و صورت هایشان را با سنگ شکسته و له می کنند: «اینان کسانی اند که نماز عشا را نمی خوانند و از روی غفلت و اهمیّت ندادن آن را ترک می کنند.»
۴. جمعی آتش از دهان و پشتشان شعله ور است: «این جماعت اهل خوردن مال یتیم هستند.»
۵. برخی لب هایشان مثل لب های شتر می ماند، جمعی موکلند لب هایشان را ببرند و سنگ های آتشین در دهانشان بگذارند و آن سنگ ها از زیرشان بیرون می آید: «اینان کسانی اند که اموال اطفال یتیم را از روی ظلم می خورند.»
۶. گروهی شکم هایشان آن قدر بزرگ است که نمی گذارد ازجا برخیزند: «اینان رباخواران امت اسلام هستند که هرگاه عزم برخاستن می کنند شیطان مزاحمشان می شود و همواره آنان را می آزارد. سرنوشت شان مثل آل فرعون است که شب و روز بر آتش عرضه می شوند و آتش را به آنان می نمایانند و دائماً فریادشان بلند است و می گویند: قیامت کی بر پا می شود؟»

در قیامت هم چون دیوانگان بی تعادلند، شکم هایشان به بزرگی یک خانه است، داخلش پر از مار و عقرب است و از خارج شکمشان داخل آن دیده می شود. با صورت روی زمین راه می روند، معکوسند، از شدت نیش گزندگان به حالت به خود پیچیده وارد محشر می شوند.»

۷. دسته ای لب هایشان به بزرگی لب شتر است، گوشت پهلوهای خود را قیچی می کنند و در دهان خود نهاده می خورند: «اینان کسانی اند که از مردم عیب جویی می کنند و مردم را با اشاره چشم، ابرو، سر و دست مسخره می کنند و غیبت می کنند و نیز با زبان از مردم عیب جویی می کنند و سخن چینی می نمایند.»

۸. جمعی لب های خود را با قیچی آتشین می چینند: «اینان "خطباء" و سخن گویان دنیا هستند که مردم را امر به معروف می کنند و خود عمل نمی کنند.»

۹. فرقه ای دائماً در تاریکی و ظلمت به سر می برند، زبان و دست های خود را با حسرت می گزند: «اینان ظالمانند.»

۱۰. جماعتی در تنور آتشند، عریانند و از زیر پایشان شعله های آتش بیرون می آید: «اینان زناکارانند.»

۱۱. عده ای سرشان، سر خوک و بدنشان بدن الاغ است و به هزاران نوع عذاب مبتلایند: «اینان زنان کاذب سخن چینند.»

۱۲. جمعی در دهانشان انبر بزرگ آهنی فرو می برند، یک طرف دهانشان را با آن گرفته می کشند بطوری که صورت، بینی و چشمان آنها به همان طرف کشیده می شود، دهان بدبویی دارند: «اینان دروغگویانند.» (۱)

۱۳. کسی هست که سرش را با سنگ بزرگ بارها و بارها می شکنند، هر بار سالم می شود و دوباره می شکنند: «این کسی است که قرآن را یاد می گیرد اما به آن بی توجه است تا جایی که آنچه آموخته بود فراموش می کند، نه آن را قرائت می کند نه به دستوراتش عمل می کند و قرآن را تنها گذارده، نماز را کوچک و بی اهمیت می شمرد.»

۱۴. کسی هست که در نهر خونین که اطرافش پر از سنگ است شنا می کند، هر بار بیرون می آید، یکی از سنگ ها را برداشته، داخل دهانش می گذارد، می بلعد و دوباره این عمل ادامه می یابد: «او رباخواری است که مال مردم را بوسیله ربا و بدون زحمت از دست آنان می گیرد و می خورد.»

۱۵. تجسم برخی به شکل سگ است: «اینان افرادی هستند زود خشم، تندخو، ناسزاگو و جسارت کننده به مقدسات مذهبی.»

۱۶. تجسم گروهی به شکل آدمی سیاه رو، زشت چشم، دست ها و پاها با زنجیر به گردن بسته است در حالی که بانندای منادی، رسوای اهل محشر می شود: «این مؤمنی است که نیاز برادران ایمانی خود را علی رغم استطاعت برآورده نکرده و دریغ نموده است.»

۱۷. تجسم گروه های دیگر به این شکل ظهور می یابد:

□ خوک: «حرام خوار، سخن چین.»

□ میمون: «جاسوس، سخن چین.»

□ مورچه: «متکبر (لباس آتشین پوشیده است).»

□ متعفن: «شراب خوار، دروغگو، زناکار و لواط کار.»

□ جذام: «عمداً قرائت قرآن را ترک کرده است.»

□ میخ در چشم: «نگاه هرز به نامحرم کرده است.»

□ کور و کر: «شنیدن و خواندن و عمل نکردن، اهل عجب در عبادت، کُفّار و منافقین.»

□ دست ها در زنجیر بسته: «به صورت مظلوم سیلی زده.»

□ مار و عقرب بدنش را می گزند: «سخن چین.»

□ گوشت صورت ریخته: «قرآن را وسیله معاش کرده.»

□ سُرب در گوشش می ریزند: «به سخن سَرّی مردم گوش داده است.» (۱)

□ دستور دارد دو دانه جو را به هم گره بزند و شکنجه می شود: «خواب دروغ جعل کرده است.» (۲)

□ در تابوتی آتشین است: «بدهکار مردم مرده است.»

□ روده هایش روی زمین کشیده می شود: «از بول اجتناب نکرده است.»

□ وارد قبر می شود در حالی که فرشتگان با تازیانه چنان بر صورتش می کوبند که گوشت صورتش می ریزد: «بد زبان و ناسزاگو.»

□ کر و لال: «مغرور و خودخواه.»

□ دست و پا بریده: «به همسایه آزار می رسانده است.»

□ کور: «حق را نادیده گرفته حکم به باطل دهد، اغلب حُکام جور هستند.»

□ به شاخه های آتشین بسته شده: «سخن چین نزد حُکام.» (۳)

۱- نصابیح، ص ۱۲۴، ج ۱۶۷.

۲- نصابیح، ص ۱۲۴، ج ۱۶۷.

۳- معاد شناسی، ج ۲، ص ۳۲۰.

□ عبدالرحمان بن هبیره گوید: روزی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بودیم، فرمودند: «دیشب عجایی دیدم.»

گفتیم: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم)! چه دیدید؟ برایمان بازگویید، ای که جان ما و کسانمان و فرزندانمان به فدای شما باد.

فرمودند: مردی از امتم را دیدم، ملک الموت برای قبض روحش آمد، احسانی که به پدر و مادرش کرده بود مانع مرگ او شد.

و مردی از امتم را دیدم به عذاب قبر محکوم بود، وضویش مانع عذاب قبرش شد.

مردی از امتم را دیدم شیاطین او را به وحشت انداخته بودند، ذکر خدای عزوجل آمد و او را از بین آنان نجات داد.

و مردی از امتم را دیدم که ملائکه عذاب، او را وحشت زده کرده بودند و نمازش او را از آنان دور کرد.

و دیدم مردی از امتم را در حالی که از شدت تشنگی زبانش بیرون افتاده بود، هر چقدر می خواست به حوض آبی وارد شود او را باز می داشتند، روزه ماه رمضان آمد، او را سیراب کرد و آب نوشاند.

و مردی از امتم را دیدم در حالی که تلاش می کرد به حلقه های اجتماعات انبیاء نزدیک شود اما او را طرد می کردند، پس غسل جنابتش آمد، دست او را گرفت و او را کنار من نشانید.

و دیدم مردی از اتمم را در حالی که از همه اطراف، از مقابل، پشت، راست، چپ و پایین غرق در ظلمت بود حج و عمره اش او را از ظلمت خارج نموده در نور وارد ساخت.

و مردی از اتمم را در حالی که با مؤمنین سخن می گفت اما پاسخش را نمی دادند، صله رحم او آمد و گفت: ای جماعت مؤمنین با او هم کلام شوید که او با ارحام خود پیوند داشت. مؤمنین با او سخن گفتند و دست دادند و با ایشان همراه شد.

و دیدم مردی از اتمم را در حالی که حرارت داغ آتش و شراره های آن را با دست و صورتش از خود دور می کرد، صدقه اش آمد، سایه ای بر سرش و حفاظی بر صورتش انداخت.

و مردی از اتمم را دیدم زبانه های آتش از هر طرف او را احاطه کرد، امر به معروف و نهی از منکری که انجام داده بود او را از بین شعله ها نجات بخشید و با ملائکه رحمت قرار داد.

و مردی از اتمم را دیدم به زانو نشسته بود و بین او و رحمت خدا حجابی قرار داشت حسن خلقش دست او را گرفت و در رحمت خدا داخل کرد.

و مردی از اتمم را دیدم بر آستانه جهنم ایستاده بود، امیدش به حق تعالی او را از این وضع رهایی بخشید.

و مردی از اتمم را دیدم که در آتش سقوط کرده بود، اشک هایی که از ترس خدا ریخته بود، او را از دل آتش بیرون کشید.

و مردی از اتمم را بر صراط دیدم سخت می لرزید به مانند گیاه ضعیفی که در یک روز طوفانی در مقابل باد شدید می لرزد، خوش گمانی اش به خداوند لرزش او را آرام کرد و بر صراط گذشت.

و دیدم مردی از اتمم را گاهی می لرزید، گاهی تاب می خورد و گاهی آویزان می شد، صلواتی که بر من فرستاده بود او را بر قدمهایش راست ایستاند و بر صراط عبور کرد.

و مردی از اتمم را دیدم به درهای بهشت نزدیک می شد، چون به آن ها می رسید درها بسته می شد. شهادتش به لا اله الا الله از روی صدق، به سویش آمد، پس درها گشوده شد و او داخل بهشت گردید. [\(۱\)](#)

روایات

ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف جمع می شوند. (۱) قبل از دفن پیکر امیرالمؤمنین (علیه السلام) نجف، شهر نبود بلکه نیزار و بیابانی در یک فرسخی کوفه بود، لذا آن را پشت کوفه می نامیدند.

□ وادی السلام: وادی امن، امنیت و سلام. خطاب فرشتگان به واردشدگان در وادی السلام این است: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ» (۲)، ظهور وادی سلامت و امنیت در این دنیا سرزمین ولایت است یعنی نجف. (۳)

□ احمد بن عمر، مرفوعاً از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند: به حضرت گفتم برادرم در بغداد است و نگرانم همان جا بمیرد. حضرت فرمودند: «نگران نباش، هر جا که می خواهد بمیرد چون هیچ مؤمن در شرق و غرب زمین نیست مگر آنکه خداوند روح او را در وادی السلام با ارواح مؤمنین دیگر قرار می دهد.» سؤال کردم: وادی السلام کجاست؟

حضرت فرمودند: «پشت کوفه و آگاه باش! گویا من منظره اجتماع ارواح را می بینم که حلقه حلقه نشسته اند و با هم گفتگو دارند.» (۴)

□ حَبَّه عُرْنِي می گوید: من با امیرالمؤمنین از کوفه به سمت پشت کوفه حرکت کردیم. حضرت در وادی السلام توقف کرد و گویا با اقوامی مخاطبه و گفتگو داشت. من به متابعت ایشان قیام کردم و ایستادم. بالاخره خسته شدم و نشستم به قدری که ملول شدم، دوباره ایستادم و باز خسته شدم

۱- حیات پس از مرگ، علامه طباطبایی، ص ۴۲.

۲- سوره زمر، آیه ۷۳. «سلام بر شما! پاک شدید، پس برای همیشه داخل آن شوید.»

۳- معادشناسی، ج ۳، ص ۲۳۲.

۴- بحار، ج ۶، ص ۳۶۸.

و نشستم و باز ملول گشتم، سپس ایستادم و ردای خود را جمع کردم و عرض کردم: ای امیرمؤمنان! من از طول این قیام بر شما شفقت آوردم، آخر یک ساعتی استراحت کنید، سپس ردا را روی زمین گستردم تا حضرت رویش بنشیند.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «ای حبه این قیام و وقوف نبود مگر تکلم یا مؤانست با مؤمنی.

عرض کردم: یا امیرالمؤمنین! آیا مردگان هم تکلم و مؤانست دارند؟

ایشان پاسخ فرمودند: «بله، اگر پرده از جلوی چشمانت برداشته شود آنها را می بینی که حلقه حلقه نشسته اند و با عمامه خود یا چیز دیگری پشت و ساق های پای خود را به هم بسته و بدین طریق نشسته و با هم گفتگو دارند.»

پرسیدم: آنها از سنخ اجسام هستند یا ارواح؟

حضرت پاسخ فرمودند: «بلکه ارواحند و هیچ مؤمن در زمینی از زمین های دنیا نمی میرد مگر آنکه به روحش گفته می شود به وادی السلام ملحق شود، وادی السلام بقعه ای از بهشت عدن است.»

□ ارواح مؤمنان شب های جمعه در صخره بیت المقدس مجتمع می شوند. (۱)

کسانی که در وادی السلام هستند با هر مقام و درجه ای می توانند در عرفات که محل معارفه ارواح است حضور یابند.

برهوت

برهوت نام چاهی است در سرزمین حضر الموت که در جنوب یمن است. چاه عمیقی است، کسی قدرت پایین رفتن از آن و رسیدن به قعرش را ندارد. در آنجا مارهای سیاه، حیوانات موزی و وحشی فراوانند، گرمای طاقت فرسایی هم دارد. پست و پُرآفت و کثیف و پررنج است.

□ قال امیرالمؤمنین (علیه السلام): «شَرُّ بئرٍ فی النَّارِ بَرهوتِ الذی فیهِ ارواحُ الکُفَّارِ.» (۱) «بدترین چاه در آتش، برهوت است که ارواح کُفَّار در آنند.»

□ امام صادق (علیه السلام) از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می کنند:

«بدترین آب ها در بسیط زمین، آب برهوت است، برهوت همان است که در حضر الموت است و در آنجا جغدهایی که ارواح کُفَّار بدانها تعلق پیدا کرده است، وارد می شوند.» (۲)

□ امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «در پشت یمن یک وادی است که به آن وادی برهوت گفته می شود و در آن وادی کسی سکونت ندارد مگر مارهای سیاه و از پرندگان فقط جغد. در آن وادی چاهی است به نام بَلهوت که هر صبح و شام ارواح مشرکین را آنجا می برند تا از آبی که چون فلز گداخته گرم و چون چرک مخلوط شده با خون است بیاشامند.» (۳)

۱- کافی، ج ۱، ص ۶۷.

۲- فروع کافی، ج ۱، ص ۷۶.

۳- بحار، ج ۳، ص ۲۹۱؛ معادشناسی، ج ۳، ص ۲۷۵.

ص: ۷۷

بخش دوم: احتضار

اشاره

احتضار

کسی را که در حال احتضار است باید رو به قبله دراز کرد: به نحوی که اگر قرار باشد بنشیند، روبروی قبله بنشیند، چه کودک باشد چه بالغ. این امر واجب کفایی است. اگر نشد، رو به قبله بنشانند و الاً به پهلو رو به قبله بخوابانند؛ به پهلو راست یا چپ در حالی که رویش به سمت قبله است خوابانده شود.

□ تا وقتی بعد از مرگ او را جابه جا نکرده اند مستحب است رو به قبله باشد.

□ شهادتین، کل عقاید حقه و اسامی دوازده امام را باید به او تلقین کرد. همین طور دعای عدیله خوانده شود.

□ تلقین این دعا: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْعَفُورُ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَاِنَّكَ رَحِيمٌ.»

□ امام سجاد (علیه السلام) در لحظات وفات خود فراوان می فرمودند:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَاِنَّكَ رَحِيمٌ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَاِنَّكَ كَرِيمٌ.»

□ تلقین دوم: «لا- اِلَهَ اِلاَّ اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا- اِلَهَ اِلاَّ اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْاَرْضَيْنِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتُهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ.»

□ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «تمام بیماری ها و دردهایی که به انسان رو می آورد قاصدان مرگ و فرستادگان او هستند.»

هنگامی که عمر انسان به پایان می رسد و در بستر مرگ قرار می گیرد، ملک الموت برای قبض روح او حضور پیدا می کند. انسان از دیدن او به وحشت می آید و آمدن او را بدون مقدمه می پندارد، ولی فرشته مرگ می گوید: ای بنده خدا! چقدر رسول بعد از رسول، خبر بعد از خبر و پیک بعد از پیک برای تو فرستادم، من آخرین خبرم و بعد از آمدن من دیگر خبری نیست.

ای بنده خدا! دعوت پروردگارت را اجابت کن خواه از روی میل و رضا، خواه از روی جبر و اکراه.

هنگامی که فرشته مرگ، جان انسان را از کالبدش بیرون می کشد، بازماندگان و بستگان او مشغول گریه و ناله می شوند. ملک الموت می گوید: برای چه کسی گریه می کنید و اشک می ریزید؟ برای چه کسی غمگین و محزونید؟ برای چه کسی دست از کار کشیده و بی صبوری می کنید؟ به خدا سوگند عمر او به پایان رسیده و در دنیا تمام روزی خود را دریافت کرده بود. پروردگارش از او دعوت به عمل آورد و او هم دعوت حق را اجابت کرد، اگر

می خواهید گریه کنید بر خویشتن بگریید، زیرا من باز هم به این خانه می آیم تا هیچ یک از شما را (در دنیا) باقی نگذارم.»
(۱)

□ سزاوار است پایان تلقین او را «لا اله الا الله» قرار دهند. هر کس کلام آخرش «لا اله الا الله» باشد داخل بهشت می شود.

□ شهید ثانی می فرماید: اگر کسی با ذکر «لا اله الا الله» از دنیا برود، وارد بهشت می شود.

□ کسی که سخت جان می دهد، به جایی ببرند که معمولاً نمازهای واجبش را آنجا می خوانده است. مستحب است نمازهای واجب در یک مکان و نمازهای نافله در مکان های مختلف اقامه شود.

□ مستحب است نزد او چه قبل و چه پس از خروج روحش به جهت طلب برکت و دفع عذاب، قرآن بخوانند.

□ تلاوت سوره «یس و صافات» قبل از خروج روحش از همه بیشتر توصیه شده است.

□ تلاوت آیه الکرسی و آیه ۵۴ سوره اعراف «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ.» (۲)

۱- مجمع البیان، ج ۸، ص ۳۲۹.

۲- سوره اعراف، آیه ۵۴. «همانا پروردگار شما آن خدایی است که آسمان ها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش استیلا یافت. شب را با روز می پوشاند که شتابان از پی آن است، خورشید، ماه و ستارگان را (آفرید) که مسخر فرمان او هستند. آگاه باش! که خلق و امر از آن او است. پاینده است خدا که پروردگار عالمیان است.»

□ آیه الکرسی را حتماً، حداقل هفت مرتبه بخوانند.

□ تلاوت سه آیه آخر سوره بقره.

□ در لحظه جان دادن سوره ی مورد علاقه شخص را برایش تلاوت کنند.

□ تلاوت سوره احزاب و تلاوت سوره های دیگر به قدر ممکن.

□ مستحب است اگر شب جان داده در آن اطاق چراغ روشن کنند.

□ مستحب است بعد از مرگ چشمان او را فوراً ببندند تا بد منظره نباشد؛ مستحب است دهانش را هم ببندند.

□ مستحب است دو فک او (با دستمالی مثل باند) بسته شود تا فک شل نشود و پایین نیفتد.

□ مستحب است دو دستش را به طرف پهلوهایش بکشند و دوساق پایش را هم اگر جمع شده است، دراز کنند تا برای غسل و پیچیدن در کفن آسان تر و آماده تر باشد.

□ مستحب است پس از جان دادن میت، روی بدنش پارچه بپوشانند؛ به علت تأسی به معصوم (علیه السلام) و نیز محفوظ تر و پوشیده تر بودن میت.

□ مستحب است تجهیز او را سریع انجام دهند (غسل، کفن،

دفن و...) چون مایه اکرام اوست مگر جایی که موت او مشکوک باشد که نه تنها جایز نیست بلکه واجب است تا سه روز صبر کنند مگر آنکه قبل از سه روز یقین کنند مرده است.

در رعایت اعمال زیر توصیه شده است:

□ محتضر را تنها نگذارید.

□ زن ها را پیش محتضر تنها نگذارید.

□ در بالین محتضر نباید زیاد حرف زد؛ خنده و بدگویی که مسلماً نباید باشد.

□ چیز سنگینی روی سینه و شکمش نباشد، دکمه های لباسش را باز کنید تا راحت نفس بکشد.

□ اشخاصی که ناپاکند (حائض) و غسل (جنابت) بر آنها واجب است، در کنار محتضر نباشند. اما بعد از فوتش شخص ناپاک حتی می تواند بر او نماز بگذارد.

□ گریه شدید کنار محتضر مکروه است.

□ اگر کسی دچار ناراحتی روانی است نگذارید کنار محتضر باشد؛ حتی اگر خودش ناراحتی روانی ندارد اما در نزدیکیانش (پدر، مادر، خواهر، برادر و ...) کسی بود که به این ناراحتی مبتلا بوده؛ احتیاطاً باز هم نگذارید در کنار محتضر بماند.

پس اندازی برای لحظه احتضار و شب اول قبر خودمان

□ قبل از اینکه لحظه احتضار انسان فرا رسد، خوب است یک سری اعمال را به نیت زمان احتضار خود انجام دهد. این اعمال عبارتند از:

الف) ختم قرآن (هر چه بیشتر، بهتر)

ب) ۷۲ تبارک

ج) ۴۰ یس

د) جوشن کبیری که در شب های قدر خوانده می شود (هر سه شب قدر جوشن کبیر را که می خوانید به حضرت صاحب الامر (عجل الله فرجه الشریف) هدیه کنید به نیت اینکه لحظه احتضار به شما برگرداند).

صلوات (بالاخص صلوات بر فاطمه اطهر (سلام الله علیها)): «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا.»

□ سکرات و گرفتاری های زمان مرگ، مال کسانی است که در حوزه تکلیف شرعی قرار دارند. بچه ها، دیوانه ها و... سکرات موت ندارند و در کمال راحتی می میرند. به علاوه بشر هنگام مرگ در یک آن، خود را در عالم بسیار متفاوتی می بیند که سازگار شدن با آن، مدت ها طول می کشد اما بچه ها، دیوانه ها و... به راحتی محیط متفاوت را می پذیرند، چرا که دل بستگی به محیط و افراد در آنها بسیار ضعیف تر است.

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روز آخر عمر دست های مبارک را در آب می زد و بر صورت می کشید و می فرمودند: «إِنَّ لِلْمُوتِ سَكْرَاتٌ» و می فرمودند: «ارْفُقُوا يَا مَلَائِكَةُ رَبِّي!»؛ «ای ملائکه پروردگارم! با من مدارا کنید.»

□ یک یک اعضا بدن موکلانی دارند. حیات اعضاء بدن به خاطر نظارت و عملیات این ملائکه است. هنگام مرگ ملائکه ای که موکل اعضا بدن انسان بودند یکی یکی او را رها می کنند تا توفی و گرفتن جان انجام بگیرد.

برای قبر خود و دیگران؛ ۷۲ بار سوره تبارک، ۴۰ بار سوره یس، صلوات، ختم قرآن، زیارت امین الله، زیارت ال یاسین، زیارت عاشورا، تسبیحات اربعه و صلوات فاطمیه هدیه دهید.

برخی از عوامل سخت جان دادن

۱. برخلاف حکم خدا حکم کردن (براساس عناد، لجاج، استکبار و...)

۲. عاق والدین

۳. گواهی و شهادت دروغ

۴. معصیت و عدم توبه

۵. خوردن مال یتیم

۷. ۸۶. در این سه مورد ملک الموت با خود سیخی از آتش می آورد و روح را با آن سیخ آتشین بیرون می کشد: حاکمی که جور کند، کسی که مال یتیم بخورد، کسی که شهادت دروغ دهد. (۱)

عوامل راحت جان دادن

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «عواملی در راحت جان سپردن مؤثرند که عبارتند از:

۱. صله ارحام.

۲. احسان به والدین. (۲)

۳. کسی که به برادرش حلوایی بخوراند (غذای گوارا).

۴. کسی که برادر خود را با جامه زمستانی یا تابستانی بپوشاند. (۳)

۵. کسی که یک روز از آخر ماه رجب را روزه بگیرد.

۱- منازل الاخره، شیخ عباس قمی، ص ۱۴.

۲- منازل الاخره، به نقل از شیخ صدوق، ص ۱۴.

۳- حلیه المتقین، ص ۴۲۹.

۶. خواندن سوره یس و سوره صافات کنار محضر؛ همچنین خواندن سوره احزاب و آیه الکرسی.

۷. محبت اهل بیت (علیهم السلام).

۸. خواندن دعای عدیله بر بالین محضر.

۹. قرآن خواندن (هر سوره و آیه ای که باشد).

۱۰. معطر کردن فضای اطاق محضر.

۱۱. انتقال به مصلا.

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: یا علی! خداوند هفت مزیت به شیعیان تو داده است: «راحتی هنگام مرگ، آرامش در وحشت، روشنایی و نور در تاریکی، امنیت هنگام اضطراب، عدل هنگام سنجش اعمال، عبور از صراط، وارد شدن به بهشت چهل سال قبل از دیگران.» (۱)

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که مؤمنی را سیر کند پاداش اخروی آن را هیچ یک از آفریدگان نمی داند نه فرشته مقرب و نه نبی مرسل، مگر رب العالمین.» (۲)

□ امام سجاد (علیه السلام) در آستانه وفات بیهوش شدند، سپس چشم گشودند و آیاتی از «سوره واقعه» و «سوره فتح» را تلاوت کردند سپس فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُهُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ.»

□ ملک الموت مانند آینه است و محضر «خود» را در آن می نگرد.

۱- نصایح، ج ۲۵، ص ۲۶۶.

۲- نورالثقلین، ج ۴، ص ۲۳۰، ح ۳۷؛ تفسیر موضوعی، ج ۵، ص ۳۴۳.

□ روزی حضرت ابراهیم (علیه السلام) از ملک الموت درخواست کرد: «آیا می توانی با آن صورتی که روح فاجر را قبض می کنی خودت را به من بنمایانی؟»

گفت: طاقت نداری.

پرسید: چرا؟

گفت: رو برگردان و دوباره مرا ببین، حضرت چنین کرد، ناگهان دید مردی سیاه چهره با موهای راست شده، بد بو، لباس سیاه و به شدت کریه المنظر در حالی که دود و آتش از دهان و دو سوراخ بینی اش زبانه می کشد در برابر او است! حضرت بیهوش شد.

وقتی بهوش آمد فرمود: «اگر فاجر در هنگام مرگ غیر از این منظره نبیند هر آینه از نظر عذاب و شدت آن برای او کافی است.» (۱)

□ امام موسی الکاظم (علیه السلام) به عیادت مردی در حال سكرات رفت که دیگر قادر به پاسخگویی به کسانی که با او تکلم می کردند نبود. اطرافیان گفتند: یابن رسول الله! دوست داریم کیفیت مرگ و احوال این محتضر که مصاحب ماست بدانیم.

حضرت فرمودند: «مرگ مثل دستگاه تصفیه است؛ مؤمنین را از گناهایی که نموده اند تصفیه و پاک می کند به طوری که آخرین دردی است که آنها تحمل می کنند و کفّاره آخرین وزر و گناهی است که در آنها باقی مانده است و کافران را از حسناتی که انجام داده اند تصفیه می کند به طوری

که آخرین لذت و راحتی است که در دنیا به آنها می رسد و پاداش آخرین کار نیکی است که به جا آورده اند.

اما حال رفیقتان که در سكرات است این گونه است که مانند کسی که گناهان او را در غربال ریخته و او را غربال کرده باشند؛ از گناه بیرون آمده و از آثام و اوزار تصفیه شده است و پاک و پاکیزه گشته است؛ درست مثل لباس چرکینی که بشویند و از چرک ها پاک شود و حال صلاحیت پیدا کرده است که با ما اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در سرای جاودانی ابدی معاشر و همنشین باشد. (۱)

□ به امام صادق (علیه السلام) عرض شد: بعضی گویند برای کفار جان دادن سخت تر است از بریدن با اژه ها و قیچی کردن با قیچی ها و خرد کردن با قطعه سنگ ها و گرداندن میله آسیاها بر کاسه چشم ها.

حضرت فرمودند: «بله، اما نه برای همه کافران بلکه برای بعضی از فاجران. آیا نمی بینید بعضی از کافران و فاجران چه شدائی دی را در سكرات موت می بینند، عذاب هایی را که فرشتگان مرگ به آنها می رسانند از این شدائد سكرات سخت تر است، شدائد سكرات جزء عذاب های دنیوی محسوب می گردند و برای بعضی از آنها عذاب هائی دشوارتر از این عذاب ها است.» (۲)

□ امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند: «خداوند می فرماید: من در هیچ امری تردید و درنگ نکردم مانند درنگ کردن و تردیدی که در قبض روح مؤمن کردم چون مؤمن از مرگ کراهت داشت و من هم کراهت داشتم به او ناراحتی برسانم. پس زمانی که اجل محتوم مؤمن رسید دو شاخه گل معطر از

۱- معانی الاخبار، ط حیدری، ص ۲۸۹، باب معنی الموت.

۲- معاد شناسی، ج ۲، ص ۴۲.

بهشت برای او می فرستم، یکی از آنها مسخیه (۱) و دیگری مُنسیه (۲) نام دارد. مسخیه، او را نسبت به اموالش بی اعتنا می کند و از همه آنها می گذرد. منسیه او را نسبت به تمام امور و شئون دنیا به فراموشی و نسیان می اندازد. (۳) در واقع این دو شاخه ریحان، بوی خدا می دهند.

در روایت کافی و معانی الاخبار به جای ریحانتین، ریحین آورده است یعنی از جانب بهشت دو نسیم می وزد.

□ ابو بصیر به امام صادق (علیه السلام) عرض کرد: آیا هنگام جان دادن، مؤمن از قبض روحش ناراحت است؟ فرمودند: به خدا قسم خیر.

پرسید: چطور ممکن است چنین نباشد؟!

حضرت فرمودند: «وقتی زمان قبض روح مؤمن می رسد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت ایشان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حسنین (علیهما السلام) و جمیع ائمه نزد او حاضر می شوند ولیکن شما اسم فاطمه (سلام الله علیها) را نبرید و نقل نموده مخفی بدارید.» (۴)

در بعضی اخبار آمده است: اگر هنگام پاسخگویی به نکیر و منکر از ترس، زبان مؤمن بند بیاید و در دادن جواب مساعدت نکند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف او جواب داده، به حقیقت اعتقاد او شهادت می دهند.

□ در تفسیر امام عسگری (علیه السلام) آمده است: «ملائکه نکیر و منکر (در واقع بشیر و مبشر) به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) که به بالین مؤمن محتضر آمده

۱- مسخیه: به سخاوت در آورنده.

۲- مُنسیه: به فراموشی در آورنده.

۳- بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۲.

۴- معاد شناسی، ج ۲، ص ۵۲؛ به نقل از تفسیر فرات بن ابراهیم.

است می گویند: اگر نه این بود که حقتعالی می خواهد فضیلت او را بر ملائکه اظهار کند، از او سؤالی نمی کردیم.» (۱)

□ امام باقر(علیه السلام) فرمودند: «قبر منزلی است از منازل آخرت، اگر از آنها نجات یافتی بعد از آن آسان تر است و الا پس از آن شدیدتر است.» (۲)

۱- حلیه المتقین، ص ۴۲۳.

۲- حلیه المتقین، ص ۴۰۷.

کفن

اجزاء اصلی کفن:

• لنگ (از ناف تا زانو).

• پیراهن (از سر شانه تا نصف ساق پا).

• ازار سرتاسری به طوری که بستن دو سرش از درازا ممکن باشد و از پهنا یک طرفش روی طرف دیگر بیاید.

اجزاء مستحب:

• برد یمانی (از یمن می آورند) یا یک ازار اضافه.

• پارچه ای برای پیچیدن ران های میت.

• عمامه (روسری) هم چنین مستحب است برای زن پارچه ای اضافه شود که سینه های زن را محکم به پشت ببندد.

اگر تمکن از سه جامه نداشت، هر تعداد و هر چقدر که می شود تهیه کند کافی است.

□ بر همه اجزاء کفن بنویسند: «فَلاَن (اسم شخص) یَشْهَدُ اَنْ لاَ اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَحْدَهُ لاَ شَرِیکَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ وَ اَنَّ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْاِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ (و یک یک امامان را ذکر کند) اَئِمَّتُهُ اَئِمَّةَ الْهَدٰی الْاَبْرار.»

این مطلب را با تربت امام حسین (علیه السلام) بخصوص با کمی کافور مخلوط کنند و با انگشت بنویسند (با سیاهی بنویسند)، اگر تربت نبود خاک سفید را به شکل گِل در آورند و بنویسند.

این ها همراه کفن تهیه شود:

□ تربت سیدالشهدا.

□ چوبهای جریده.

□ ننگین عقیق پنج تن.

□ نسخه ی همراه میّت.

□ مقداری کافور آتش ندیده:

● افضل مقدارش: ۱۳ درهم و ثلث

● اقلش: یک درهم

● اوسطش: ۴ مثقال

اگر دشوار باشد هر مقدار که بتواند.

برای کفن:

اول پارچه ران پیچ را پهن کند و رویش مقداری پنبه بگذارد و روی آن کمی زیره پاشد، سپس آن را جلو و عقب میّت بگذارد، بر سوراخ عقب او پنبه ای بگذارد، سپس آن پارچه را بر ران های او محکم ببندد سپس لنگ را و بعد پیراهن و روی آن ازار را ببندد.

یک جریده را سمت راست چسبیده به بدن (از محلی که جای بستن لنگ است) بگذارد و جریده دوم را بین پیراهن و ازار، پایین تر قوه قرار دهد.

سپس حنوطش (۱) کند، اگر زیاد آمد بر سینه اش هم بمالد سپس دو سر کفن را ببندد.

□ روی کفن جوشن کبیر، آیه الکرسی ۷ بار و سُوره تبارک نوشته شود نسخه همراه میّت، در کنار کفن گذاشته شود.

۱- حنط: بوی مردگان، بوی خوش برای مردگان.

□ کفن با چیز غصبی جایز نیست، اما در صورت ناچاری کفن با چیز نجس، پارچه ابریشمی خالص، پارچه طلا باف، پارچه از جنس پشم یا موی حیوان حرام گوشت جایز است.

□ اگر در حال احرام حج یا عمره بمیرد مثل دیگران کفن می شود و سر و صورتش پوشانده می شود.

□ جنس کفن بهتر است متناسب با حال شأن میت باشد. سه جامه، طوری نازک نباشد که بدن میت از پشت آنها معلوم شود.

□ از جنسی باشند که مرد بتواند در آن نماز بخواند.

□ افضل آن است که از جنس پنبه سفید باشند.

□ در صورت استفاده از پیراهن به عنوان کفن مکروه است پیراهن آستین دار باشد مگر در صورت اضطرار که کراهتش رفع می شود.

□ بریدن کفن با آهن مثلاً با قیچی را برخی مکروه دانسته اند.

□ خمس کفن را جدا بدهید.

□ صدقه شب اول قبر را بدهید. برای ورود میت به خانه قبر قربانی کنید و ۴۰ مؤمن را اطعام کنید (به خصوص مؤمن فقیر).

حنوط

□ کافور را خیس کرده، خمیر می کنیم به مقدار خیلی کم روی مساجد هفت گانه «کف دست ها، پیشانی، زانوها، سرشست و انگشتان پا» می گذاریم؛ مستحب است اگر زیاد ماند روی سینه و نیز سر بینی او هم بمالیم.

□ حنوط پس از غسل واجب می شود؛ بهتر است در حنوط پیشانی را مقدم کنند.

□ اگر برای حج تمتع احرام بسته باشد و قبل از اتمام سعی صفا و مروه بمیرد حنوطش جایز نیست.

□ اگر برای حج عمره احرام بسته و قبل از تقصیر و کوتاه کردن موها بمیرد حنوطش جایز نیست.

غسل میت

□ تغسیل هر مسلمان یا در حکم مسلمان (یعنی طفل و مجنون متولد از مسلمان و کسی که جنازه اش در سرزمین اسلام پیدا شده است) و غسل بالغ دیوانه واجب است.

□ سقط چهار ماهه به بالا را باید غسل داد؛ زیر چهار ماه را در خرقة (۱) بدون غسل بپوشانند و دفن کنند.

□ در غیر بچه های زیر ۳ سال و در غیر زن و شوهر، زن زن را و مرد مرد را غسل بدهد.

□ شرایط غسل دهنده: بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، آگاه به مسایل غسل و داشتن قصد قربت.

□ غسل در درجه اول ترتیبی است و بهتر است که در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی آن بریزند؛ غسل را غاسل باید با نیت انجام دهد، غسل در درجه دوم ارتماسی است.

□ میت را سه غسل می دهند؛ اگر جایی از بدن میت نجس باشد باید قبل از غسل دادن آن جا را آب بکشند.

□ اگر آب نبود برای غسل، تیمم دهند؛ حتی الامکان تیمم مرده، به دست خود او انجام شود.

□ برای غسل، کفن، نماز میت و دفن باید از ولی میت اجازه بگیرند.

سه غسل

۱. مخلوط آب و سدر

۲. مخلوط آب و کافور

۳. آب خالص

□ در آب مخلوط حداقلش آن است که بگویند آب سدر یا آب کافور است، حداکثرش آن است که آب مضاف نشود و همچنان آب مطلق باشد.

□ اگر برای حج احرام بسته و قبل از اتمام سعی صفا و مروه بمیرد با مخلوط کافور غسل ندهند به جایش با آب غسل دهند.

□ اگر برای عمره احرام بسته و قبل از کوتاه کردن موها بمیرد نیز باید همینگونه عمل شود.

□ واجب است غاسل و میت در مرد و زن بودن، مماثل (۱) باشند مگر در زوجین. جایز است زوجین هر کدام اختیاراتاً همسر خود را غسل بدهد ولی زوجه باید ولایت داشته باشد یعنی غیر از همسر بودن وارث بالقرباه (ولی) باشد.

□ اگر زوجه خودش ولی نبود باید با اذن ولی غسل بدهد (وقتی زوجه ولی نیست یعنی میت وارث دیگری هم دارد).

□ زن مطلقه ای که در عده رجعیه است برای غسل دادن مشکلی ندارد اما زن مطلقه ای که طلاقش بائن است (یعنی زوج در عده حق رجوع به زن را ندارد) حق غسل ندارد.

□ مشهور علما آن است که غسل زوج و زوجه باید از زیر پیراهن باشد، آب را روی پیراهن بریزد و دیگر فشردن لازم ندارد.

□ اگر مماثل نبود، محرم می تواند غسل بدهد (البته از پشت لباس).

□ مستحب است روی تختی که رو به قبله باشد غسلش دهند (کف پا رو به قبله باشد).

□ مستحب است در هر غسله ای (مثلاً شستن سر و گردن یا طرف راست...) با هر کدام از آب ها، سه بار شستشو دهند.

□ مستحب است دستان میت را در هر کدام از سه غسل، تا آرنج سه دفعه بشویند.

۱- مماثل، یعنی مرد برای مرد؛ زن برای زن.

□ مستحب است غاسل در دو غسل اول (مخلوط سدر، مخلوط کافور) شکم میّت را فشاری دهد و رویش دست بکشد تا اگر شکم آلودگی دارد بیرون بیاید و پس از انجام سه غسل، دیگر آلودگی خارج نشود مگر زن آبستنی که بچه مرده در شکم دارد.

□ مستحب است پس از دادن سه غسل، میّت را با جامه ای خشک کنند و مستحب است آب غسل را به چاهی بریزند که چاه آب نباشد.

مکروه است:

□ میّت بین دو پای غاسل باشد بلکه باید غاسل در یک طرف میّت قرار گیرد (به اصطلاح سوار شدن میّت مکروه است).

□ نشانیدن میّت و چیدن ناخن او و شانه کردن موی او کراهت دارد.

□ اگر مو یا ناخن او جدا شد واجب است با میّت دفن شود.

در تغسیل:

□ اوّل دست های میّت را می شورد، سپس عورتش را می شورد (سه بار).

□ سپس سرش را سه بار با کف سدر غسل می دهد بعد جانب راست و جانب چپ را می شورد؛ باید دست خود را به همه ی بدن میّت بکشد.

□ این مجموعه با مخلوط کافور و نیز آب خالص تکرار می شود.

□ غسل دهنده سمت راست او می ایستد و هر عضوی را غسل می دهد می گوید: عفواً.

□ پس از غسل، بدن را با جامه ای خشک می کند.

غسل مسّ میّت

□ تماس با بدن میّت سرد شده، قبل از آن که غسل میّت داده شود، غسل دارد.

□ این غسل کفایت از وضو نمی کند؛ چه قبلش چه بعدش در صورت نیاز وضو لازم است.

□ اگر جزئی از بدن آدم زنده جدا شود و مشتمل بر گوشت و استخوان باشد در حکم میّت است و مسّ آن غسل دارد.

□ مستحب است غاسلی که باید غسل میّت کند، اگر قرار است خودش هم کفن کند، وضو بگیرد یا غسل کند.

برخی از حکمت های این غسل

۱. جنبه بهداشتی.

۲. پوست بشر کاملاً پیداست اما پوست غالب حیوانات (مو، پشم، فلس و...) دارد. اگر دست به موی انسان بخورد غسل ندارد. اما به پوست بخورد، غسل دارد.

۳. به بشر می فهماند: تو که چنین تکبر و تبختری داشتی کارت به جایی می رسد که اگر کسی تو را مسّ کند باید برود غسل کند، پس خود را دریاب.

نماز میت

نماز میت بر ۶ سال تمام به بالا که حکم مسلمان دارد واجب کفایی است.

در نماز میت واجب است:

□ برای نماز قیام کند مگر از آن عاجز باشد.

□ رو به قبله بایستد.

□ میت به پشت خوابانده شود سر میت سمت راست نماز گزار و پای میت سمت چپش باشد.

□ اگر نماز را به جماعت می خوانند نباید بین مأوم ها به قدری فاصله باشد که جماعت صدق نکند.

□ نیت نماز کند.

□ تکبیرات پنجگانه برای شیعه بگوید (مستحب است در هر تکبیری دست ها را بالا ببرد).

شروع نماز:

• تکبیر اول: الله اکبر اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله.

• تکبیر دوم: الله اکبر اللهم صل على محمد و آل محمد.

• تکبیر سوم: الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنين و المؤمنات.

• تکبیر چهارم: الله اکبر اللهم اغفر لهذا الميت (لهذه الجنازه) (لهذه الميته)

• تکبیر پنجم: الله اکبر (پایان نماز).

در روایتی گفته شده بعد از نماز بگوید: رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (۱)

□ در نماز میّت طهارت لازم نیست (وضو/ غسل) (نه طهارت در بدن نه طهارت در لباس) اما مستحب است فرد دارای طهارت باشد هر چند به داشتن تیمم.

□ نماز میّت سلام ندارد مگر در صورت تقیه.

□ مستحب است نماز گزار مقابل وسط مرد (شکم) و سینه زن بایستد.

□ مستحب است در نماز میّت، فوت مؤمن را به مؤمنین اعلام کنند تا در مراسم تشییع او حاضر شوند.

□ بهتر است بعد از نماز همه به ویژه پیشنماز سر جای خود بایستند تا جنازه را بردارند.

□ بهتر است قبل از نماز سه بار بگوید "الصلاه".

□ خواندن نماز میّت در مساجد مکروه است بجز مسجدالحرام.

□ کسی که نماز میّت را به جماعت می خواند باید تکبیرها و دعاهای آن را هم بخواند اما مستحب است مأومم آهسته و امام جماعت با صدای بلند بخواند.

□ مأومم عقب امام بایستد.

□ بهتر است زن حائض در صفی تنها بایستد.

□ مکان نماز گزار باید از جای میّت پست تر یا بلندتر نباشد ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

□ نماز گزار نباید از میّت دور باشد مگر وقتی که در صف جماعت نماز میّت باشد.

□ نماز گزار باید مقابل میّت بایستد مگر وقتی که صف جماعت از دو طرف میّت بگذرد که بلامانع است.

□ بین نماز گزار و میّت حائل و فاصله ای نباشد (دیوار، پرده و...) مگر تابوت و نظیر آن.

□ سزاوارترین مردم به نماز میّت وارث اوست و شوهر به زنش اولی است.

فرشتگان و نماز بر میّت

موکلین انسان بعد از مرگش به خداوند می گویند: این بیچاره مُرد، آیا می توانیم به آسمان صعود کنیم؟

خطاب می رسد: مسّیحین در آسمان بسیارند، شما آنجا بمانید و بر سر قبرش نماز بگذارید. (۱)

تشیع

□ امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «چون میت را به کنار قبر بردی، ساعتی او را مهلت ده تا آماده پاسخ گویی به سؤال نکیر و منکر بشود.»

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وقتی مؤمن را در قبر می گذارند او را ندا کنند: اول عطایی که به تو دادیم، بهشت است و اول عطایی که به آنان که با جنازه تو آمدند دادیم، آمرزش گناهان است.»

□ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «اول تحفه ای که به مؤمن در قبر می دهند آن است که هر کس همراه جنازه او بوده است، می آمرزند.»

□ ایشان در حدیث دیگری فرمودند: «هر کس جنازه مؤمن را تا زمان دفن همراهی کند خداوند در قیامت هفتاد ملک بر او بگمارد که تا موقف حساب همراهیش کنند و برایش استغفار کنند.»

□ امام صادق (علیه السلام) در حدیث دیگری فرمودند: «هر کس یک طرف جنازه را بگیرد ۲۵ گناهش آمرزیده شود، اگر چهار طرف را بگیرد از گناهان بیرون آید.» [ظاهراً منظور ۲۵ درصد بوده است.]

□ هر که جنازه ای را تشییع کند خداوند بر او ملائکه ای موکل کند که دارای پرچم هایی هستند و او را از قبر تا محشر تشییع کنند. (۱)

□ امام سجاد (علیه السلام) وقتی جنازه ای می دیدند می فرمودند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ.» «خدا را سپاس می گویم که مرا از جمله ی سیاه رویان هلاک شده قرار نداد.»

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای علی! جبرائیل برای هفت عمل آرزو کرد، که از بنی آدم باشد: «نماز جماعت، همنشینی علما، اصلاح بین مردم، نوازش یتیم، عیادت مریض، تشییع جنازه و آب دادن به حاجیان. پس تو در این کارها کوشا باش.» (۱)

□ امام رضا (علیه السلام) به موسی بن سیار فرمودند: «ای موسی! هر کس جنازه دوستی از دوستان ما را تشییع کند گناهانش آمرزیده و همانند روز تولدش پاک و مطهر می شود.» (۲)

□ با جنازه، سواره رفتن مکروه است.

□ بهتر است اول جانب چپ جنازه (دست راست میّت) را به دوش راستش بردارد، سپس پای راست میّت را به دوش راست بردارد، بعد به پشت جنازه برود، پای چپ میّت را به دوش چپش بردارد و سپس دست چپ میّت را بردارد (ترییع جنازه).

□ مستحب است عقب یا پهلو ی جنازه ی مؤمن راه برود (اگر چه جلویش هم راه برود خوب است اما افضل نیست) و اگر خلافکار است عقب جنازه راه برود زیرا از جلو ملائکه او را با عذاب استقبال می کنند.

۱- نصابیح، ص ۲۶۵، ح ۲۴.

۲- منتهی الآمال، ج ۲.

□ در حال برداشتن جنازه این دعا را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.»

□ تشییع کردن جنازه برای زنان سنت نیست.

□ چهل مؤمن بر جنازه حاضر شوند و بگویند: «اللَّهُمَّ إِنَّا لَنَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا.» زیرا رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اول چیزی که بعد از مرگ در عنوان نامه ی مؤمن می نویسند سخنی است که مردم در حق او گویند؛ اگر خیر گویند خیر می نویسند و اگر بد گویند بد می نویسند.»

□ مکروه است بر تشییع کنندگان خندیدن و سخن باطل گفتن.

دفن

باید میت در زمین پوشانده شود (نه در بناء و...) به نحوی که بدنش را از درندگان حفظ کند و مانع انتشار بویش به اطراف شود.

بدن رو به قبله خوابانده شود؛ به طوری که جلوی بدن رو به قبله و بر پهلو راست، دراز شده باشد، اگر ممکن نبود آن وقت بر دست چپ رو به قبله خوابانند.

□ مستحب است گودی قبر به قدر قامت معتدل انسان باشد. در صورت ایستادن در قبر، لب قبر حداقل به محاذات گردن باشد. افضل آن است که عمق قبر معادل سرا پای قامت یک انسان معتدل القامه باشد، حداقل فضل آن است که گودی آن تا گردن برسد.

□ قبر را به شکل مربع یا مربع مستطیل بسازند بهتر است.

□ خوبست میت را در نزدیک ترین قبرستان دفن کنند مگر آن که دفن در مکانی دورتر، از جهتی بهتر باشد.

□ مستحب است جنازه را در فاصله حدود ۲-۳ ذراع (۵/۱ متر) نزدیک قبر زمین بگذاریم: اگر مرد است جنازه را پایین پای قبر بگذاریم (سرش طرف پای قبر باشد)، جنازه تا ۳ بار زمین گذارده شود و در نوبت چهارم از طرف سر او را وارد قبر کنیم (یا در نوبت سوم)؛ اگر زن است او را طرف جلوی قبر که طرف قبله است بگذارند و او را از پهنا وارد قبر کنند (پا و سر هیچ کدام اول وارد قبر نشود بلکه جلوی بدن رو به آسمان باشد و پشت بدن رو به گودی قبر و این طوری وارد قبر شود). تا سه بار گذاشتن و برداشتن ندارد بلکه با همین یک دفعه برداشتن (از فاصله ۵/۱ متری) به سمت قبر برده و در آن گذاشته شود.

□ مستحب است اگر میت مرد است بیگانه و غیر محارم وارد قبر او شود تا جنازه را بگیرد اما اگر میت زن است زوج از همه اولی است، سپس محارم، سپس یک زن صالح و سپس یک مرد صالح.

□ معمولاً گره بالای سر و پایین پا و وسط بدن به کفن زده می شود، مستحب است گره های کفن از سمت سر و پا (نه وسط بدن) گشوده شود.

□ وقتی خواستند جنازه را وارد قبر کنند، کسی که داخل قبر می رود از طرف پای قبر که باب قبر است وارد شود و چنین بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ.»

□ بهتر است این شخص سر برهنه و پا برهنه باشد، بند لباسش گشاده باشد و با طهارت باشد. سپس میت را بگیرد و اگر مرد است از طرف

سر و اگر زن است از پهنا داخل قبر کند و در همان حال بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ اَللَّهُمَّ اِيْمَانًا بِكَ وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ هَيْدًا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ اَللَّهُمَّ زِدْنَا اِيْمَانًا وَ تَسْلِيمًا».

□ سپس او را به جانب راست بخواباند و روی او را به سمت قبله کند. بندهای کفنش را از سمت سر و پا باز کند و صورت میت را از سمت راست روی خاک قبر بگذارد و چیزی از تربت امام حسین (علیه السلام) (حتی الامکان در چهار طرف قبر) با او بگذارد و او را تلقین شهادتین دهد. بعد از آن که میت را در لحد گذاردند و گره ها را باز کرده و صورتش را روی خاک نهادند، از خاک بالشی زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد.

□ پیش از آن که لحد را بپوشانند، دست راست را به شانه راست میت بزنند و دست چپ را با قوت بر شانه چپ میت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدت حرکتش دهند و بگویند:

«يا فلان بن فلان اذْكُرِ الْعَهْدَ الَّذِي خَرَجْتَ عَلَيْهِ مِنْ دَارِ الدُّنْيَا شَهَادَةً اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله و سلم) عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّ عَلِيًّا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

ائمه المؤمنين و حُجِّجَ اللهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ ائْتَمَّتْكَ ائِمَّةُ الْهُدَى الْاَبْرَارُ.»

«اسْمِعْ اِفْهَمْ يَا فُلَانُ بِنِ فُلَانٍ هَلْ اَنْتَ عَلَي الْعَهْدِ الَّذِي فَاْرَقْتُنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه و آله و سلم) عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّنَّ وَ خَاتَمِ الْمُرْسَلِيْنَ وَ اَنَّ عَلِيًّا امير المؤمنين وَ سَيِّدُ الْوَصِيَّيْنَ وَ اِمَامُ الْاَقْرَضِ اللهُ طَاعَتَهُ عَلَي الْعَالَمِيْنَ وَ اَنَّ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بِنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرِ بِنِ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بِنِ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بِنِ مُوسَى وَ مُحَمَّدِ بِنِ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بِنِ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ بِنِ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صِيْلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ ائِمَّةُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ حُجِّجَ اللهُ عَلَي الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ وَ ائْتَمَّتْكَ ائِمَّةُ هُدَى اَبْرَارُ.»

يا فُلَانُ بِنِ فُلَانٍ اِذَا اَتَاكَ الْمَلِكُ الْمَقْرَبَانِ رَسُوْلَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَيِّئًا لَكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِيْنِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ ائِمَّتِكَ فَلَاحْ تَخَفْ وَ قُلْ فِيْ جَوَابِهِمَا اللهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ (صلى الله عليه و آله و سلم) نَبِيِّ وَ الْاِسْلَامِ دِيْنِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَ امير المؤمنين عَلِيُّ بِنِ ابيطالِبِ اِمَامِي وَ الْحَسَنُ بِنِ عَلِيٍّ الْمُجْتَبِي اِمَامِي وَ الْحُسَيْنُ بِنِ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءِ اِمَامِي وَ عَلِيُّ بِنِ زَيْنِ الْعَابِدِيْنَ اِمَامِي وَ مُحَمَّدُ

الباقر امامى و جعفر الصادق امامى و موسى الكاظم امامى و على الرضا امامى و محمد الجواد امامى و على الهادى امامى و الحسن العسكرى امامى و الحجة المنتظر امامى هُوَ لَاءِ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي وَ سَادَتِي وَ قَادَتِي وَ شَفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَ مِنْ أَعْيَادِهِمْ أَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ إِعْلَمُ يَا فُلَانُ بِنِ فُلَانِ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) نِعَمَ الرَّسُولِ وَ أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ أَوْلَادَهُ الْأَيْمَةَ الْوَاحِدَةَ عَشْرَ نِعَمَ الْأَيْمَةِ وَ أَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النَّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَائُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.

پس می گویند: أَفْهِمَتْ يَا فُلَانُ؟ تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَ هَيَّدَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، عَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ.

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ اصْعِدْ بَرُوحِي إِلَيْكَ وَ لَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا. اللَّهُمَّ عَفْوِكَ. (١)

□ سپس بر میت خاک بریزد و حاضران غیر از ارحام میت با پشت دست هایشان بر او خاک بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا.»

□ آنگاه از سمت پاهای میت بیرون بیاید، قبر را با خاک خود قبر پر کند تا حدی که از زمین به قدر چهار انگشت بلندی پیدا کند، روی سر قبر خشتی یا لوحی به عنوان علامت قرار دهد و بعد بدین شکل بر قبر آب بریزد: اول آب را از سمت سر بریزد بعد آب را دور چهار طرف قبر بگرداند تا دوباره به ناحیه سر برسد و اگر آب باقی ماند بر وسط قبر بریزد؛ کسی که آب می ریزد رو به قبله بایستد بعد از آب پاشیدن حاضران دست ها را بر قبر بگذارند و انگشت ها را باز کرده و در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره قدر بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند:

«اللَّهُمَّ جِافِ الْأَرْضِ عَنِ جَنبِيهِ وَاصْعَدِ إِلَيْكَ رَوْحَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأُسْكُنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَغْنِيهِ بِهِ عَنِ رَحْمِهِ مِنْ سِوَاكَ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحَشَتَهُ وَارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَأُسْكُنْ رَوْعَتَهُ وَصَلِّ وَحَدِّتَهُ وَأُسْكُنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ وَاحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ.»

□ کسی که به میت نزدیک تر و سزاوارتر است زود از قبر بلند نشود و بگوید: «يا فلان بن فلان الله ربُّك و مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ الْقُرْآنُ كِتَابُكَ وَ الْكَعْبَةُ

قَبْلَتِكَ وَ عَلِيٍّ إِمَامِيكَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ الْمَهْدِيُّ صِيَامَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَيْمَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ أَيْمَتُكَ أَيْمَةُ الْهُدَى الْأَبْرَارِ.»

□ معنای نهادن صورت برهنه میت روی خاک شاید این باشد: «خدایا بهترین جاهای خود را که موجب شرف و آبروی من بوده اینک در مقابل مقام عظمت و جلال تو به روی خاک می نهم.»

□ چهار گوشه قبر، تربت سیدالشهداء بریزند؛ دستبند و گلوبندی از تربت برای او قرار دهند و روی چشم ها تربت بگذارند.

□ روی جریدتین با انگشت شهادت های سه گانه را بنویسند.

□ مستحب است قبر را به قدر چهار انگشت باز، حداکثر تا یک وجب، نه بیشتر، بلند کنند.

□ مستحب است قبر را هموار و صاف کرده به شکل تپه و گرده ماهی در نیاورند. (۱)

□ سر سلامتی و دلداری دادن به مصیبت زدگان مستحب است.

□نسخه همراه میت را نوشته، بیچند و مهر کنند، در طرف راست میت با جریده بگذارند، صحیفه با سر چوبی و کافور نوشته شود و معطر و خوشبو نباشد. پیش از نوشتن بگوید:

بسم الله الرحمن الرحيم. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. آنگاه بنویسد: بسم الله الرحمن الرحيم. شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَيَّمُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فلان بن فلان) أَشْهَدَهُمْ وَاسْتَوْدَعَهُمْ وَأَقَرَّ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مُفَرِّجُ بَجْمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أَيْمَّتُهُ وَأَنَّ أَوْلَهُمُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرَ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَبَنِي آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ جَاءَ بِالْحَقِّ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَالْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْتَخْلَفَهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِّيًّا لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَنَّ فَاطِمَةَ

بُنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَابْتَيْهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ابْنَيْ رَسُولِ اللَّهِ وَ سِبْطَاهُ وَ إِمَاماً الْهُدَى وَ قَائِداً الرَّحْمَةَ وَ أَنْ عَلِيّاً وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفراً وَ موسى وَ عَلِيّاً وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّهَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْمَهُ وَ قَادَهُ وَ دُعَاةً إِلَى اللَّهِ جَلَّ وَ عَلاَ وَ حُجَّهً عَلَى عِبَادِهِ. پس بگوئید: یا شهود ای فلان و ای فلان که در این نوشته نام برده شده آید، برای من این شهادت را نزد خودتان ثابت کنید تا مرا به آن در نزد حوض کوثر ملاقات کنید پس شهود بگویند: «ای فلان نَسِيْتُودِعُكَ اللَّهُ وَالشَّهَادَةَ وَ الْأَقْرَارُ وَ الْإِخَاءُ مَوْدُوعَهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ نَقَرْتُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.» پس صحیفه را به هم بیچند و به مهر شهود و مهر میت مختوم کنند. (۱)

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از خواندن نماز مستحب و دفن کردن مردگان در سه وقت، نهی فرمودند: از هنگام طلوع فجر تا برآمدن آفتاب، اول ظهر و نزدیک غروب تا خود غروب. (۲)

قبرستان

آنچه در قبرستان توصیه شده انجام شود:

۱- مفاتیح الجنان.

۲- نصابیح، باب سوم، فصل دوم، ص ۱۰۵.

۱. خواندن ۱۱ بار سوره توحید؛ هر که چنین کند خداوند به عدد مردگان قبرستان به او ثواب و پاداش دهد. (۱)

۲. خواندن آیه الکرسی؛ در تفسیر منهج الصادقین آمده است، اگر کسی به قبرستان برود و آیه الکرسی بخواند و ثوابش را به مرده ها اهداء کند، قبر مؤمن یا مؤمنه ای در مشرق و مغرب نمی ماند مگر نوری در قبرش وارد می شود و به میت می گویند: این هدیه فلان شخص است و برای خودش به هر حرفی از آیه الکرسی (۷۵ حرف دارد) خداوند ملکی می آفریند که تا قیامت تسبیح می گوید و ثوابش برای خواننده است. (۲)

۳. خواندن سوره قدر ۷ بار.

۴. خواندن سوره قدر و سپس بگوید: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضِ عَنِ جُنُوبِهِمْ وَ صَاعِدِ إِلَيْكَ أَرْوَاحَهُمْ وَ زِدْهُمْ مِنْكَ رِضْوَانًا وَأَسْكِنِ إِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَ خِدَّتَهُمْ وَ تُوْنِسُ وَ حَسَّتَهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ خواننده و میت هر دو از فرع اکبر ایمن شوند. (۳)

۵. خواندن سوره یس. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر کس سوره یس را در گورستان بخواند خداوند عذاب اهل قبور را آن روز تخفیف دهد و به عدد مردگان قبرستان برایش حسنات نویسد و از او سیئات محو کنند. (۴)

۱- معادشناسی، ج ۳، ص ۲۳۱.

۲- سرای دیگر، ص ۲۴۰.

۳- مفاتیح الجنان؛ منتهی الامال، ج ۲، ص ۵۶۶.

۴- ختوم و اذکار، ج ۱، ص ۱۵۱.

۶. دعای زیارت اهل قبور را بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ أَهْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا أَهْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَيْفَ وَحَدِيثُ قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِغْفِرْ لِمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَحْشُرْنَا فِي زُمْرِهِ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ.»

اصبغ بن بناته از امیرالمؤمنین (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل می کند: هر وقت کسی به گورستان آید و این دعا را بخواند گناهان پنجاه سالش بخشوده شود.

از حضرت سؤال شد: یا رسول الله! اگر کسی پنجاه سال گناه نداشت؟ فرمودند: گناهان پدر، مادر، برادران یا مسلمانان دیگر بخشوده می شود. (۱)

۷. سید بن طاووس در مصباح الزائر نقل می کند: چون قصد زیارت قبور مؤمنان را داشتی سزاوار است که در روز پنجشنبه باشد و گرنه در هر وقتی که بخواهی مطلوب و مرغوب است و طریق زیارت این است که رو به قبله کنی و دستت را بر قبر گذاری و بگویی: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُرْبَتَهُ وَ صِلْ وَحَدَّتَهُ وَ أَنْسِ وَحَشَّتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ اسْكُنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ وَ الْحَقُّ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ، سپس سوره ی اِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را هفت مرتبه قرائت کن.» این دعا از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است. (۲)

۱- در محضر عارفان، ص ۷۵.

۲- معاد شناسی، ج ۳، ص ۲۲۹ الی ۲۳۱.

۸. عبدالله سنان از اباعبدالله الصادق نقل می کند که از ایشان سؤال کردم: كَيْفَ التَّسْلِيمِ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ؟ سلام بر اهل قبور چگونه است؟

فقال: نعم، تقول: «السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنِشَاءُ اللَّهِ بِكُمْ لِأَحْقُونَ.» (۱) «سلام بر اهل این دیار از مؤمنین و مسلمین، شما بر ما پیشی گرفتید و ما انشاءالله به شما ملحق شونده ایم.»

آنچه باید در قبرستان رعایت شود

□ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: در هفت جا سخن گفتن مکروه است و هر کس در اینجاها غیر ذکر سخنی گوید تا چهل روز دعایش مستجاب نشود: «به دنبال جنازه، در قبرستان، بالای سر مریض، در مجلس علم، در مسجد، در حال جماع، در حال مصیبت.» (۲)

□ امام کاظم (علیه السلام) فرمودند: «سه کار خطر جنون دارد: قضای حاجت در قبرستان، با یک لنگه کفش راه رفتن (به هم زنده تعادل) و تنها خوابیدن.» (۳)

□ با وضو وارد قبرستان شوید.

□ بی سلام و دعا از قبرستان نگذرید.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۸.

۲- نصاب، ج ۲۳، ص ۲۶۵.

۳- نصاب، ص ۱۵۰، ح ۳۰۱.

□ حتی الامکان روی قبور راه نروید.

□ نخندیدن (چون علامت غفلت است).

□ نخواندن نقش روی قبرها.

□ اول، سر قبر پدر و مادر بروید.

□ روی قبر یا پهلوی قبر یا موازی قبر نماز نخوانید.

□ به زیارت قبور علما و صالحین بروید.

□ وقت فاتحه خواندن رو به قبله بنشینید و دست بالای سر قبر بگذارید.

□ دور قبر طواف نکنید مگر قبر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) یا امام معصوم (علیه السلام).

ص: ۱۱۷

بخش سوم: گذری به برزخ

اشاره

گذری به برزخ

□ از امام باقر (علیه السلام) پرسیدند: مرگ چگونه است؟

فرمودند: «آدمی که خوابیده است گاهی خواب خوش می بیند و گاهی خواب پریشان؛ شما هم وقتی از دنیا می روید مثل آدمی هستید که به خواب می رود؛ یا خواب خوب می بیند و یا خواب بد، منتها در دنیا مدت خواب کوتاه است ولی در آخرت مدت آن ابدی است.»

□ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند: «لحظه ای که انسان می خواهد از این دنیا برود و وارد عالم برزخ شود، یعنی روز آخر دنیا و روز اول آخرت که هنوز تعلقش را به این دنیا کاملاً از دست نداده است، سه چیز مقابل انسان مجسم می شود:

□ اولین چیزی که مقابل انسان مجسم می شود مال و ثروت است. انسان به او می گوید: من برای تو خیلی حرص زدم، به خاطر جمع کردن تو خیلی زحمت کشیدم و تو امروز برای من چه خواهی کرد؟

مال جواب می دهد: من الآن به اندازه کفنت به تو می دهم.

□ دومین چیزی که مقابل انسان مجسم می شود اولاد است.

(تمام زندگی بشر صرف اولاد می شود، طوری که خود را فراموش می کند،

دعاهایش هم خاص اولاد می شود و فکر و ذکر بشر در این دنیا اغلب مشغول اولاد است.) آن لحظه به اولاد می گوید: تو حالا برای من چه خواهی کرد؟ اولاد می گوید: من تو را به خانه قبرت می برم، روی تو خاک می ریزم و برمی گردم.

□ بعد به سوّمین چیز، یعنی عمل نگاه می کند و به او می گوید:

ای عمل! من در دنیا از تو خیلی گریزان بودم [بیداری شب برایم مشکل بود، خلوت کردن با خدا برایم سخت بود، روزه گرفتن، برایم سخت بود و...]

ای عمل! اکنون تو در کنار من هستی، برایم چه خواهی کرد؟ عمل خطاب می کند: از آن لحظه که تو را می گذارند در قبر تا قیامت من از تو جدا نمی شوم، در همه مراحل برزخ، عمل است که به داد انسان می رسد و زمانی که انسان در خاک گذاشته می شود به او می گویند: «وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى» (۱) «اکنون تنها به نزد ما آمده ای.» ای کاش به انسان می گفتند حتی عملت را هم نیاورده ای، ولی بدبختی اینجاست که در این تنهایی، انسان واقعاً تنها نیست، کسی با او همنشین است، کسی که یا یک دوست خوب است و مهربان و یا یک همنشین سیاه روی بد منظر.

انسان موقع خواب روحش را به خدای خود تحویل می دهد. اگر شخص در طول روز آبرویی کسب کرده باشد هنگام خواب، روح، آبرومند به خدمت خدا می رود ولی اگر در طول روز آبرویی کسب نکرده باشد و از خدا فاصله گرفته باشد، شب روحی آلوده به خداوند تحویل می دهد. اگر روح، پاک به خدمت خدا برود، از برخی اسرار عالم برزخ بهره می گیرد و بعد مجدد به عالم طبیعت برمی گردد. بسیار بودند کسانی که در عالم خواب به علومی

دست یافتند، گره های پیچیده مباحثات علمی شان در عالم رویا گشوده شد، یا حتی مکاشفه را در عالم رویا از خدا گرفتند. حقیقت این است که اگر شما در مسیر اهل بیت و ولایت قرار بگیرید؛ خواب شما، جزء برتر زندگی شما خواهد بود و نه جزء هدر رفته زندگی شما.

روح جسمیت ندارد اما قابل درک است. روح سیلان دارد، به راحتی جابه جا می شود، به راحتی می تواند از مکانی به مکان دیگر برود و هیچ حائلی بر سر راه روح وجود ندارد. اگر روح شما از جایی خبر نمی گیرد، شما آن را اسیر کرده اید.

□ اگر ارواح مؤمنین از کسی راضی شوند؛ دعای خیرشان در حق او، به استجابت نزدیک تر است. اگر از کسی ناراضی و خشمگین شوند؛ نفرین نمی کنند، ولی برزخ می شوند، در نتیجه در زندگی شما، گره می افتد و مدام برایتان مشکل پیش می آید.

□ اگر روح مرده ای به خواب نزدیکانش نمی آید؛ دو علت دارد:

علت اول: اینکه جایگاه آن روح بسیار خوب است و آنقدر به آن روح خوش می گذرد که به یاد شما نمی افتد. (برزخ، آنقدر شیرین است که اگر انسان در همین دنیا هم در عالم کشف و شهود، بخشی از حقایق آن را تجربه کند نمی خواهد به عالم دنیا بازگردد چه برسد به اینکه از دنیا برود که برزخ برایش کاملاً واضح می شود.)

علت دوم: این است که از خیر شما قطع امید کرده است؛ می داند که خیری از شما به او نمی رسد، می خواهد نفرین کند اما جلوی او را می گیرند، به خاطر اینکه نفرین، یک اثرش به گوینده آن برمی گردد (اگر روح مؤمن باشد جلوی نفرین کردنش را می گیرند؛ اما اگر کافر باشد که زبانش هرز می چرخد).

□ در روایت از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که اموات هر ظهر، به خانه هایشان سر می زنند. در یک روایت دیگر آمده است که هر شب جمعه روح به صورت یک کبوتر می آید (شاید منظور حالت پروازی روح است و یا اینکه واقعاً در قالب مثالی کبوتر می آید) و منتظر است که ببیند آیا کار خیر از طرف شما به خاطر او انجام می شود. اگر از او یاد کردید خوشحال می شود و شما را دعا می کند و آن دعا گره ای از گره های زندگی شما را باز می کند.

□ اگر کسی می خواهد با اموات مورد نظر خود رابطه برقرار کند؛ یک راه این است که به نیت آن روح ۱۰۰۱ بار استغفار کند:

«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ».

بعد به نیت او به فقیر، محروم، ابن السبیل و امثال آن صدقه بدهد و سپس ۱۰۰۱ بار یا ۴۰۰۰ بار به نیت او صلوات بفرستد. اگر باز هم ارتباط برقرار نشد، معلوم می شود که مشکل زیاد است؛ یا اوضاع این روح خیلی خراب است، یا اینکه از شما بسیار ناراضی است، بنابراین از آن به بعد باید یکسره هر عملی انجام می دهد و هر صدقه ای که کنار می گذارد به نیت او هم انجام دهد و از اعمال خیر، آنقدر به او ببخشد تا راضی شود.

برزخ محله به محله است؛ یک محله آن، محله مستضعفین شیعه است، یک محله اش، محله علماست؛ یک عده معلم هستند و یک عده شاگرد، آنها کتاب و قلم ندارند زیرا برزخ محل مشاهده حقایق است.

در برزخ، علم، شهودی است؛ گاهی نمونه هایش در این عالم هم ظاهر می شود، نقل کرده اند: یکی از شاگردان آیت الله بهاء الدینی کُند ذهن بود ولی سخت مشتاق فراگیری علوم الهی بود؛ با وجودی که درس را نمی فهمید باز هم بر سر کلاس حاضر می شد، این شخص از دنیا رفت؛ پس

از مدتی در یکی از کلاس های خصوصی، آیت الله بهاءالدینی برای شاگردان کلاسشان تعریف کردند که این شخص با من رابطه برقرار کرد و در یکی از مباحث طهارت با من بحث کرد و من مغلوب او شدم و در عالم برزخ آنچنان به او علم آموختند که در استدلال بر من غلبه کرد.

□ شیخ محمد تقی آملی از شاگردان آیت الله قاضی بود، از برنامه های سیدعلی قاضی یکی این بود که به وادی السلام نجف می رفت؛ حدود دو سه ساعت بین قبرها می گشت و تفکر می کرد، شاگردانش کنجکاوانه به دنبالش می رفتند تا ببینند او چه می کند و چه می گوید، اما به نتیجه ای نمی رسیدند و خسته می شدند. یکی از شاگردان ایشان شیخ محمد آملی تعریف کرده بود: «در ذهنم می آمد که او برای چه به اینجا می آید، آدم به قبرستان می آید؛ می خواهد یک ثوابی ببرد؛ یک فاتحه ای بخواند و برود. او که عالم است باید برود به دنبال درس و بحث، چرا وقتش را این همه مدت در اینجا می گذراند.

یک روز در حجره ام مشغول درس خواندن بودم؛ خسته شدم، خواستم پایم را دراز کرده و استراحت کنم، اما مردّد ماندم که آیا با وجود کتاب های دینی جایز است انسان پایش را دراز کند؟ در نهایت با خود گفتم انشاءالله که اگر پایم را از زیر پتو دراز کنم، دیگر اشکالی نخواهد داشت، و چنین کردم.

فردا صبح به هنگام ورود به کلاس درس، آیت الله قاضی بدون مقدمه به من گفت: «دراز کردن پاها حتی در زیر پتو، مقابل کتب علوم دینی جایز نیست.» بسیار متعجب شدم، هول زده پرسیدم: از کجا فهمیدید؟! من به کسی چیزی نگفته بودم!

استاد فرمود: «از وادی السلام!»

بهشت

قرآن می گوید بهشت يك حقیقتی دارد، آن حقیقت بدست شما ساخته می شود. در سوره دهر در وصف آنهار بهشتی می فرماید: «يُفَجَّرُ نَهَا تَفَجِيرًا». نهر بهشت را بهشتی جاری می کند، نهر عسل، حاصل علم شماست. عسل، مصفاست، به شرطی که علمت هم علم تصفیه شده باشد «لَذَّةٍ لِّشَارِبِينَ».

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمودند: هر کس هنگام مفارقت روح از بدن، سه چیز ندارد اهل بهشت است: تکبر، قرض و خیانت. (۱)

ص: ۱۲۵

بخش چهارم: آری، به راستی می شود زیبا مرد

اشاره

در بخش پایانی کتاب، به روزها و ساعات پایانی عمر دنیایی بعضی از علماء و شهداء که زیبا زیستند و زیبا نیز از این عالم فانی به جهان پایدار سفر کردند، نگاهی می اندازیم، نگاهی که می تواند سرشار از هدایت و عبرت باشد و راه پیش رویمان فضای مقابلمان را علی رغم همه ی ظلمات متراکم دنیوی، منور و روشن سازد.

امام خمینی «رضوان الله تعالی علیه»

پس از آنکه پزشکان تصمیم خود را مبنی بر بستری شدن امام در بیمارستان اعلام کردند، امام هنگام وداع اهل منزل به ایشان گفتند: «من برای همیشه از پیشستان می روم و دیگر باز نخواهم گشت.» وقتی اهل منزل با امیدواری گفتند شما بر می گردید در حالیکه دوباره سلامتی خود را باز می یابید، تکرار فرمودند: «اما این بار می دانم باز گشتی در کار نیست.» سپس به فاطمه خانم همسر سید احمد آقا گفتند «به پدرتان تلفن بزنید و بگویید برایم دعا کند و از خداوند بخواهد که مرا بپذیرد و عاقبت مرا ختم به خیر گرداند.»

هنگامی که منزل را برای رفتن به بیمارستان ترک می کردند، حاج احمد آقا کنار در ایستاده بود. امام با اشاره ایشان را به نزدیک خود فرا خواندند و سپس گونه او را بوسیدند، منظره ای که تا آن زمان کسی مشاهده نکرده بود و این خود گویای آگاهی امام از رفتن بی بازگشت خویش بود. (۱)

در بیمارستان یکی از بستگان امام به ایشان گفته بود که این بیماری چیزی نیست و حال شما خوب خواهد شد. امام فرموده بودند:

«نه آمدنش چیزی هست و نه رفتنش چیزی هست و نه مرگش چیزی هست، هیچ کدام از این ها چیزی نیست.» (۲)

حاج احمد آقا چند روزی پس از ارتحال امام از قول مادر گرامی اشان

۱- حجه الاسلام آشتیانی، مرزداران، ش ۱۹۳

۲- حجه الاسلام امام جمارانی- روزنامه جمهوری اسلامی، ویژه اربعین سال ۶۸

— که رحمت و رضوان الهی بر هر سه عزیز باد — نقل کردند: حدود یک ماه و نیم قبل از عمل جراحی، حضرت امام خوابی دیدند و برای همسرشان تعریف کردند با این تذکر که در زمان حیاتشان راضی نیستند ایشان برای کسی تعریف کند. ایشان در عالم رؤیا دیده بودند که فوت کرده اند و حضرت علی (علیه السلام) ایشان را غسل و کفن کردند و بر ایشان نماز خواندند و سپس امام را در قبر گذاشته از ایشان پرسیدند: « حالا راحت شدید؟ »

امام گفتند: « سمت راستم خستی است که ناراحتم می کند. » حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دستی به ناحیه راست بدن امام کشیدند و ناراحتی امام برطرف گردید. (۱)

۱- غلامعلی رجایی، برداشت هایی از سیره امام خمینی، ص ۳۰۲

شهید محراب آیه الله مدنی

از ایشان نقل کرده اند که فرموده بود: من در دو موضوع نسبت به خودم شک کردم، یکی اینکه آیا واقعاً من از اولاد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هستم؟ دیگر اینکه آیا من لیاقت آن را دارم که در راه اسلام شهید بشوم یا نه؟ روزی به حرم اباعبدالله الحسین (علیه السلام) رفتم و در آن جا با ناله و زاری از امام خواستم که جوابم را بدهد. پس از مدتی یک شب امام حسین (علیه السلام) را در خواب دیدم که بالای سرم آمد و دستی به سرم کشید و فرمود: «یا بُنَّیَّ انت مقتول»

ای فرزندم، تو کشته می شوی. در این جواب، پاسخ هر دو سؤال را گرفتم.

گویند: آیه الله مدنی و آیه الله دستغیب، آیه الله صدوقی و حجه الاسلام دکتر هاشمی نژاد مدتی قبل از شهادت به بارگاه امام رضا (علیه السلام) مشرف شدند و وقتی ضریح امام را غبار رومی می کردند هر کدام دو رکعت نماز حاجت خوانده از خداوند شهادت در راه اسلام را خواسته بودند. (۱)

سرانجام این امام جمعه بزرگوار و دانشمند، در روز جمعه ۲۰ شهریور، پس از ادای نماز جمعه، در حال عبادت پس از نماز، هدف حمله انتحاری یکی از منافقین قرار گرفت و اجابت دعای خود را از درگاه کبریایی دریافت کرد.

آیه الله صالحی مازندرانی

این مرجع عالیقدر، مردی با همت و اراده بسیار قوی و طهارت نفس بود که در مبارزات علیه رژیم ستمشاهی به هر شکل ممکن نقش آفرینی نمود. از ایشان نقل است که فرموده بودند: «من در این مسیر، شفاف، نورانی و در نور حرکت می کنم.»

(۱)

دو روز قبل از ارتحال، یکی از اعضاء بیت معظم له، ایشان را می بیند که در حیاط منزل قدم می زند و زیر لب زمزمه می کند. همسر ایشان شب هنگام قضیه را از آقا سؤال می کند. ایشان می فرماید: «برای وداع آماده می شدم»، سپس در عکس العمل به ناراحتی همسرشان از این جمله می گوید: «به هر حال باید آماده ی رفتن بود.»

دو روز بعد صبح روز جمعه، بدون هیچ بیماری قبلی، در حال برگشت از پیاده روی، پس از مکالمه ای دو دقیقه ای با یکی از آشنایان، در یک لحظه روح از بدنشان پر می کشد و به دیار باقی می شتابد. رضوان خدا بر او باد.

شیخ بهائی

روزی در اواخر عمر، شیخ با اصحاب خویش به قبرستان تخت فولاد اصفهان رفت تا اهل قبور را زیارت کند. پس از مدتی از دوستان فاصله گرفت و بر سر قبری رفته با صاحب قبر به مکالمه پرداخت. دوستان صدایی می شنیدند اما کیفیت مکالمه را نمی فهمیدند. سپس شیخ بهایی از سر قبر برخاست و عبای خود را بر سر کشید و با احدی سخن نگفت و به خانه برگشت و دستور داد در خانه را بستند و به هیچ کس اجازه دخول ندادند تا تقریباً یک هفته گذشت که شیخ بزرگوار عالم فانی را وداع کرد و بر حسب وصیت، پیکر مبارکش را در جوار حرم امام رضا (علیه السلام) در گوشه صحن مطهر دفن کردند. (۱)

صبح روز جمعه، گوهر_ دخترک فریب خورده منافق _ آخرین تمرین ها را برای ترور انجام داد. نزدیک ساعت ۱۱ ظهر بمب را به وسیله کمربندی روی شکم گوهر بستند و به منطقه عملیات گسیل داشتند. آن روز، بر خلاف روزهای دیگر که آقا پشت میز خود می نشست، در اتاق خود حرکت کرده مدام ذکر لاحول ولا قوه الا بالله را به زبان می راند. وقت رفتن که رسید آقا تجدید وضو کرد، بر در خانه ایستاد، شال سبزش را بر کمر محکم کرد و گفت انا لله و انا الیه راجعون سپس به سوی محل نماز جمعه حرکت کرد.

گوهر در گوشه ای از کوچه منتظر بود. به بهانه این که من باردارم در خانه ای را کوبیده و آب طلئید. خانمی که در را باز کرده بود به داخل رفت تا لیوان آبی برای او بیاورد، با پیدا شدن آقا و پاسداران همراهش، گوهر از کنار در خانه برخاست، خود را شتابان به ایشان رساند و ناگهان آتش سهمگین، همه کوچه را در میان شعله های خود گرفت. یکطرف بدن آقا قطعه قطعه شد، نه پاسدار همراه ایشان به شهادت رسیدند، از گوهر نیز جز سری باقی نماند. مردم اجتماع کردند تا در مراسم خاک سپاری این عارف مبارز شرکت کنند. به علت پارگی های شدید در اعضاء بدن، بدن آقا را غسل ندادند، به تیمم اکتفا کردند. وقتی کفن آقا را آوردند تا بدن را در آن بپیچند، کیسه کوچکی در میانش یافتند، کسی راز آن را نفهمید، لاجرم کیسه را به کناری نهادند و بدن را کفن و دفن کردند. یک هفته بعد به دفتر ایشان خبرهایی پی در پی می رسید، خبر آن بود که خانم سیدی در خواب آقا را در باغ بزرگی در میان چمنزاری سرسبز ایستاده دیده بود در حالیکه چند بار فرموده بود: به آنها بگو

تکه های بدن من را که لای دیوار است به من ملحق کنید. ابتدا اعتنایی نشد اما با گذری از محل حادثه با اندکی دقت فهمیدند لا به لای آجرها تکه های گوشت وجود دارد، آن ها را جمع آوری کردند به اندازه کیسه ای کوچک شد! تکه های گوشت را در همان کیسه کوچکی که ایشان از قبل در کفن خود نهاده بودند قرار دادند تا بقیه بدن نیز به پیکر شهید ملحق گردد. سلام خدا بر همه شهیدان راه حق. (۱)

شهید شیخ عبدالله میثمی

شهادت به حقیقت شمع محفل بشریتند. در نور حرکت می کنند، با نور پیش می روند، از خود نور می تابانند و تاریکی ها را از مقابل دیدگان محبوب دیگران کنار می زنند. ساعات قبل از شهادت آنان پر از خاطره و نورانیت است. یکی از این شهدا، حاج عبدالله میثمی، مبلغ فعال جبهه های دفاع مقدس بود. روزی نزد ایشان آمدند و از او خواستند با طلبه ای که دو برادرش شهید شده بود و سخت مشتاق شرکت در عملیات بود صحبت کند و گفتند خانواده او دین خودشان را ادا کرده اند، نگذارید به داغ سومین پسر خود مبتلا شوند. ایشان پاسخی نداد اما چندی بعد یکی از دوستان نزدیک را نزد خود طلبید و گفت: چند نفر آمده اند پیش من، خواسته اند با آن طلبه صحبت کنم و منصرفش کنم. ولی هر چه به صورت او نگاه می کنم می بینم روحش پرواز کرده و در آسمان هاست، آنوقت از من می خواهند جلوی او را بگیرم و دست و پایش را در زمین ببندم، من نمی توانم این کار را بکنم.

آن طلبه، ساعتی بعد به شهادت رسید. (۱)

حاج آقا مهدی پور، هم سنگر شهید میثمی، از ساعات آخر شهید، خاطره ای دارد: شب دوم عملیات کربلای پنج بود. من، حاج آقا میثمی و آقای میر مرشدی در سنگر بودیم و تمام فکر و ذکر ما عملیات و مسایل مربوط به آن بود. حاج آقا میثمی یکباره و بی مقدمه گفت: «من در این عملیات اجرم را از خدا می گیرم.» از فکر شهادت او بر خود لرزیدم، حاج آقا میرمرشدی گفت:

انشاءالله همیشه سایه تان بر سر ما باشد و سایه شما از سر ما کم نشود، اما او دوباره گفت: «نه، من باید در این عملیات اجرم را از خدا بگیرم.» دیگر نتوانستیم حرفی بزنیم، وقتی در ادامه عملیات خبر محرومیت او را شنیدم و فهمیدم ترکش به سرش خورده و به شهادت رسیده است بار دیگر کلام او در گوشم طنین افکند: «من در این عملیات اجر خودم را از خدا می گیرم.»

[\(۱\)](#)

آیه الله شیخ حسنعلی نخودکی

فرزند مرحوم آیه الله نخودکی عارف شهیر، در کتاب نشان از بی نشانها، روزهای واپسین حیات پدر خویش را چنین می نگارد: یک هفته قبل از وفات، نیمه شب، حال پدرم وخیم شد، طبیبان به عیادتش آمدند و پس از معاینات پزشکی، اعلام کردند بیمار از دنیا رفته است، اما قلب پدرم پس از مدتی توقف، دوباره به کار افتاد و روز بعد یکی از پزشکان معالجش که دکتر قوام نام داشت به من اظهار کرد: پدرت دیشب درگذشت ولی مجدداً به زندگی برگشت. فردای آن روز، وقتی اتاق، از اغیار خالی شد پدرم فرمود: دیشب روح از بدنم مفارقت کرد و به خدمت امام رضا(علیه السلام) مشرف شدم و به وسیله استاد خود مرحوم حاج محمد صادق از امام تقاضا کردم برای تکمیل وصایای خود، یک هفته مهلت داده شوم امام اجازه فرمودند، اما قدغن کردند که دیگر چنین درخواستی نکنم، سپس فرمود: در این مدت، شب ها از نزد من دور نشو و مراقب حال من باش.

رفته رفته حال پدرم رو به بهبود نهاد اما ناگهان روز چهارشنبه مجدد حال ایشان وخیم شد، آن زمان اظهار کردند: من صبح یکشنبه خواهم مرد و پس از آن وصایای خویش را به من فرمودند. پس از شنیدن وصایای پدرم در باب تهجد و تحصیل به قدر اجتهاد و گرامی داشتن سادات و حداکثر خدمت را به آنان نمودن و تقوی و نماز اول وقت و چند وصیت دیگر، از خاطرم گذشت که بنابراین لازم است از مردم کناره گیرم و در گوشه انزوا نشینم که مصاحبت و معاشرت، آدمی را از ریاضت و عبادت و تحصیل علوم ظاهر و

باطن باز می دارد، اما ناگهان پدرم چشم خود را گشود و فرمود: تصور بیهوده نکن، تکلیف و ریاضت تو تنها خدمت به خلق خداست. سپس توصیه کرد سیدی مرتضی نام، پس از فوت ایشان یک ساعت بالای سرشان قرآن بخواند.

از ظهر پنجشنبه تا روز یکشنبه دیگر با کسی سخن نگفت و پیوسته در حال مراقبه بود. شب جمعه بود که ناگهان سر از بالین برداشت و نگاه بر در گشوده فرمود: «ای شیطان، بر من که سراپا از محبت علی پر شده ام دست نخواهی یافت.»

روز شنبه فرا رسید. زیر لب زمزمه کرد: «کار رفتن را بر من دشوار گرفته اند و عتاب دارند: تو که محضر امام رضا(علیه السلام) را در این جهان آرزو داشتی از چه رو گاه و بیگاه لب به خنده می گشودی؟»

سرانجام آفتاب صبح روز یکشنبه طلوع کرد. به دستور پدرم گوسفندی به عنوان نذر حضرت زهرا(سلام الله علیها) قربانی گردید و یکی دو ساعت بعد از طلوع آفتاب روز هفدهم شعبان، روح پاکش به عالم قدس و بقا پر کشید. رضوان خدا بر او و جمیع اولیاء خداوند باد. (۱)

آیه الله سید علی قاضی

سید عبدالحسین قاضی، نوه سیدعلی قاضی، جریان شب رحلت ایشان را چنین توصیف می کند:

«ایشان مدتی بیمار بودند. یک شب به پدرم که آن زمان ۲۰ ساله بودند می گویند امشب نخواب و بیدار باش. پدرم متوجه نمی شود که جریان چیست. ایشان نقل می کند در ساعتی از نیمه شب آقای قاضی او را صدا می زنند و رو به قبله دراز می کشند و می گویند من در حال مرگ هستم و به او سفارش می کنند همسر و بچه های دیگرشان را بیدار نکنند و تا صبح بالای سرشان بنشینند و قرآن بخوانند. پدرم می گوید علی رغم این که اگر کسی بداند پدرش در حال مرگ است و هیچ نگوید سخت است اما من این موضوع را با کمال آرامش پذیرفتم و به کسی چیزی نگفتم و پیش او نشستم. آقای قاضی به من فرمودند که دارم راحت می شوم و این راحتی از طرف پاهایم شروع شده و به طرف بالا می آید. سپس فرمودند فقط قلبم درد می کند. بعد فرمودند رویم را بپوشان. من هم روی صورتشان را پوشاندم و ایشان از دنیا رفتند. من بدون هیچ دغدغه و اضطراب تا صبح پیش ایشان نشستم و قرآن خواندم تا آن که هنگام اذان صبح شد و خانواده آمدند و پرسیدند جریان چیست. من هم گفتم که پدر فوت شده است. فریاد و سر و صدا از اهل خانه بلند شد و در آن لحظه تازه متوجه تصرف او شدم و فهمیدم چه اتفاقی افتاده است و از مرگ پدرم بسیار متأثر شدم. (۱)

آیه الله بهاءالدینی

از حضرت آیه الله بهاءالدینی نقل شده است که فرمودند: شبی مشغول خوردن شام بودیم که در خانه را کوبیدند و گفتند حاج آقا صدوقی است که با هم سوابق زیادی داشتیم. آقای صدوقی وارد شد و نشست. بعد از تعارفات به ایشان گفتیم: غذا بخورید. فرمود: من میل ندارم. قدری نشست و ما گفتیم خوب شما باید استراحت کنید برای تهجد و نماز شب و نماز صبح بیدار شوید. گفت: بله من می روم، شما هم استراحت کنید. ایشان رفت. صبح به ما خبر دادند دیروز ایشان را ترور کردند و شهید شده است. معلوم شد بعد از شهادت آمده پیش ما.

همچنین نقل شده است روزی که آیه الله شیخ مرتضی حائری در تهران از دنیا می رود قبل از ظهر افرادی خدمت آقای بهاءالدینی در قم بودند، آنان گفتند یک مرتبه ایشان فرمود: «ا، آقا حاج شیخ را هم که دارند می برند.» آنها که دور آقا بودند متحیر ماندند که آقا چه می فرماید؟ حاج شیخ کیست؟ وقتی خبر فوت ایشان می رسد می بینند همان وقتی که آیه الله بهاءالدینی در قم و منزل خود فرموده بود، آقای حائری در تهران از دنیا رفته است. (۱)

حضرت آیه الله بهاءالدینی بارها می فرمود: ما چند مرتبه تا به حال با خدا دبه کرده ایم، بنا بوده برویم تسلیم نشدیم.

یکی از شاگردان ایشان می گوید در سفر اخیری که در بیمارستان قلب در خدمتشان بودم روزی تنها بودم. از معالجات می پرسیدم، می فرمود: به درد نمی خورد. عرض کردم: چه باید کرد؟ فرمود: باید تسلیم شد. عرض کردم: آخر دلخوشی فرزندان شما، بعضی از صبیبه های شما (۱) به شماست قدری فکر کرد و فرمود: خوب، حاضریم یک قدری دیگر در این دنیا برای خاطر آنها رنج بکشیم. بعد از این مذاکره بود که حال ایشان رو به بهتر شدن گذاشت به طوری که یکی دو روز بعد فرمود: به قم برویم. (۲)

پس از مدتی، مجدد حال ایشان به وخامت گرایید و در یکی از همان روزها فرمود: «ما می دانیم آن طرف برای ما بهتر است، لذا از مرگ باکی نداریم.» هفته بعد که خدمتشان رسیدم فرمود: «ما به تو گفتیم که از مرگ باکی نیست اما خیلی مشکل است.» یکی از آقایان مورد اعتماد می فرمود: دوران نقاهت حضرت آیه الله بهاءالدینی یک روز بعد از نماز صبح نشسته بودم چشمم روی هم بود حالتی به من دست داد، در آن حال آیه الله بهاءالدینی را دیدم که به من می فرماید: «یک هفته دیگر من از دنیا می روم و سلمان و ابوذر به تشیع من می آیند.» پس از یک هفته ایشان از دنیا رفت.

به فرموده مقام معظم رهبری، مکان دفن پیکر مطهر ایشان در مسجد بالاسر، کنار قبر مطهر مرحوم آیه الله العظمی اراکی، بالای سر چند تن از مراجع از جمله شیخ عبدالکریم حائری تعیین شد. مسئولین آستانه و معمار گفتند: اینجا بتون است، نمی شود قبری در این مکان حفر کرد. دوستان اظهار

۱- صبیبه: فرزند دختر

۲- حیدری کاشانی، سیری در آفاق ص ۳۷۹

کردند مقام معظم رهبری فرموده اند، پس اجازه دهید ما همین مکان را حفر می کنیم اگر بتون یا چیز دیگری بود آن را دوباره پر می کنیم، شما دستور دهید زمین را بکنند ببینید قبر چگونه آماده می شود. شروع به کندن کردند، نه قبری بود نه بتونی، نه پایه آجری! با اینکه آنها به وجب به وجب این مکان وقوف داشتند. حال از کرامت آقا بود، از کرامت رهبر معظم بود یا از هر دو، قبری وسیع و بکر در آنجا آماده شد و پیکر مطهر این عارف سترگ، در آنجا آرام گرفت. (۱)

حکیم هیدجی

مرحوم عارف حکیم هیدجی، دیوانی دارد که وصیت نامه اش را در آخر آن طبع نموده اند. او پس از حمد خدا و شهادتین و تقسیم اموال خود می گوید: «از رفقا تقاضا دارم وقتی مردم عمامه مرا روی تابوت نگذارید و های و هو نکنید و برای مجلس ختم موی دماغ کسی نشوید زیرا عمر من ختم شده و عمل من خاتمه یافته است. دوستان من خوش باشند زیرا من از زندان طبیعت خلاص شده ام و به سوی مطلوب خود می روم و عمر جاودان می یابم. اگر دوستان از مفارقت من ناراحتند، انشاءالله خواهند آمد و همدیگر را در آنجا زیارت می کنیم. دوست داشتم پولی داشتم و به رفقا می دادم که در شب رحلت من مجلس سوری تهیه کنند و سروری فراهم سازند زیرا که آن شب وصال من است.»

طلاب مدرسه منیریه گفتند: شب آخر عمرش همه ما را جمع کرد و نصیحت می کرد و شوخی نموده می خندید. ما گفتیم ایشان که هر شب مشغول مطالعه و عبادت بود امشب چرا این طوری ما را سرگرم می کند و هیچ نمی دانستند. صبح، بعد از فجر، نماز را خواند و رو به قبله خوابید، بعد از ساعتی در حجره را باز کردند، دیدند از دنیا رفته است رحمه الله علیه. (۱)

شیخ مرتضی طالقانی

علامه جعفری رحمه الله علیه، دو روز قبل از وفات استادش شیخ مرتضی طالقانی، مانند روزهای قبل، خدمت ایشان می رسد و تقاضای درس گرفتن می کند. استاد فرموده بود: برخیز و برو آقا جان، برو، درس تمام شد. علامه می گوید: گمان کردم ایشان تصور نموده محرم داخل و در نتیجه درس ها به مدت دو هفته تعطیل شده است. گفتم: دو روز به محرم مانده و درس ها دائر است. ایشان در عین سلامت کامل فرمودند: آقا جان به شما می گویم درس تمام شد، من مسافرم!

... روح رفته جسدش مانده! لا اله الا الله در این حال اشک از چشمانش سرازیر شد و دانستم شیخ از آغاز مسافرت ابدی اش خبر می دهد.

طلاب مدرسه سید گفتند: مرحوم شیخ شب رحلتش همه را در حجره جمع کرد و از شب تا صبح خوش و خرم بود و مزاح و شوخی می کرد. هر چه طلاب مدرسه می خواستند به حجره های خود بروند می گفت: یک شب است! غنیمت است! و هیچ کدام از آن ها خبر از مرگش نداشتند.

هنگام طلوع فجر بر بام مدرسه رفت، اذان گفت و پایین آمد و به حجره خود رفت. هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که دیدند شیخ در حجره ی خود رو به قبله خوابیده پارچه ای روی خود کشیده و جان تسلیم کرده است.

خادم مدرسه سید گوید: همان روزی که شیخ فردا صبحش رحلت نمود، عصر هنگام در حین عبور در صحن مدرسه با من برخورد کرد و گفت: «تو امشب می خوابی و صبح از خواب بر می خیزی و کنار حوض می روی تا وضو بگیری می گویند: شیخ مرتضی مرد.»

خادم می گوید: من اصلاً مقصود او را نفهمیدم و این جملات را یک کلام ساده مقرون به شوخی تلقی کردم. صبح که از خواب برخاستم و در کنار حوض مشغول وضو گرفتن بودم دیدم طلاب مدرسه می گویند: شیخ مرتضی مرده است. رحمه الله و رضوانه علیه. (۱)

۱- حسن صدری مازندرانی، وصال عارفانه ص ۵۶ تا ص ۵۹

شهید ثالث ملا محمدتقی برغانی قزوینی

شهید ثالث همواره در منبر مردم را از گرویدن به بابت بر حذر داشته و آنان را تکفیر می نمود. میرزا جواد، مرد عرب ساکن قزوین نقل کرده که چند روز قبل از شهادت خدمت ایشان رسیدم. فرمود: التماس دعا دارم. گفتم: خداوند نعمت های دنیا و آخرت را به شما داده؛ عزت، ثروت، اولاد، علم، نشر شریعت، تألیف کتاب های علمی...، اکنون چه آرزویی برایتان مانده است؟ فرمود: آرزوی شهادت. گفتم: شما همیشه در شهادتید بلکه طبق حدیث معروف «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» خداوند بالاتر از شهادت را به شما داده است. فرمود: بلی چنین است ولی من شهادت به معنی به خون آغشته شدن را می خواهم.

سال ۱۲۶۴ هـ. ق. نیمه شب، طبق عادت معمول علی رغم درخواست همسرش که او را از رفتن باز می داشت، از خانه بیرون آمد و در مسجد خود مشغول عبادت شد. نزدیک صبح، پیرزنی که متولی و خادم مسجد بود برای روشن کردن چراغی به مسجد آمد، شهید ثالث آن زمان سر به سجده نهاده و مشغول خواندن مناجات خمسه عشر بود و با نهایت خضوع و خشوع و با حالت ابتهال و زاری اشک می ریخت و مناجات را می خواند. هماندم چند نفر از فرقه ی ضاله بایه وارد مسجد شدند و در همان حال سجده با نیزه دوباره به گردن آن بزرگوار زدند، آن جناب سر از سجده برداشته فرمود چرا مرا می کشید؟ که نیزه را در دهانش فرو کردند به طوری که دهان و زبان شکافت و هشت ضربه پیاپی فرود آوردند و چون صدای پیرزن به فریاد بلند شد از مسجد گریختند. آن جناب از جای خود بلند شد که از مسجد بیرون برود تا

خون در میان مسجد نریزد. تا نزدیک در مسجد که رسید ضعف بر او متولی شده و مقابل در غرق در خون خود بیهوش افتاد. تا دو روز بعد زنده بود ولی به خوبی قدرت بر سخن گفتن نداشت و چون زبانش شکافته و مجروح شده بود از شدت درد نمی توانست آب بیاشامد. از طرفی مرتب خون زیادی از بدنش می رفت به طوری که تشنگی سخت بر او غالب گردید و مکرر در همان حال از تشنگی امام حسین (علیه السلام) یاد می کرد و می گریست و می فرمود یا ابا عبدالله جانم بفدایت، از تشنگی بر تو چه گذشت و با همان حال و تشنگی مفرط، غرق در خون خویش، جان سپرد.

و سی قال ذین اتقوا ربه م إلى الجنه زم را

حتی إذا ج آءوها و فتحت أبوابه ا

وقال لهم خ زنته ا سلام علیکم

طبتم فادخلوها خالدین.

□□□□□□□□

(و متقیان خ_دا ترس را فوج فوج به سوی بهشت برند و چون بدانجا رسند همه دره_ای بهشت به رویشان به احترام بگشایند
و

خازنان بهشتی به تهنیت گویند بر شما باد که چه خوش

عیش نصیب شما گردید حال در این بهشت ابد

در آید و جاودان متنعم باشید.)

(سوره زمر / آیه ۷۳)

فهرست منابع

۱. اقبال الاعمال، سید بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.
۲. الجامع الاخبار، تاج الدین شعیری، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
۳. الوسيله، ابن حمزه طوسی، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۸.
۴. انسان از مرگ تا برزخ، نعمت الله صالحی حاجی آبادی، ناشر مولف، ۱۳۷۸.
۵. بحار الانوار، علامه مجلسی، موسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴.
۶. بدرقه یار، محمدحسین مهر آیین، نشر جمال، تابستان ۱۳۷۹.
۷. پرسش ها و پاسخ های دانشجویان، ج ۲، محمدرضا کاشفی، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶.
۸. پیام قرآن، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۶، بخش دوم معاد در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابیطالب، ۱۳۷۴.
۹. تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود بن عیاش سمرقندی، مکتبه العلمیه الاسمیة، تهران ۱۳۸۰ هـ. ق.
۱۰. تفسیر مجمع البیان، مرحوم طبرسی، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰.
۱۱. تفسیر موضوعی آیت الله جوادی آملی، ج ۳ و ۴، نشر اسراء، ۱۳۷۸.
۱۲. تفسیر موضوعی قرآن کریم، آیت الله جوادی آملی، ج ۳ و ۴، چاپ گلشن، مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۱۳. تفسیر نور الثقلین، عروسی حویزی عبد علی ابن جمعه، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، انتشارات اسماعیلیان، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۱۴. توحید شیخ صدوق، تحلیل علی اکبر غفاری و سیدهاشم حسینی تهرانی، موسسه نشر اسلامی قم.

۱۵. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ترجمه علی اکبر غفاری، کتابفروشی صدوق.

۱۶. حلیه المتقین، محمدباقر مجلسی، ناشر موعود اسلام، ۱۳۸۳.

۱۷. ختوم و اذکار، سید محمد تقی مقدم، انتشارات مقدم، ۱۳۷۵.

۱۸. خصال شیخ صدوق، ناشر جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ هـ. ق.

۱۹. داروخانه معنوی، رضا جاهد، انتشارات بارش، ۱۳۷۹.

۲۰. روضه المتقین، شرح من لایحضره الفقیه، علامه مجلسی، تحقیق سید حسین موسوی کرمانی، بنیاد فرهنگی اسلامی کوشان پور.

۲۱. سرای دیگر، آیت الله شهید دستغیب، انتشارات صبا، ۱۳۶۱.

۲۲. سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، نشر اسوه، ۱۴۱۶ هـ. ق.

۲۳. عروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، نشر اسلامی قم، ۱۴۱۷.

۲۴. علل الشرایع، شیخ صدوق، ترجمه ذهنی تهرانی، انتشارات مؤمنین، ۱۳۸۶.

۲۵. علم یقین، فیض کاشانی، تحقیق محسن بیدارفر، انتشارات بیدار،

ج ۲، ۱۴۱۸ هـ. ق.

۲۶. فضائل الا شهر الثلاثه، شیخ صدوق، مکتب الداوری، قم.

۲۷. کافی، مرحوم کلینی رازی، تحقیق علی اکبر غفاری، بیروت، ۱۴۰۱ هـ. ق.

۲۸. مجموعه ورام (تنبيه الخواطر)، ورام ابن ابی فراس، ناشر مکتب فقیه.

۲۹. مصباح الشریعه، عبدالرزاق گیلانی، تحقیق سید جلال الدین محدث، کتابخانه صدوق، ۱۳۶۰.
۳۰. معاد شناسی، سید محمد حسینی علامه طهرانی، انتشارات حکمت، ۱۳۶۱.
۳۱. مفاتیح الجنان، محدث کبیر شیخ عباس قمی.
۳۲. من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق ابن بابویه قمی، دارالتعارف، بیروت.
۳۳. منازل الاخره، شیخ عباس قمی، انتشارات دارالفکر، ۱۳۷۶.
۳۴. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، انتشارات هجرت، ۱۴۱۲.
۳۵. مهجّه البیضاء فی تهذیب الاحیاء، فیض کاشانی، تصحیح علی اکبر غفاری، موسسه نشر اسلامی.
۳۶. نشان از بی نشان ها، علی مقدادی اصفهانی، جمهوری، ۱۳۸۵.
۳۷. نصایح، آیت الله مشکینی اردبیلی، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۳۸. وسایل الشیعه، شیخ حرّ عاملی، تحقیق موسسه آل البيت، ۱۴۱۴ هـ. ق.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

